



وزارت معارف

معینیت انکشاف نصاب تعلیمی  
و تربیہ معلم  
ریاست عمومی انکشاف نصاب  
تعلیمی و تألیف کتب درسی

# تعلیمات مدنی

## صنف ۱۱

کتاب های درسی متعلق به وزارت معارف بوده خرید و فروش آن جداً ممنوع  
است. با متخلفین برخورد قانونی صورت می گیرد.



تعلیمات مدنی - صنف یازدهم





## سرود ملی

دا وطن افغانستان دی  
کور د سولې کور د تورې  
دا وطن د ټولو کور دی  
د پښتون او هزاره وو  
ورسره عرب، گوجر دي  
براهوي دي، قزلباش دي  
دا هیواد به تل خلیري  
په سینه کې د آسیا به  
نوم د حق مودی رهبر

دا عزت د هر افغان دی  
هر بچی یې قهرمان دی  
د بلوڅو د ازبکو  
د ترکمنو د تاجکو  
پامیریان، نورستانیان  
هم ایماق، هم پشه پان  
لکه لمر پر شنه آسمان  
لکه زړه وي جاویدان  
وایو الله اکبر وایو الله اکبر

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت معارف

معینیت انکشاف نصاب تعلیمی و تربیه معلم  
ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی  
و تألیف کتب درسی

## تعلیمات مدنی

### صنف یازدهم

۱۳۹۶

ه.ش



## مؤلفان:

- محمد عزیزبختیاری
- پوهنبار محمد فاروق عمر خیل
- مؤلف محمد انور مشفق

## ایدیت مسلکی:

سر مؤلف میر عبیدالله فاضل عضو علمی دیپارتمنت تعلیمات مدنی ریاست انکشاف نصاب تعلیمی.

## ایدیت زبان

عبدالرازق اسمیر و عین الدین اسدی

## کمیته دینی، سیاسی و فرهنگی:

دکتور عبدالصبور فخری  
حبیب الله راحل مشاور وزارت معارف در ریاست انکشاف نصاب تعلیمی.

## کمیته نظارت:

دکتور اسدالله محقق معین انکشاف نصاب تعلیمی و تربیه معلم.  
دکتور شیر علی ظریفی رئیس پروژه انکشاف نصاب تعلیمی.  
دکتور محمد یوسف نیازی سرپرست ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی و تألیف کتب درسی

## طرح و دیزاین: رحمت الله غفاری

تنظیم امور چاپ: محمد کبیر حقمل رئیس نشرات و اطلاعات وزارت معارف.

## بسم الله الرحمن الرحيم

### پیام وزیر معارف

سپاس بیکران آفریدگاری را که انسان را در احسن تقویم آفرید و او را قدرت بیان بخشید و به زیور علم و اندیشه آراست و درود بی‌پایان بر پیامبر مکرم اسلام حضرت محمد مصطفی - صلی الله علیه وسلم - که معلم بزرگ انسانیت است و پیام آور رحمت و هدایت و روشنایی.

تعلیم و تربیت نقطه آغاز هر تحول و سنگ بنای توسعه در هر جامعه است. هدف اصلی تعلیم و تربیت به فعلیت رساندن نیروهای بالقوه انسان و شکوفا کردن استعدادهای درونی وی است.

کتاب درسی یکی از ارکان مهم در فرایند تعلیم و تربیت محسوب می‌شود که همگام با تحولات و پیشرفت‌های علمی نوین و مطابق با نیازمندی‌های جامعه تهیه و تألیف می‌گردد و باید دارای ظرفیت و ظرفیتی باشد که بتواند آموزه‌های دینی و اخلاقی را توأم با فرآورده‌های علوم جدید با میتودهای نوین به شاگردان منتقل کند.

کتابی که اکنون در اختیار شما قرار دارد، بر اساس همین ویژه‌گی‌ها تهیه و تألیف شده است. سعی وزارت معارف همواره براین بوده که نصاب تعلیمی و کتب درسی معارف کشور، متکی بر مبانی تعلیم و تربیت اسلامی و حفظ هویت ملی، مطابق با معیارهای علمی و روش‌های تربیتی نوین بوده، استعدادهای دانش آموزان را در همه زمینه‌های اخلاقی و علمی شکوفا گرداند و قدرت تفکر، ابتکار و حس جستجوگری را در آنها تقویت بخشد. ترویج فرهنگ گفتگو و رواداری، تقویت حس وطن‌دوستی، مهربانی، گذشت و همبستگی از خواست‌های دیگر وزارت معارف است که باید در کتب درسی متبلور باشد.

کتاب‌های درسی بدون داشتن معلم خوب و مسلکی نمی‌تواند اهداف مورد نظر را بر آورده سازد. معلم یکی از ارکان مهم تعلیم و تربیت و مجری برنامه‌های آموزشی و تربیتی است. از معلمان و آموزگاران خوب، متعهد و دلسوز کشورم که ستیزه با سیاهی و نادانی را پیشه خود ساخته‌اند، صمیمانه آرزو مندیم که با تطبیق دقیق و مخلصانه نصاب تعلیمی، کودکان و جوانان میهن را بسوی فتح قله‌های رفیع دانش، اخلاق و معنویت رهنمون گردند.

کامیابی نظام آموزشی کشور بدون همکاری جدی مردم غیر ممکن است. ازین رو از همه اقشار و افراد ملت شریف افغانستان، بخصوص از خانواده‌ها و اولیای محترم شاگردان خواشمندم که از هیچگونه همکاری در جهت تحقق اهداف معارف دریغ نوزند. همچنان از همه نویسندگان، دانشمندان، متخصصان تعلیم و تربیت و اولیای محترم شاگردان تقاضا می‌شود که با ارائه نظریات و پیشنهادات سالم و نقدهای سازنده خود وزارت معارف را در بهبود هر چه بیشتر کتاب‌های درسی همکاری نمایند.

لازم می‌دانم از تمام مؤلفان دانشمند و کارمندان اداری و فنی وزارت معارف که در تهیه، تألیف، طبع و توزیع این کتاب زحمت کشیده‌اند و از همه نهادهای ملی و بین‌المللی که در زمینه چاپ و توزیع کتب درسی همکاری نموده‌اند، قدردانی و تشکر نمایم.

در اخیر از خداوند منان استدعا دارم که به لطف بی‌پایان خود، ما را در تحقق آرمان‌های مقدس معارف یاری رساند. إنه سمیع قریب مجیب.

دکتور اسدالله حنیف بلخی

وزیر معارف



|    |                            |
|----|----------------------------|
| ۱  | فصل اول: اجتماعی شدن چیست؟ |
| ۲  | اهداف فصل                  |
| ۳  | اجتماعی شدن چیست؟          |
| ۷  | عوامل اجتماعی شدن (۱)      |
| ۱۱ | عوامل اجتماعی شدن (۲)      |
| ۱۵ | مراحل زنده گی              |
| ۲۱ | فصل دوم: نظم اجتماعی       |
| ۲۲ | اهداف فصل                  |
| ۲۳ | نظم اجتماعی چیست؟          |
| ۲۷ | عوامل نظم اجتماعی (۱)      |
| ۳۱ | عوامل نظم اجتماعی (۲)      |
| ۳۵ | انحرافات اجتماعی (۱)       |
| ۳۹ | انحرافات اجتماعی (۲)       |
| ۴۳ | فصل سوم: تغییرات اجتماعی   |
| ۴۴ | اهداف فصل                  |
| ۴۵ | تغییرات اجتماعی چیست؟      |
| ۴۹ | عوامل تغییرات اجتماعی (۱)  |



|    |                                                       |
|----|-------------------------------------------------------|
| ۵۳ | عوامل تغییرات اجتماعی (۲)                             |
| ۵۷ | فصل چهارم: نابرابری اجتماعی و نشانه‌های آن            |
| ۵۸ | اهداف فصل                                             |
| ۵۹ | نابرابری اجتماعی چیست؟                                |
| ۶۳ | نابرابری طبقاتی                                       |
| ۶۷ | نابرابری جنسیتی                                       |
| ۷۱ | فصل پنجم: مشکلات اجتماعی ما                           |
| ۷۲ | اهداف فصل                                             |
| ۷۳ | مشکلات اجتماعی ما: بی‌سوادی                           |
| ۷۷ | مشکلات اجتماعی ما: فقر                                |
| ۸۱ | مشکلات اجتماعی ما: خانه و مسکن                        |
| ۸۵ | مشکلات اجتماعی ما: صحت و تندرستی                      |
| ۸۹ | مشکلات اجتماعی ما: تولید، قاچاق و اعتیاد به مواد مخدر |
| ۹۳ | مشکلات اجتماعی ما: ناامنی، اختلافات سیاسی و اجتماعی   |
| ۹۶ | مشکلات اجتماعی ما: ماین‌ها و مواد منفجرناشده          |
| ۹۹ | خلاصه فصل                                             |

# فصل اول

## اجتماعی شدن چیست؟

در این فصل درس‌های زیر را می‌آموزیم:

- اجتماعی شدن چیست؟
- عوامل اجتماعی شدن (۱)
- عوامل اجتماعی شدن (۲)
- دوره‌های زندگی.



# اهداف فصل

- توقع می‌رود که شاگردان عزیز، بعد از خواندن این فصل:
- معنی و اهمیت اجتماعی شدن را بدانند؛
  - در برقرار نمودن روابط اجتماعی، مهارت بیشتری پیدا نمایند؛
  - به پذیرش ارزش‌ها و قواعد اجتماعی علاقمند شوند؛
  - عوامل اجتماعی شدن و چگونه‌گی تأثیرگذاری آن‌ها را بر افراد بدانند؛
  - با مراحل زنده‌گی انسان و قواعد مهم آن‌ها آشنا شوند.



## اجتماعی شدن چیست؟

## مباحثه کنید

می‌دانید که مردم در جوامع مختلف آداب، رسوم و رفتارهای متفاوتی دارند. با توجه به این مطلب، به سؤالات زیر جواب دهید:

۱- آیا شما مردمی را می‌شناسید که در سلام دادن و احوال‌پرسی از کلمات مختلف استفاده کنند؟



۲- به نظر شما چرا آن‌ها مثل شما رفتار نمی‌کنند؟

آیا می‌دانید چرا تفاوت‌ها در بین جوامع مختلف وجود دارد؟

اگر از دهکده یا شهر خود به شهرها یا کشورهای دیگری مسافرت کرده باشید، حتماً ملاحظه کرده‌اید که

مردم در شهرها و کشورهای مختلف:

- به زبان‌های مختلف سخن می‌گویند؛
- لباس‌های متفاوتی می‌پوشند؛
- غذاهای مختلفی را می‌خورند؛

• رفتارهای مختلفی را در یک نوع موقعیت‌ها از خود نشان می‌دهند.

با دیدن این تنوع و تفاوت‌ها، این سؤال در ذهن انسان پیدا می‌شود که چرا مردم در جوامع مختلف به شیوه‌های متفاوتی رفتار می‌کنند؟ در جواب به این سؤال باید گفت که هر جامعه‌ی فرهنگی خاص خود را دارد. در فرهنگ دستورالعمل‌های قبول شده‌ای برای رفتار افراد وجود دارد که اعضای جامعه بر طبق آن‌ها عمل می‌کنند. از اینرو، در کشورهای مختلف آداب، رسوم و



رفتارهای متنوعی دیده می‌شود.

همه عرصه‌های اجتماعی، مانند: خانواده، مکتب، کوچه، اداره و مانند اینها، دارای دستورالعمل‌های خاصی‌اند. به طور مثال: دستورالعمل‌های صنف را در نظر بگیرید:

(۱) ساکت باشیم؛

(۲) در جای خود بنشینیم؛

(۳) به سخنان معلم گوش بدهیم؛

(۴) برای همصنفان خود مزاحمت ایجاد نکنیم؛

(۵) نکته‌های مهم سخنان معلم را یادداشت نماییم.

این‌ها مهم‌ترین نمونه‌های رفتار شاگردان است که باید در صنف آن‌ها را مراعات نموده و بر اساس آن‌ها عمل نمایند. از معلم نیز توقع می‌رود که از نمونه رفتار خاصی پیروی کند تا بتواند به خوبی نقش خود را به عنوان معلم بازی نماید. به طور مثال، از معلم انتظار می‌رود که:

(۱) لباس منظم و پاکیزه بپوشد؛

(۲) با شاگردان مهربان باشد؛

(۳) برای درس به خوبی آماده‌گی بگیرد؛

(۴) درس را به خوبی تشریح کند؛

(۵) از بهترین روش‌های تدریس استفاده نماید؛

(۶) در برخورد با شاگردان، بین آن‌ها فرق نگذارد؛

(۷) نظم صنف را برقرار و حفظ نماید.

**سیر اجتماعی شدن در مراحل نخستین زنده‌گی:**

زمانی که خیلی کوچک هستیم با بسیاری از قواعد اجتماعی آشنایی نداریم. به تدریج که بزرگ می‌شویم با آن‌ها زیاد تر آشنا شده و در جاهای مختلف طوری رفتار می‌کنیم که دیگران از ما توقع دارند. این نمونه‌های رفتار را جامعه‌شناسان **قواعد**



اجتماعی می‌نامند. ما از دوران کودکی به طور ناخودآگاه شروع به یادگیری قواعد اجتماعی می‌کنیم و از این طریق اجتماعی می‌شویم. اجتماعی شدن یکباره و در مدت کوتاه انجام نمی‌شود بلکه از ابتدای تولد شروع می‌شود. در سال‌های اول زنده‌گی حجم زیادی از مطالب را می‌آموزیم: قواعد لباس پوشیدن، غذا خوردن، پاک‌نگه داشتن خود و محیط، سخن گفتن، آداب معاشرت و مانند اینها. اما به تدریج که بزرگ می‌شویم، شرایط ما تغییر می‌کند و ما باید یاد بگیریم که در شرایط سنی و شغلی جدید چگونه رفتار نماییم. مثلاً: وقتی به سن نوجوانی می‌رسیم از ما توقع می‌شود که بعضی از کارها را انجام دهیم که پیش از آن انجام نمی‌دادیم و یا بعضی از کارها را که قبلاً انجام می‌دادیم، دیگر انجام ندهیم. یا وقتی که تازه فارغ التحصیل می‌شویم و در اداره یا کارخانه‌یی مشغول کار می‌شویم، باید یاد بگیریم که در آن محیط جدید چگونه عمل نماییم.

### دانستنی‌های زنده‌گی:

بعضی از مهم‌ترین اموری را که در طی جریان اجتماعی شدن یاد می‌گیریم، عبارتند از:

**ارزش‌ها و قواعد اجتماعی:** اعضای جامعه از طریق اجتماعی شدن با ارزش‌ها و قواعد جامعه خویش آشنا می‌شوند. آن‌ها می‌آموزند که ارزش‌ها و قواعد اجتماعی در جوامع مختلف کم‌وبیش تفاوت دارند و اعضای جامعه باید یاد بگیرند که در جامعه خود چه چیزهایی را خوب و چه چیزهایی را بد تلقی کنند؛ یا چه کارهایی را انجام دهند و کدام کارها را نباید انجام دهند.

**مهارت‌های کاری:** زنده‌گی اجتماعی مستلزم مهارت‌های خاصی است. اما این مهارت‌ها، که بعضی ساده و بعضی دیگر پیچیده است، باید یاد گرفته شود ما بدون یادگرفتن قادر به انجام دادن آن‌ها نخواهیم بود. و آن‌ها را در جریان زنده‌گی یاد می‌گیریم.

**چگونه‌گی ارتباط با دیگران:** ارتباط برقرار کردن با دیگران یک ضرورت



زنده‌گی اجتماعی ماست. موفقیت در برقراری ارتباط با دیگران باعث موفقیت در زنده‌گی اجتماعی ما می‌گردد. مثلاً: زنده‌گی اجتماعی بر ما الزام می‌دارد که با دوستان خود رفتار عاطفی داشته باشیم ولی با بیگانگان رفتار عادی و غیرعاطفی. وقتی کسی برای ما نیکی می‌انجام می‌دهد باید از او تشکر و سپاسگزاری کنیم ولی اگر حق ما را تلف می‌سازد، باید اظهار ناراحتی و مخالفت نماییم.

### مروری بر درس



- .....•
- .....•
- .....•
- .....•
- .....•

### سوالات درس



- ۱- چرا مردم در کشورهای مختلف رسم‌های مختلف دارند؟
- ۲- مردم در جوامع مختلف در کدام مسائل از همدیگر تفاوت دارند؟
- ۲- نمونه‌های رفتار معلم را در صنف بیان کنید.
- ۳- ما (قواعد) جامعه را چگونه یاد می‌گیریم؟
- ۴- ما از طریق اجتماعی‌شدن چه چیزهایی را یاد می‌گیریم؟
- ۵- ارتباط برقرار کردن با دیگران چه اهمیت دارد؟
- ۶- رفتار عاطفی انسان چگونه می‌باشد؟ برای روشن شدن مفهوم آن یک مثال ذکر نمایید.

### کارخانه‌گی



- یک طفل دو ساله را با یک نوزاد مقایسه کنید و ملاحظه کنید که:
۱. طفل دو ساله چه چیزهایی را یاد دارد که نوزاد یاد ندارد. (به طور مثال: سخن گفتن، راه رفتن، بازی کردن، خندیدن، شناختن اعضای خانواده، و ...)

## عوامل اجتماعی شدن (۱)

در درس گذشته خواندیم که انسان با یادگرفتن قواعد زنده‌گی اجتماعی، شخصیت اجتماعی پیدا می‌کند و دانستنی‌های لازم برای زنده‌گی در یک جامعه را کسب می‌کند. در این درس می‌خواهیم این مطلب را با توضیح بیشتری درباره عوامل اجتماعی

شدن تعقیب نماییم.

### مقایسه کنید



خانواده و گروه همبازی از جمله عوامل مهم اجتماعی شدن به شمار می‌روند. به نظر شما:

۱- طفل چه چیزهایی را در محیط خانواده و چه چیزهایی را در گروه همبازی یاد می‌گیرد؟

۲- از لحاظ اجتماعی شدن، خانواده اهمیت بیشتری دارد یا گروه همبازی؟ چرا؟

### خانواده

خانواده گروهی است که اعضای آن به خاطر داشتن پیوندهای نسبی و سببی، روابط صمیمی، پایدار و مستحکمی باهم دارند. کودک در خانواده چشم به جهان می‌گشاید. اعضای خانواده، اولین افرادی‌اند که او می‌شناسد. کودک در سال‌های اول زنده‌گی خود آماده‌گی زیادی برای یادگرفتن و عادت کردن و ارزش‌ها و قواعد اجتماعی دارد، زیرا او در بدو تولد مانند یک صفحه سفید از هر نوع آگاهی، مهارت و گرایش خالی است و این خانواده است که در این سال‌های حساس، ارزش‌ها و قواعد اجتماعی را به کودک یاد می‌دهد. به طور مثال، ما در خانواده یاد می‌گیریم که:

- چگونه سخن بگوییم؛
- چگونه نظافت شخصی و محیطی خود را مراعات نماییم؛



- به والدین و اعضای بزرگ خانواده خود احترام نماییم؛
- اعضای خانواده خود را دوست داشته باشیم؛
- چگونه با مردم معاشرت داشته باشیم؛
- خوب و بد را از یکدیگر تشخیص دهیم؛
- به ارزش‌ها و اعتقادات دینی عمل نماییم؛

خانواده بعضی از آداب و شیوه‌های زنده‌گی را طبق برنامه و به صورت عمدی به نسل جدید آموزش می‌دهد، ولی بعضی از آن‌ها ناآگاهانه و به صورت غیر ارادی آموخته می‌شود. به طور مثال، اخلاق والدین می‌تواند به طور نمونه‌های اخلاقی به کودکان منتقل شود، در حالی که آن‌ها ممکن است اصلاً نخواهند که کودکان‌شان آن‌ها را یاد بگیرند. بنابراین، اگر والدین افرادی خوش‌خلق و خوش‌رفتار باشند، فرزندان آن‌ها نیز به احتمال زیاد افرادی خوش‌خلق بار خواهند آمد. ولی اگر برعکس، آن‌ها افرادی تند خو باشند فرزندان نیز این روش رفتار آن‌ها را خواهند آموخت چون والدین مهم‌ترین الگوهای شخصیتی فرزندان به شمار می‌آیند. در کنار والدین دیگر افراد خانواده و خویشاوندان نزدیک کودکان که همواره با آن‌ها رفت و آمد دارند و یا در تماس دایم می‌باشند بر شخصیت کودکان تأثیر مستقیم دارند. مخصوصاً افرادی همچون برادران بزرگتر، کاکا، پسران کاکا، عمه و خاله، مادر کلان‌ها و پدر کلان‌ها و امثال آن‌ها که معمولاً سروکار کودک با آن‌ها زیاد می‌باشد در ساختار شخصیت کودک به طور مستقیم اثر می‌گذارند.

به دلیل آن‌که در هر کشوری فرهنگ‌های کوچک طبقاتی، قومی و عنعنوی وجود دارد و این فرهنگ‌های کوچک توسط خانواده حفظ گردیده و اشاعه می‌یابد، نسل جدید توسط خانواده به فرهنگ‌های کوچک خاصی وصل می‌شود. بنابراین، خانواده در شکل‌دادن شخصیت کودکان، تعیین ارزش‌ها و توقعات آن‌ها رول به‌سزایی دارد. اما باید توجه داشت که تأثیرات خانواده، اجتماع و محیط بر انسان به معنی سلب اختیار از او نمی‌باشد. در حقیقت محیط خانواده و سروکار داشتن با خویشاوندان نزدیک نخستین عامل سازنده شخصیت کودک به شمار می‌رود. در محیط افغانی شخصیت مادر در جهت دادن اخلاق و رفتار کودک از هر فرد خانواده بیشتر اثرگذار می‌باشد.

## گروه همبازی

اطفال به تدریج از محیط خانواده پا را بیرون می‌گذارند و با کودکان همسال خویش به بازی و تفریح می‌پردازند. کودکان در بازی‌ها رول‌های اجتماعی را ایفا می‌کنند و از این طریق با رول‌های مهم اجتماعی، از قبیل رول‌های پدر، مادر، معلم، پولیس و مانند اینها آشنا می‌شوند. کودکان با بازی کردن این نقش‌ها با نقش‌های مهم اجتماعی آشنا گردیده و برای ایفای این رول‌ها در آینده، آماده می‌شوند.

علاوه بر این، کودکان از طریق بازی‌ها یاد می‌گیرند که چگونه با یکدیگر ارتباط برقرار کنند، چگونه مخالفت کنند، چگونه موافقت نمایند، چگونه نزاع کنند و چگونه صلح نمایند. این امور ممکن است به ظاهر ساده به نظر آید ولی برای زنده‌گی اجتماعی بسیار مهم است.

کودکان هم‌سن و هم‌بازی نفوذ عمیقی بر شخصیت و رفتار یکدیگر می‌گذارند. آن‌ها از یکدیگر مدل لباس، اصطلاحات خاص و رفتارهای ویژه را یاد می‌گیرند و با صحبت‌هایی که با هم می‌کنند نوع و سطح آرزوها و آمال خود را تعیین می‌کنند.

علاوه بر این، در میان همسنان کسانی هستند که رول رهبری را بازی می‌کنند و دیگران از شخصیت، رفتار و اخلاق آن‌ها پیروی می‌کنند. این گونه افراد تأثیر بیشتری بر سایر همسنان خود می‌گذارند.

با توجه به تأثیرات عمیق و گسترده‌یی که همسنان می‌توانند بر ما بگذارند، باید سعی نماییم دوستان خود را آگاهانه و از روی شناخت انتخاب نماییم. هیچ‌گاه دنبال دوستان بد نرویم و از افکار و اعمال نادرست آن‌ها هیچ‌گاه پیروی ننماییم. پیامبر بزرگ اسلام به این نکته توجه نموده و با صراحت پیروان خویش را متوجه موضوع مهم می‌سازد و می‌فرماید: (هر شخص بر دین دوست خود می‌باشد و بایستی هر یک از شما متوجه باشد که با چه کسی پیمان دوستی می‌بندد).



## مروری بر درس



.....

.....

.....

.....

.....

## سؤالات درس



- ۱- خانواده از لحاظ اجتماعی شدن چه اهمیتی دارد؟
- ۲- روابط بین اعضای خانواده چگونه است؟ توضیح دهید.
- ۳- انسان در کدام دوره زندگی برای یادگرفتن آماده‌گی بیشتری دارد؟
- ۴- ما در خانواده چه چیزهایی را یاد می‌گیریم؟
- ۵- خانواده چگونه شخصیت ما را می‌سازد؟
- ۶- چه کسی در خانواده بیشتر از همه در شخصیت کودکان اثرگذار می‌باشد؟
- ۷- غیر از والدین دیگر کدام افراد خانواده در ساختار کودک تأثیر گذارند؟
- ۸- ما از همبازی‌ها و همسنان خود چه چیزهایی را یاد می‌گیریم؟
- ۹- کودکان در اثر ارتباط با همسنان شان کدام رول‌ها را یاد می‌گیرند؟
- ۱۰- در رابطه به انتخاب همبازی‌ها و دوستان صمیمی‌خویش چه مسؤولیتی متوجه ما می‌باشد؟

## کارخانه‌گی



با مشوره با همدیگر و بعضی بزرگان یک مقاله درباره تأثیرات خانواده بر شخصیت کودکان بنویسید که از دو صفحه کمتر نباشد.

## عوامل اجتماعی شدن (۲)

در درس گذشته دو عامل از عوامل اجتماعی شدن را شناختیم و در این درس با بعضی دیگر از عوامل اجتماعی شدن آشنا خواهیم شد.

### مباحثه کنید



مکتب و رسانه‌های جمعی  
دو عامل دیگر اجتماعی شدن  
هستند. به نظر شما:

۱- در مکتب چه چیزهایی  
را می‌آموزیم؟

۲- از رسانه‌ها چه چیزهایی  
را یاد می‌گیریم؟

۳- از میان عوامل  
اجتماعی کردن، کدام یک  
مهم است؟ چرا؟

### مکتب

در عصر حاضر تقریباً همهٔ کودکان در سن هفت ساله گی به مکتب می‌روند. امروز، علوم و تخصص‌هایی مورد نیاز است که خانواده نمی‌تواند آن‌ها را به اطفال آموزش دهد، لذا این وظیفه را مکتب به عهده گرفته است. مکتب به کودکان مهارت خواندن، نوشتن و حساب کردن را یاد می‌دهد. همچنین، کودکان در مکتب مسائل مهم زنده گی اجتماعی، اعم از عقاید، مناسک دینی، تاریخ، جغرافیا، کیمیا، فزیک و ریاضی را می‌آموزند. مکتب اولین محیط رسمی است که کودک با آن مواجه می‌شود. طفل در مکتب با رول‌های رسمی سروکار



پیدا می‌کند. برخورد های افراد در مکتب عاطفی نیست بلکه روابط در اینجا رسمی و بیشتر غیرعاطفی است.

بنابراین، علاوه بر اموری که به طور آگاهانه در مکتب به شاگردان تعلیم داده می‌شود، امور زیادی وجود دارد که ناآگاهانه به شاگردان یاد داده می‌شود. به طور مثال: شاگردان در ضمن پروگرام های روزانه مکتب، یاد می‌گیرند که:

(۱) نظم را مراعات نمایند؛

(۲) نظافت را رعایت کنند؛

(۳) نوبت را رعایت نمایند؛

(۴) از اوامردارۀ مکتب اطاعت کنند؛

(۵) وقت شناس باشند؛

(۶) در درس خواندن و سایر کارهای خوب با دیگران رقابت کنند؛

(۷) برای رسیدن به موفقیت تلاش نمایند؛

در کنار مکتب مساجد نیز در بالابردن توانایی های اجتماعی کودکان نقش عمده و سازنده دارد. کودکان از طریق تعلیمات مسجد می آموزند که با اشیاء و جاهای مقدس برخورد متفاوت داشته باشند، با مظاهر و شعایر دینی خود بیشتر از مظاهر بقیۀ زنده گی احترام بگذارند. اساساً گرایش های ایمانی در کودکان از مرحله تعلیم مسجد در وجود آنها تخم افشانی می شود و از سوی دیگر اشتراک در نمازهای جماعت نیز انگیزه های ایمانی را بارور تر می گرداند و رابطه کودک را با مردمی که به مسجد رفت و آمد دارند غنامندی می بخشد. پس از مسجد، محله و مجتمع هم در زنده گی یک کودک شدیداً اثرگذار است. بنابراین مراسم اجتماعی و برنامه های عمومی ای که قسمتی از ساکنین شهر را گرد هم می آورد بر شخصیت کودکان نیز تأثیر می گذارد.

## رسانه‌های جمعی

در گذشته مردم اطلاعات خود را بیشتر از طریق ارتباطات شخصی و فرد به فرد به دست می‌آوردند ولی امروز رسانه‌های جمعی اطلاعات را با سرعت چشم‌گیری به جمعیت کثیری از مردم می‌رساند. رسانه‌های جمعی شامل وسائل زیر می‌شود:

رادیو، تلویزیون، اینترنت، روزنامه و مجله. بسیاری از ما وقت زیادی را صرف خواندن روزنامه یا مجله، گوش دادن به رادیو، تماشای تلویزیون و یا سینما می‌کنیم. به خصوص در شهرها و روستاهایی که انرژی برق وجود دارد و شبکه‌های تلویزیونی فعال‌اند، اطفال بیش از دیگران وقت خود را صرف تماشای تلویزیون می‌کنند. رسانه‌های جمعی تقریباً در باره همه چیز به مخاطبان خود اطلاعات می‌دهد. به طور مثال: از وقایع روزمره در سراسر جهان گزارش می‌دهد، وضعیت آب و هوا را اعلام می‌کند، پیشرفت‌های علمی و تکنالوژیک را گزارش می‌دهد، حوادث تاریخی را تشریح و بیان می‌کند، درباره فرهنگ و شیوه زندگی مردم مختلف دنیا گزارش می‌دهد، باورها و عقاید ملل دنیا را تشریح نموده و جنبه‌های ملموس آن را نمایش می‌دهد.

با توجه به طیف وسیع از اطلاعات که توسط رسانه‌ها منتشر می‌شود و نیز با توجه به استفاده وسیعی که از این رسانه‌ها به عمل می‌آید، می‌توان حدس زد که آن‌ها چه قدر می‌توانند تأثیر وسیع و عمیقی بر افکار، احساسات، عقاید و رفتارهای مردم برجای بگذارند.

باید توجه داشت که رسانه‌های گروهی با توجه به تأثیر و نفوذی که دارد، می‌تواند تأثیر مثبت و یا منفی برجای بگذارد. مثلاً: اگر با دقت و مراقبت مورد استفاده قرار بگیرد می‌تواند باعث تقویت ارزش‌ها، قواعد و عقاید ساکنان اصلی گردیده و هویت و همبستگی ملی را تقویت نماید. اما در غیر این صورت، همین وسایل می‌تواند مخرب ارزش‌ها و عقاید فرهنگی و مذهبی بوده و به هویت و همبستگی ملی نیز صدمه بزند. رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی از مؤثرترین وسیله توجیه و تشکیل عقل و شخصیت انسان به شمار می‌آید. اگر آن برای آبادانی و توجیه سالم یک ملت مورد استفاده قرار گیرد، می‌تواند آن ملت را به شکوفایی و تمدن شگفت انگیزی برساند و اگر در دست دشمن قرار گیرد یکی از تباه‌کن‌ترین وسایلی خواهد بود که حاضر و آینده ملتی را در معرض نابودی قرار دهد.



## مروری بر درس



.....

.....

.....

.....

.....

## سؤالات درس



- ۱- پس از خانواده و دوستان هم‌بازی کدام چیز می‌تواند در شخصیت انسان اثر گذار باشد؟
- ۲- چرا والدین فرزندان خود را از هفت ساله‌گی به مکتب می‌فرستند؟
- ۳- مکتب کدام مهارت‌ها را به اطفال یاد می‌دهد؟
- ۴- شاگردان روزانه در مکتب کدام موضوعات را یاد می‌گیرند؟
- ۵- برخوردهای افراد در مکتب چگونه می‌باشد؟
- ۶- در مساجد کودکان چه چیزهایی را فرا می‌گیرند؟
- ۷- مجتمع کودکان و نوجوانان را چگونه توجیه و رهبری می‌کند؟
- ۸- رسانه‌ها به چه چیزهایی اطلاق می‌گردد؟
- ۹- رسانه‌ها کدام موضوعات را به اطلاع مردم می‌رساند؟
- ۱۰- جنبه‌های مثبت رسانه‌ها را بیان کنید.

## کارخانه‌گی



پیرامون رسانه‌های گروهی در افغانستان و برنامه‌های آن‌ها روشنی انداخته، اندازه تأثیرات مثبت و منفی آن‌ها را در دو صفحه بیان دارید.

## مراحل زنده‌گی

### فکر کنید و جواب بدهید

انسان از لحاظ سنی مراحل مختلفی را پشت سر می‌گذارد. از لحاظ اجتماعی، هر کدام از این مراحل ارزش‌ها و قواعد خاصی دارد که باید رعایت شود. با توجه به این واقعیت، به سؤال‌های زیر جواب بدهید:

۱- این مراحل سنی کدام اند؟

۲- قواعد هر مرحله سنی را بیان کنید؟

علمای اجتماع مراحل متعددی را برای زنده‌گی انسان مشخص کرده‌اند. این مراحل اساساً حیاتی‌اند ولی مراحل حیاتی زنده‌گی انسان در عین حال اجتماعی



نیز می‌باشند، هر یک از مراحل عمری انسان از نگاه اجتماعی از مرحله دیگر تفاوت دارد. بناءً ما باید یاد بگیریم که در هر مرحله از زنده‌گی چگونه رفتار نماییم. درک این مراحل و قواعد متناسب با هر کدام می‌تواند ما را در شناخت زنده‌گی کمک نماید. این‌جا لازم است مراحل مختلف زنده‌گی انسان را از نظر بگذرانیم.



## دوران طفولیت

دوران کودکی در گذشته خیلی کوتاه بود، چون کودکان خیلی زود در مزارع و کارخانه‌ها به کار گرفته می‌شدند و دوش بدوش بزرگان کار می‌کردند. اما اکنون تقریباً در همه جهان کودکان در آسایش بیشتری قرار دارند و به تفریح و آموزش اشتغال دارند. دوران کودکی دوران ناتوانی و بی خبری انسان است. به همین خاطر، والدین و اعضای بزرگ خانواده سعی می‌کنند شرایط زنده‌گی مناسبی را برای کودکان خود فراهم سازند تا آن‌ها از لحاظ حیاتی و اجتماعی رشد کنند.

کودکان در سنین پایین‌تر بیشتر به بازی و تفریح می‌پردازند و والدین برای کودکان بازیچه‌های گوناگون تهیه می‌کنند و شرایط مساعد زنده‌گی را برای آن‌ها فراهم می‌سازند تا اوقات خوشی داشته باشند. کتاب‌های مخصوص کودکان که بیشتر از عکس و تصویر در آن‌ها استفاده شده و پرو گرام‌های تلویزیونی کودکان برای سرگرمی و آموزش شیوه‌های زنده‌گی به کودکان تهیه می‌شود. کودکان معمولاً از کارها و فعالیت‌های اقتصادی معاف‌اند و مسئولیت‌های خانواده‌گی و اجتماعی زیادی به آن‌ها سپرده نمی‌شود.

کودکان در سنین قبل از شش ساله‌گی تقلید کورکورانه می‌کنند و بیشتر از والدین و برادران و خوهران بزرگ شان تأثیر می‌پذیرند ولی بعد از هفت ساله‌گی مسائل زنده‌گی و مهارت‌های آن را به دو روش فرا می‌گیرند: یکی روش ناخودآگاه که از محیط و هم نشین و خانواده و رسانه و غیره متأثر می‌شوند و دوم؛ به روش تلقین و درس فرا می‌گیرند.

کودکان امروز تا تکمیل نمودن سن هجده مسئولیت‌های سنگین زنده‌گی متوجه‌شان نمی‌باشد و اگر اشتباهاتی از دست شان سر می‌زند همانند بزرگان مجازات نمی‌شوند. ولی در تعالیم اسلام سن رشد کودکان پایین‌تر از سن هجده وضع گردیده است. در فقه اسلامی سنی که یک دختر یا پسر به احتلام می‌رسد مرز بین کودکی و جوانی

قلمداد شده است. زمانی که پسران و دختران به احتلام می‌رسند از نظر اخلاقی و اجتماعی نیز در آن‌ها دگرگونی‌هایی به وجود می‌آید. یکی از عمده ترین تغییرات همانا حس مسئولیت پذیری می‌باشد.

### دوران جوانی

جوانی که از سن هجده ساله گی شروع می‌شود یکی از مهم‌ترین دوره‌های زنده گی انسان به حساب می‌آید. سال‌های اولی این دوره برای بسیاری از مردم دوره گذراندن تحصیلات عالی است.

همچنین، در این دوره بسیاری از جوانان ازدواج می‌کنند و تشکیل خانواده می‌دهند. یکی دیگر از اتفاقات مهمی که در این دوره زنده گی ممکن است روی دهد، وارد شدن به کار و وظیفه است که احتمالاً تا آخر عمر در آن باقی بمانند. این دوره زنده گی مستلزم سبک زنده گی خاصی است که در جوامع مختلف با هم تفاوت می‌کند. جوانان در همه جوامع لباس‌های متفاوتی با افراد مسن‌تر می‌پوشند و از لحاظ رفتار نیز فعال‌تراند و به شادی و تفریح علاقه بیشتری دارند. در مجموع، سبک زنده گی جوانان با افراد مسن تا حدود زیادی متفاوت است. تقریباً در همه جوامع مسئولیت‌های بسیار مهم و خطیر به جوانان سپرده نمی‌شود چون آنان از تجربه لازم در بسیاری از عرصه‌های حیات برخوردار نیستند.

### دوران سن متوسط

دوران سن متوسط که از حدود سی ساله گی شروع می‌شود، اقتضای خاص خود را دارد. در این دوره افراد هم انرژی لازم را برای انجام کارها دارند و هم تجربه خوبی از زنده گی اندوخته‌اند.



بنابراین، می‌توان این دوره زنده‌گی را دوره پخته‌گی افراد دانست. به همین دلیل است که در سطح خانواده و جامعه مسئولیت‌های مهم به افرادی که در این دوره سنی قرار دارند، سپرده می‌شود.

مردم از افراد سن متوسط توقع دارند که ارزش‌ها، قواعد و آداب این دوره سنی را مراعات کنند. از آن‌ها توقع می‌رود که در پوشیدن لباس، رفتار و معاشرت متین‌تر از جوانان باشند. بسیاری از رفتارها که از جوانان قابل قبول به نظر می‌رسد، از افرادی که در سن متوسط قرار دارند ممکن قابل قبول نباشد. جوانان به تدریج که به سن متوسط نزدیک می‌شوند، آداب این دوره سنی را یاد می‌گیرند.

### دوره پیری

آخرین مرحله زنده‌گی انسان دوره پیری است. این دوره از سن شصت تا هفتاد ساله‌گی شروع می‌شود. در جوامع اسلامی و سنتی، دوران پیری با وقار و احترام همراه است. در این جوامع، فعالیت فیزیکی سال‌خورده‌گان کاهش ولی مشارکت فکری آنان افزایش می‌یابد. افراد سال‌خورده به دلیل داشتن تجارب زیاد معمولاً در رأس هرم تصمیم‌گیری قرار می‌گیرند و یا لاقلاً در این زمینه با آن‌ها مشورت صورت می‌گیرد. اما در جوامع جدید، وضعیت سال‌خورده‌گان فرق می‌کند. وقتی افراد به سن پیری رسیدند متقاعد و بازنشسته می‌شوند، آن‌ها باید جای خود را برای افراد جوانتر خالی کنند. اما از دیدگاه اسلام بزرگسالان حقوق زیاد دارند. از آن جمله می‌توان از تأمین احتیاجات مادی و معنوی آن‌ها یاد کرد. پیغمبر اسلام حضرت محمد ﷺ می‌فرماید: از ما نیست کسی که به بزرگان احترام و به اطفال و خردسالان شفقت نداشته باشد. از این‌رو فامیل‌ها باید به بزرگسالان عزت و احترام قایل باشند و مایحتاج زنده‌گی شانرا چون خوراک، لباس و سرپناه فراهم نمایند و مشکلات آن‌ها را تا اندازه که توان دارند رفع نمایند. هرگاه مریض شوند

باید آن‌ها را برای تداوی نزد داکتر برده و تداوی نمایند. هرگاه به چیزی ضرورت داشتند آن را فراهم نمایند و با روش نیکو با آن‌ها برخورد نمایند. از اهانت، زشتی و رویه ناسالم در مقابل آن‌ها خودداری کنند. زمینه‌های بیشتر آسایش و آرامی آن‌ها را به خاطر رضایت خداوند جَلَّ جَلَّاه مهیا سازند. هرگاه بزرگسالان، خویش و اقارب نداشته باشند، دولت‌ها مکلف اند اعاشه و اباته و وسایل آسایش و آرامی آن‌ها را به عهده بگیرند.

### مروری بر درس

.....

.....

.....

.....

.....

### سؤالات درس

- ۱- انسان از لحاظ اجتماعی باید کدام مراحل را طی کند؟
- ۲- در دوران کودکی مسؤولیت والدین در مقابل کودکان شان چیست؟
- ۳- دوران کودکی دارای چه خصوصیت‌هایی است؟
- ۴- دوران جوانی از چند ساله‌گی آغاز می‌گردد و برای جوانان از چه اهمیتی برخوردار است؟

- ۵- دوره سن متوسط دارای ویژگی‌ها است؟
- ۶- چرا سالخورده‌گان معمولاً در رأس تصمیم‌گیری قرار می‌گیرند؟
- ۷- فرق میان موقعیت سال خورده‌گان در جهان اسلام و جهان غرب چیست؟

### کارخانه‌گی

دوران کودکی را با دوران جوانی مقایسه نمایید.

## خلاصه فصل

- هر جامعه فرهنگ خاص خود را دارد و در فرهنگ دستورالعمل‌هایی برای رفتار افراد وجود دارد که اعضای جامعه بر طبق آن‌ها عمل می‌کنند.
- ارتباط برقرار کردن با دیگران یک ضرورت زنده‌گی اجتماعی ماست. موفقیت در برقراری ارتباط با دیگران باعث موفقیت در زنده‌گی اجتماعی ما می‌گردد.
- خانواده و گروه همبازی از جمله عوامل مهم اجتماعی شدن انسان به شمار می‌رود.
- خانواده گروهی است که اعضای آن به خاطر داشتن پیوندهای نسبی و سببی روابط صمیمی، پایدار و مستحکمی با هم دارند.
- مکتب و رسانه‌های جمعی دو عامل دیگر اجتماعی شدن هستند.
- رسانه‌های جمعی اطلاعات را با سرعت چشم‌گیری به جمعیت کثیری از مردم می‌رساند و شامل رادیو، تلویزیون، اینترنت، روزنامه، مجله و غیره می‌باشد.
- مراحل مختلف زنده‌گی انسانها شامل دوران کودکی، دوران جوانی، دوران پخته‌گی عمر (سن متوسط) و دوره پیری می‌باشد.



# فصل دوم

## نظم اجتماعی

در این فصل درس‌های زیر را می‌آموزیم:

- نظم اجتماعی چیست؟
- عوامل نظم اجتماعی (۱)
- عوامل نظم اجتماعی (۲)
- انحرافات اجتماعی و انواع آن (۱)
- انحرافات اجتماعی و انواع آن (۲)

# اهداف فصل

توقع می‌رود که شاگردان عزیز، بعد از خواندن این فصل:

- معنی و اهمیت نظم اجتماعی را بدانند؛
- با عوامل نظم اجتماعی آشنا شوند؛
- به ایجاد نظم اجتماعی علاقه‌مند شوند؛
- انحرافات اجتماعی را بشناسند؛
- عوامل انحرافات اجتماعی را بدانند؛
- از انحرافات و جرایم اجتماعی متنفر شوند.

## نظم اجتماعی چیست؟



### مباحثه نمایید

سؤال‌های ذیل را بخوانید و درباره آن‌ها مباحثه کنید:

۱- آیا شما خانه زنبور عسل و یا مورچه را دیده‌اید و می‌دانید که آن‌ها چگونه زنده‌گی می‌کنند؟

۲- چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی را میان زنده‌گی زنبور عسل و جامعه انسانی می‌بینید؟

چنان‌که می‌دانیم، جامعه انسانی از افراد و گروه‌های بسیار زیادی تشکیل می‌شود. علیرغم زیادی افراد، تنوع گروه‌ها و اختلاف روابط آن‌ها، جامعه همواره از نظم و ترتیبی برخوردار است که ما می‌توانیم به آرامی در آن زنده‌گی کنیم. برای درک این مسأله مثالی می‌آوریم: شاید شما خانه زنبور عسل و یا مورچه را دیده باشید. زنبور عسل و مورچه زنده‌گی اجتماعی دارد و تعداد زیادی از آن‌ها در یک خانه با همدیگر یکجا زنده‌گی می‌کند.



زنده‌گی اجتماعی به معنی این است که هر کدام وظیفه خاصی را بر عهده گرفته و به‌خوبی انجام می‌دهد. وقتی صدها زنبور باهم زنده‌گی می‌کنند، اگر نظم و هماهنگی دقیق میان آن‌ها وجود نداشته باشد، زنده‌گی اجتماعی آن‌ها به زودی از بین می‌رود و تداوم نمی‌یابد. چیزی که زنبور عسل و مورچه را در پهلوی یکدیگر جمع می‌کند حکمتی است که خداوند جَلَّ جَلَالُهُ در وجود آن‌ها قرار داده است. آن‌ها بدون آن‌که از هدایات مقامات بالاتر خود مخالفت و سرپیچی کنند، امور خود را پیش می‌برند و دلیل آن این است که آن‌ها با همین خصوصیت آفریده شده‌اند.

زنده‌گی انسان نیز کم‌وبیش شبیه زنده‌گی زنبور عسل است، چون انسان‌ها نیز زنده‌گی اجتماعی دارند: افراد زیادی در یک جامعه زنده‌گی می‌کنند، با یکدیگر روابط دارند و با هم همکاری می‌کنند. اما یک تفاوت اساسی میان زنده‌گی انسان و زنبور عسل وجود دارد و آن این است: عاملی که انسان‌ها را در کنار یکدیگر جمع می‌کند و امکان زنده‌گی اجتماعی را فراهم می‌سازد، غریزه نیست بلکه ارزش‌ها، قواعد، قانون، ضرورت‌ها و به‌طور کلی فرهنگ است. نظم‌پذیری در میان انسان‌ها ارادی و عاقلانه صورت می‌پذیرد ولی در میان گروه زنبور عسل غیر ارادی و به‌طور فطری.

**پس نظم اجتماعی چیست؟** برای آن‌که بتوانیم درک بهتری از این مفهوم داشته باشیم، نظم اجتماعی را در دو سطح خُرد و کلان مورد بحث قرار می‌دهیم.

### سطح محدود

منظور از نظم اجتماعی در سطح خُرد این است که افراد در جامعه به آرامی رفتارهای یکدیگر را می‌فهمند، و از اینرو، آن‌ها می‌توانند رفتارهای یکدیگر را پیش‌بینی نموده و به آسانی باهم ارتباط برقرار کنند. به‌طور مثال: زمانی که شما به دکانی برای

خرید مراجعه می‌کنید، چیزی را تقاضا می‌کنید و او منظور شما را می‌فهمد و اگر جنس مورد نظر شما را داشته باشد به شما می‌دهد و پول خود را می‌ستاند. این حادثه که به ظاهر خیلی ساده به نظر می‌رسد، در واقعیت خیلی پیچیده و در عین حال بسیار مهم است. ارتباط شما با دکاندار به این خاطر بسیار ساده برقرار شد که هر دوی شما از زبان مشترک، ارزش‌های مشترک و قواعد مشترک برخوردار هستید. اگر او یک موجود بیگانه می‌بود و با ارزش‌ها و قواعد فرهنگی شما آشنایی نمی‌داشت، شما نمی‌توانستید باهم ارتباط برقرار نمایید. پس، ما به این خاطر می‌توانیم با مردم ارتباط برقرار نماییم که همه ما از ارزش‌ها و قواعد مشترک برخوردار هستیم. ما می‌توانیم رفتارهای احتمالی دیگران را درک و بر اساس آن، با آن‌ها رفتار نماییم.

### سطح وسیع

وقتی از نظم در سطح وسیع صحبت می‌کنیم، منظور نظم در سازمان‌ها، نهادها و همه جامعه است. به عنوان مثال، وقتی شما صبح وقت: به نانوائی می‌روید و نان می‌خرید، به خانه برمی‌گردید و ناشتا می‌خورید، و به مکتب می‌روید و درس می‌خوانید، هیچ وقت قبل از رفتن به این جاها، تردید نمی‌کنید که ممکن است امروز نانوائی، خانه و یا مکتب به کار روزمره خود ادامه نداده و به کار دیگری بپردازد. پس معلوم می‌شود که جامعه از یک نوع نظم و هماهنگی برخوردار است که همه چیز در جای خود می‌باشد. مؤسسات و ارگان‌های مختلف هر روز به کارهای عادی خود ادامه می‌دهند و مردم مانند همیشه رفتار نموده و از قواعد اجتماعی و قوانین کشور پیروی می‌نمایند. در واقع، جامعه مانند یک ماشین است که از اجزای خرد و کلان زیادی تشکیل شده و

با نظم و هماهنگی خاصی کار می‌کند.  
آیا تا اکنون از خود پرسیده‌اید که چرا کارها همیشه مطابق جریان معمول انجام می‌گیرد و نظم جامعه همچنان ادامه دارد؟ جواب این سؤال را در درس‌های بعدی خواهیم خواند.

### مروری بر درس

- .....
- .....
- .....
- .....
- .....

### سؤالات درس

- ۱- اگر نظم و هماهنگی در زنده‌گی اجتماعی نباشد، چه خواهد شد؟
- ۲- زنده‌گی زنبور عسل و مورچه‌گان چگونه است؟
- ۳- فرق میان زنده‌گی اجتماعی انسان و زنده‌گی اجتماعی زنبور عسل در چه نهفته است؟
- ۴- منظور از نظم اجتماعی در سطح محدود چیست؟
- ۵- نظم اجتماعی در سطح وسیع چه مزایا دارد؟
- ۶- یک مثال از نظم کوچک و یک مثال از نظم کلان را توضیح دهید.

### کارخانه‌گی

نظم کوچک را با نظم کلان مقایسه کنید.



## عوامل نظم اجتماعی (۱)



### مباحثه نمایید

با توجه به درس گذشته،  
به نظر شما:  
آیا حیات اجتماعی ما نظم  
دارد؟  
اگر جواب شما مثبت است،  
چه عواملی باعث می‌شود  
که زنده‌گی ما نظم داشته  
باشد؟

همان طوری که در درس  
قبلی خواندیم، با وجود

آن که انسان و زنبور عسل هر دو زنده‌گی اجتماعی دارند، زنبور عسل به‌طور  
فطری اجتماعی زنده‌گی می‌کند و به همین دلیل است که زنده‌گی آن‌ها در طی  
هزاران سال تغییر نمی‌کند. قرن‌ها است که آن‌ها به یک شیوه خانه می‌سازند،  
به یک طریقه شیرۀ گل‌ها را جمع‌آوری نموده و عسل می‌سازند، به یک شیوه  
تغذیه می‌کنند، و تقسیم کار یکسان دارند. اما روابط اجتماعی انسان بر اساس  
قواعد و معیارهایی استوار است که در جامعه به وجود آمده و مردم باهم  
توافق می‌کنند که آن‌ها را مراعات نمایند. بنابراین، شناخت این قواعد و اصول  
که اساس روابط اجتماعی ما را تشکیل می‌دهند برای ما اهمیت زیادی دارد که  
آن‌ها را در این درس و درس بعدی مورد بحث قرار خواهیم داد.

### ارزش‌های اجتماعی

ما دربارهٔ بسیاری از موضوعات قضاوت می‌کنیم؛ مثلاً: آن‌ها را خوب یا  
بد، مناسب یا نامناسب می‌دانیم. به‌طور مثال: احترام کردن به یکدیگر، درس

خواندن، کار کردن، امانتداری و راستگویی را خوب می‌گوییم، بی‌احترامی، تنبلی، خیانت و دروغگویی را بد می‌دانیم. دانشمندان علوم اجتماعی، این نوع مفاهیم را ارزش می‌نامند. ارزش‌ها در زمینه‌های مختلف معیار قضاوت ما قرار می‌گیرند. بدون ارزش‌های مشترک، مردم در برقراری ارتباط با یکدیگر با مشکل دچار می‌شوند؛ زیرا در این صورت آن‌ها معیار مشترکی در دست ندارند که به وسیله آن رفتارهای خود و دیگران را ارزیابی کنند. حتی در یک کار ساده اگر ارزش‌های مشترک وجود نداشته باشد، امکان توافق وجود ندارد در آن صورت آن‌ها نمی‌توانند بالای این‌که چه چیزی باید انجام شود، چه چیزی عادلانه است و رفتار مناسب کدام است، با هم توافق نمایند.

### قواعد

گرچه ارزش‌ها در زنده‌گی ما بسیار اهمیت دارند، ولی آن‌ها آنقدر عمومی هستند که نمی‌توانند دقیقاً رفتارهای ما را تنظیم کنند. به طور مثال: احترام به دیگران به عنوان یک ارزش، به ما فقط می‌گوید که احترام کردن به دیگران خوب است، ولی نمی‌گوید که چگونه باید احترام نماییم. در حالی‌که می‌دانیم، در هر جامعه‌ای به طریقه خاصی به یکدیگر احترام می‌کنند.

ممکن است یک عمل خاص در یک جامعه احترام و همان عمل در جامعه دیگر بی‌احترامی تعبیر گردد. بنابراین، ارزش‌ها باید به دستورالعمل‌های خاص تبدیل شوند تا ما بتوانیم از آن‌ها در رفتارهای خود استفاده نماییم. انسان‌ها از چنان توانایی برخوردار هستند که می‌توانند از این ارزش‌های عام، دستورالعمل‌هایی برای رفتار در وضعیت‌های اجتماعی خاص بسازند. این دستورالعمل‌ها قواعد نامیده می‌شوند. طوری‌که می‌دانیم بعد از ظهور دین مبین اسلام مسلمانان از قواعد و ارزش‌های اسلامی پیروی می‌نمایند که یقیناً رفتارهای افراد جامعه را دقیقاً

تنظیم می‌کند و به راهی که آن‌ها را به خداوند جَلَّ جَلَّاهُ نزدیک نموده و به‌سوی خوشبختی دنیا و آخرت ببرد هدایت می‌کند. ما بر اساس قواعد، این توانایی را کسب می‌کنیم که در خانه، مکتب، اداره و دیگر عرصه‌های اجتماعی با یکدیگر ارتباط برقرار نماییم.

### رول اجتماعی

قواعد، پراکنده و بی‌ارتباط با یکدیگر نیستند، بلکه آن‌ها در گروه‌های منظم، با یکدیگر ارتباط دارند و از این طریق روابط ما را آسان‌تر نموده و به برقراری نظم اجتماعی کمک می‌کنند. به طور مثال: مقام مادر را در خانواده در نظر بگیرید؛ مردم در جامعه‌یی خاص، از مادران توقع دارند که کارهای خاصی را برای فرزندان خود انجام دهند.

کارهایی که ما از مادران توقع داریم، در حقیقت همان قواعدی است که به رول مادری مربوط می‌شود. هر کسی که مادر می‌شود، باید رول مادر را بازی نماید، یعنی کارهایی را انجام دهد که از مادران توقع می‌رود. هر شخصی رول‌های متعددی را بازی می‌کند. مثلاً یک نفر ممکن است در خانه مادر و همسر، در مکتب معلم و در حزب عضو عادی باشد. او هر رول را در جای خود بازی می‌کند و اگر چنین نکند هم او و هم دیگران با مشکل مواجه خواهند شد. به این ترتیب، ما چون در هر موقعیتی که هستیم رول متناسب با آن را بازی می‌کنیم، به طور منظم رفتار می‌کنیم، به طوری که حتا دیگران می‌توانند رفتارهای احتمالی ما را پیش‌بینی نمایند.

خلاصه آن‌که افراد یک جامعه با پذیرش ارزش‌ها و قواعد مشترک و رعایت کردن آن‌ها در رول‌های مختلف اجتماعی، از آشفته‌گی و هرج و مرج



جلوگیری نموده و رفتارهای خویش را منظم می‌سازند. ارزش‌ها و قواعد مشترک باعث می‌شود؛ مردم یک جامعه از یکدیگر توقع رفتارهای خاصی را داشته باشند. نیز از یکدیگر انتظار داشته باشند که از رفتارهای خاصی که باعث بی‌نظمی در جامعه می‌شود اجتناب ورزند. این امر به معنی نظم، هماهنگی و انضباط در روابط بین مردم است.

#### مروری بر درس

- .....
- .....
- .....
- .....
- .....

#### سؤالات درس

- ۱- ارزش‌های اجتماعی را تعریف نمایید.
- ۲- ارزش در زنده‌گی اجتماعی چه رولی را بازی می‌نماید؟
- ۳- قواعد چیست؟
- ۴- نقش چیست؟ و شما فعلاً کدام رول را بازی می‌نمایید؟

#### کارخانه‌گی

مکتب خویش را در نظر بگیرید، و از چند رول نام بگیرید و بگویید این نقش‌ها را کی‌ها بازی می‌نمایند.

## عوامل نظم اجتماعی (۲)



### مباحثه نمایید

سؤالات زیر را بخوانید و درباره آن‌ها مباحثه کنید:

۱- آیا ارزش‌ها و قواعد اجتماعی برای ایجاد نظم اجتماعی کافی است؟

۲- اگر فکر می‌کنید که کافی نیست، پس کدام وسایل و روشها را پیشنهاد می‌کنید؟

علیرغم شباهت‌های زیادی که میان جامعه بشری و کندوی

عسل وجود دارد، انسان زنبور عسل نیست و جامعه بشری علیرغم نظم و انضباطی که دارد، اکثراً شاهد انواع تضادها، کشمکش‌ها و قانون‌شکنی‌ها است که باعث بی‌نظمی می‌گردد.

ازدیاد نفوس، نابرابری، بی‌عدالتی، تبعیض و سایر عوامل که تشنج به بار آورده، ایجاد بی‌نظمی کرده، انحراف را افزایش داده، و مردم را به شورش سوق می‌دهند. بعید است روزنامه‌یی را بگشاییم که در آن گزارشی از قتل، عصبانیت، اعتراض، انحراف و سرپیچی از قانون را مشاهده نکنیم. این سخن به این معنی است که ارزش‌ها و قواعد، گرچه عامل بسیار مهم نظم اجتماعی است، ولی به تنهایی کفایت نمی‌کند. جامعه، علاوه بر ارزش‌ها و قواعد، ضرورت به وسایل و روش‌های دیگری برای کنترل اجتماع و ایجاد نظم دارد. البته که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: قانون، پولیس، محکمه و زندان. این درس به توضیح این چهار ارگان اختصاص داده شده است.

### قانون

زمانی که جامعه بشری کوچک بود، تنها با ارزش‌ها، قواعد و آداب و رسوم غیر مدون اداره می‌شد، اما زمانی که نفوس رشد کرد و دولت‌ها برای اداره مردم تشکیل یافت، به قانون ضرورت پیدا شد. قانون دستورالعملی است که توسط قوه مقننه یا پارلمان تصویب می‌شود. بعضی از قوانین ناظر به اعمال مردم است که بایستی بدان عمل کنند، ولی بعضی دیگر معطوف به عملکرد حکومت است. در هر دو صورت، قانون بسیاری از اعمال مردم و دولت را تنظیم می‌کند و روابط میان مردم با یکدیگر از یکسو، و روابط میان مردم و دولت را از سوی دیگر، تنظیم و هماهنگ می‌سازد. جوامع امروزی که بسیار کلان و پیچیده شده است، بدون قانون قابل اداره نیست.

اغلب کشورها دارای قانون اساسی هستند قانون اساسی مسائل بسیار عمومی‌ولی مهم را مطرح می‌سازد که به آسانی قابل تغییر نمی‌باشد، و آن مبنا و مادر قوانین دیگر به شمار می‌رود.

قوانین کشوری روابط افراد، شرکت‌ها، مؤسسات و دولت را با یکدیگر تنظیم می‌کنند. اگر قانون در جامعه وجود نداشته باشد، بی‌نظمی و هرج و مرج بر جامعه حاکم خواهد شد که بالاخره به سقوط نظام اجتماعی منجر خواهد شد. جامعه در صورتی نظم و نسق یافته و به سوی تکامل و پیشرفت خواهد رفت که اولاً قانون خوب داشته باشد و ثانیاً قانون به خوبی عملی شود.

در جوامع اسلامی قانون اساسی در روشنی احکام، قوانین اسلامی و مذهب رایج در کشور ترتیب و تنظیم می‌گردد، اگر چنین نباشد آن قانون فاقد اعتبار شرعی بوده، ارزش و مقام اجتماعی خود را از دست می‌دهد.

### پولیس

قانون در جوامع مدرن یک امر ضروری به شمار می‌رود؛ اما آن بایستی پشتوانه اجرایی داشته باشد. اگر ضمانت اجرایی وجود نداشته باشد، ممکن است کسی به قانون عمل نکند. پولیس نیرویی است که برای حفظ نظم و کنترل جرایم فعالیت می‌کند. پولیس امنیت داخلی کشور را در برابر مجرمان و جنایتکاران محافظت می‌کند. اگر پولیس در جامعه نباشد، بخش اجرایی حکومت نمی‌تواند از مردم بخواهد که فرامین حکومتی را اجرا نمایند. در آن صورت عده زیادی از مردم از



فرامین حکومتی سرپیچی خواهند کرد. همچنین، اگر پولیس نباشد، مجرمان دستگیر و به محاکم سپرده نخواهند شد، چرا که آنان حاضر نیستند خود را تسلیم نمایند. بنابراین، امروز پولیس یکی از مؤسسات مهم اجتماعی برای حفظ نظم و امنیت اجتماعی به حساب می‌رود.

### محکمه

قوه قضاییه یکی از سه قوه اصلی دولت‌های مدرن می‌باشد. تعلیمات اجتماعی اسلامی به این قوه اهمیت فوق العاده‌یی بخشیده است، به نحوی که محکمه را عالی‌ترین مرجع بر پا دارنده عدالت اجتماعی دانسته حاکم و محکوم را منقاد و مطیع فیصله‌های شرعی آن می‌داند. قوه قضاییه برای آن است که اگر میان مردم با یکدیگر، یا میان مردم و دولت اختلافات و دعاوی حقوقی یا جنایی پیش بیاید از طریق محاکم آن‌ها را فیصله می‌کند. محکمه مرجعی برای کسانی است که حقوق‌شان توسط افراد، شرکت‌ها و یا دولت مورد تعرض قرار گرفته است. در صورتی که محکمه به وظیفه خود به خوبی عمل نماید، اولاً آن‌هایی که حق‌شان ضایع شده، به حق خود خواهند رسید و ثانیاً کسانی که می‌توانند مال و جان دیگران را مورد تعرض قرار دهند ولی هنوز چنین کاری را مرتکب نشده‌اند، از بیم آن‌که به محکمه کشیده شده و مجازات شوند، از تعرض خودداری خواهند کرد.

### زندان

زندان نیز یکی از مراکز تأدیبی و تربیت مجدد بوده که اجتماع را از شر مجرمین پاکسازی می‌کند از این‌رو یکی از مهم‌ترین وسایل کنترل اجتماعی به شمار می‌رود. کسانی که به حکم محکمه به مجازات زندان محکوم می‌شوند، دوره محکومیت خود را در زندان به سر می‌برند. عده‌یی از مردم از ترس افتادن در زندان دست به جرم و جنایت نمی‌زنند. طوری که ملاحظه گردید، در دولت‌های مدرن از وسایل بسیار نیرومندی برای حفظ نظم اجتماعی و جلوگیری از هر گونه بی‌نظمی، انحراف و جرایم استفاده می‌گردد. قانون، پولیس، محکمه و زندان از مهم‌ترین وسایل کنترل اجتماعی در دنیای مدرن به شمار می‌رود. یکی دیگر

از وسایل حفظ نظم و دیسپلین در جامعه در نهاد انسان قرار دارد و آن عبارت از ایمان‌داری، صداقت‌کاری، خوف از خداوند جَلَّ جَلَّاهُ و مجازات اخروی می‌باشد. اگر انسانی از ایمان قوی برخوردار باشد و به مرگ و روز آخرت یقین جازم داشته باشد، و بداند که از ذره ذره اعمال خود مورد بازپرس قرار می‌گیرد، این روحیه خود به پولیس نهانی مبدل می‌شود و صاحبش را وادار می‌سازد که از هر جرم و جنایتی خودداری ورزد.

### مروری بر درس

- .....
- .....
- .....
- .....

### سؤالات درس

- ۱- کدام عوامل باعث ایجاد بی‌نظمی در جامعه می‌گردد؟
- ۲- از عوامل مهمی دیگری که بی‌نظمی را به بار می‌آورد، نام بگیرید.
- ۳- مهمترین وسایل که جهت کنترل از آن استفاده می‌شود کدام‌ها اند؟
- ۴- قانون چیست؟
- ۵- اگر در جامعه‌یی قانون حکم فرما نباشد چه می‌شود؟
- ۶- یکی از پشتوانه‌های مهم قانون را بیان دارید.
- ۷- زندانی کردن مجرمین برای جامعه چه نفعی را به بار می‌آورد؟
- ۸- آیا پس از وسایل یاد شده دنیوی و فزیکی، وسائل معنوی‌یی هم وجود دارد که در حفظ و دیسپلین جامعه کمک برساند؟

### کارخانه گی

در مورد قانون اساسی و قانون مدنی کشور و تفاوت آن‌ها مقاله‌یی بنویسید که از دو صفحه کمتر نباشد.

## انحرافات اجتماعی (۱)



### مباحثه نمایید

سوالات زیر را بخوانید و درباره آن‌ها مباحثه نمایید:

- ۱- آیا شما کسی را دیده‌اید که از قواعد اجتماعی پیروی نکند؟
- ۲- چرا این طور افراد ارزش‌ها و قواعد اجتماعی را نقض می‌کنند؟ همان‌گونه که در درس‌های قبل خواندیم؛ در جامعه ارزش‌ها و قواعد فراوانی وجود دارد که روابط اجتماعی ما را نظم و نسق می‌بخشد. اکثر مردم از این ارزش‌ها و قواعد پیروی می‌کنند و به همین خاطر معمولاً نظم و آرامش بر جامعه حکم‌فرما است.

از مردم انتظار می‌رود که همه ارزش‌ها و به خصوص ارزش‌های مهم جامعه را رعایت کنند، اما اگر وقتی بعضی از ارزش‌ها و قواعد کم اهمیت‌تر توسط بعضی از افراد نقض گردد، دیگران آن را تا حدودی نادیده می‌گیرند و در نتیجه مشکلی در نظم اجتماعی پیش نمی‌آید. اما اشخاصی در جامعه پیدا می‌شوند که بسیاری از قواعد را به دفعات نقض می‌کنند. جامعه و مردم در



مقابل این افراد سکوت نمی‌کنند و با استفاده از وسایل مختلف جلوی عمل آن‌ها را می‌گیرند. این طور افراد را مجرم، منحرف و کجرو، و عمل آن‌ها را جرم انحراف و کجروی می‌نامند. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که چرا بعضی از مردم مرتکب انحراف و جرم می‌شوند، در حالی که دیگران از اعمال انحرافی دوری می‌کنند؟ در این درس و درس بعدی جواب این سؤال را خواهیم یافت. عوامل مختلف اجتماعی وجود دارد که باعث انحراف و جرم بعضی از افراد می‌شود. بعضی از مهم‌ترین عوامل انحراف و جرم را در این درس مورد بحث قرار می‌دهیم:

### **نفوس**

نفوس از جهات مختلف بر رفتار افراد تأثیر می‌گذارد. بعضی از تأثیرات نفوس بر رفتار افراد، قرار ذیل است:

### **تعداد نفوس**

اندازهٔ نفوس از جمله عواملی است که مشخص می‌کند که آیا نظم در جامعه مورد تهدید قرار گرفته است یا خیر؟ سازماندهی نفوس زیاد، همیشه مشکل‌تر از نفوس کمتر است؛ زیرا همان طوری که تعداد مردم افزایش می‌یابد، تماس رو بروی افراد مشکل می‌شود و وقت کافی برای دیدار، صحبت کردن و شناختن دیگران وجود ندارد. زمانی که تماس رو برو کاهش یافت، کیفیت عمل متقابل یعنی شدت هیجان، عاطفه و اعتماد متقابل کاهش می‌یابد.

بنابراین، احساس وابسته‌گی به دیگران کاهش یافته و امکان اعمال انحرافی را افزایش می‌دهد. علاوه بر این، در درون جمعیت‌های کلان امکان تشکل گروه‌های جنایت کار و انحرافی وجود دارد، چرا که آن‌ها از جامعه فاصله گرفته‌اند و ضرورت

به همبسته‌گی مجدد دارند. آن‌ها معمولاً جمعیت‌هایی کوچک را تشکیل می‌دهند و این جمعیت‌های کوچک غالباً فرهنگ کوچک و طریقهٔ زنده‌گی خاص خود را به وجود می‌آورند.

اگر چه در رهنمودهای نبی کریم ﷺ به زیاد آوردن اولاد تشویق و ترغیب شده است، زیرا باعث کثرت امت اسلامی و افتخار پیغمبر ما در روز قیامت می‌شود، لیکن شارحین حدیث این تشویق را مقید به قید تربیه و اصلاح می‌دانند یعنی در صورتی که فرد توانایی این را داشته باشد که فرزندان خود را صحیح تربیه کند و به حیث شخصیت نیک در جامعه تقدیم نماید وگرنه تشویق و ترغیب شامل آنانی که قدرت تعلیم و تربیه فرزندان شان را ندارند نمی‌شود.

**بیجا شدن:** بیجا شدن و تغییر مکان نفوس تأثیر زیادی بر رفتار افراد دارد. بیجا شدن‌ها بعضاً داخلی است، که عدهٔ زیادی از مردم در درون یک کشور و سرزمین به دلایلی چون جنگ، قحطی یا سیل، از منطقه‌یی به منطقه دیگر کوچ می‌کنند، برخی دیگر خارجی است، یعنی تعداد قابل توجهی از مردم نظر به بعضی دلایل از کشوری به کشور دیگر کوچ می‌کنند. وقتی که بیجا شدن‌های وسیعی صورت می‌گیرد، ارزش‌ها و قواعد تغییر نموده و روابط و طریقهٔ زنده‌گی تاحدودی دگرگون می‌شود.

تأثیر این تغییرات بر همه افراد یکسان نیست، بعضی افراد را زیاده‌تر تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این‌جا است که رفتارهای انحرافی و کجروی افزایش پیدا می‌کند.

### تنوع نفوس

نفوس اکثر کشورهای جهان از گروه‌های قومی، مذهبی و لسانی مختلف تشکیل می‌شود. در صورتی که نفوس از گروه‌های زیاد و متفاوت تشکیل شود، احتمال رفتارهای انحرافی بیشتری وجود دارد.

به طور کلی، در صورتی که اندازه نفوس با امکانات طبیعی تناسب نداشته باشد، مهاجرت و بیجاشدن جمعیتی صورت می‌گیرد. و اگر نفوس از لحاظ فرهنگی، قومی، مذهبی و لسانی یکنواخت باشد، امکان بیشتری وجود دارد که انحراف و جرایم در آن جامعه کمتر باشد. اما در غیر این صورت، امکان دارد که بر رفتار افراد تأثیر گذاشته و عده‌یی را به انحراف و جرایم بکشانند.

#### مروری بر درس

.....

.....

.....

.....

#### سؤالات درس

- ۱- کدام اشخاص را مجرم و منحرف می‌نامند؟
- ۲- کدام عوامل باعث می‌شود که افراد را به سوی انحراف و جرم سوق دهد؟
- ۳- آیا سازماندهی نفوس زیاد به مقایسه نفوس کم مشکل‌تر است و یا خیر؟ در مورد نظرتان را بنگارید.
- ۴- ازدیاد نفوس چه تأثیری در نظم جامعه می‌گذارد؟

#### کارخانه‌گی

کدام اشخاص را شما مجرم و منحرف می‌خوانید؟ در این باره چند سطر بنویسید.

## انحرافات اجتماعی (۲)



### مباحثه نمایید

به نظر شما:

۱- چرا بعضی از مردم جرم می‌کنند؟

۲- چگونه می‌توان از انحراف و جرم جلوگیری کرد؟

در درس قبل تأثیرات، اندازه و کیفیت جمعیت بر انحراف اجتماعی را مورد بحث قرار دادیم.

در این بحث بعضی از نظریات مربوط به جرم و انحراف را توضیح می‌دهیم.

### نظریه تحت فشار قرار گرفتن

یکی از جامعه‌شناسان می‌گوید که: «فرهنگ هر جامعه هم اهدافی برای مردم تعریف و تعیین می‌نماید و هم وسایل مشروع دسترسی به این اهداف را تعیین می‌کند. سطح بالای جرم زمانی پدید می‌آید که راه‌های مشروع دستیابی به این اهداف محدود باشند و این محدودیت بر کسانی که به وسایل مشروع دسترسی ندارند، فشار وارد می‌آورد».

به طور مثال: در جامعه‌ی خاص بر موفقیت‌های شغلی و اقتصادی تأکید می‌شود، ولی وسایل قابل دسترسی برای به دست آوردن به این موفقیت‌ها محدود است. در چنین جامعه‌ی از یک طرف افراد تحت فشار قرار دارند که به موفقیت‌های اقتصادی دست پیدا کنند و از طرف دیگر امکان دسترسی به آن میسر نیست. عده‌ی از جامعه‌شناسان می‌گویند؛ بعضی از مردم تحت این شرایط دست به جرم و انحراف می‌زنند، یعنی برای رسیدن به اهدافی که در جامعه تعیین شده، از وسایل نامشروع استفاده می‌کنند. بنابراین نظریه، برای



این‌که انحرافات کاهش یابد باید تلاش کرد که راه‌ها و وسایل مشروع رسیدن به اهداف اجتماعی را برای همه فراهم کرد.

### نظریه تضاد

بعضی دیگر از جامعه‌شناسان معتقداند که اکثراً مردمی که مرتکب انحراف می‌شوند، کسانی‌اند که از قدرت و ثروت بیشتری برخوردارند آن‌ها به تقلب‌های سیاسی و اقتصادی بسیار بزرگ دست می‌زنند ولی افراد فقیر ممکن است از مغازه یا خانه اموال کم‌ارزشی را سرقت کنند.

با وجود آنکه حجم و اندازه انحراف صاحبان قدرت و مردم فقیر به هیچ وجه قابل مقایسه نیست، صاحبان قدرت و ثروت، انحراف و جرم را طوری تعریف می‌کنند که تنها انحراف مردم فقیر جرم تلقی می‌شود و انحراف خود آن‌ها از دایره تعریف بیرون می‌ماند و بدین ترتیب، ثروتمندان از عواقب انواع جرایمی که مرتکب می‌شوند، درامان می‌مانند؛ ولی فقرا به خاطر انحرافات جزیی سال‌ها در کنج زندان مانده و از لحاظ اجتماعی نیز بدنام می‌شوند.

طبق این نظریه، جرم در واقع از جمله هر طبقه مردم انجام می‌شود ولی تنها فقرا و محرومین جزا می‌بینند.

### نظریه تاپه زدن

نظریه دیگری وجود دارد که می‌گوید وقتی کسی به هر دلیلی که باشد مرتکب یک انحراف شود، مردم او را به عنوان منحرف و مجرم می‌شناسند و به این ترتیب به او تاپه مجرم می‌زنند. وقتی به طور مرتب او را به عنوان دزد، معتاد و یا مجرم خطاب کردیم، او باور می‌کند که واقعاً یک منحرف و مجرم است و او سعی خواهد کرد که کسانی مثل خود را بیابد و با آن‌ها معاشرت نماید. زمانی که به گروه منحرفان پیوست از مردم عادی بیشتر فاصله می‌گیرد و حتی می‌تواند به عنوان

یک مجرم حرفه‌یی دست به جرایم بیشتری بزند.

این نظریه به ما این نتیجه را می‌دهد که اگر کسی دچار یک انحراف شد نباید به او تاپه مجرم بزنی. الی این‌که مصلحت بزرگتری در آن نهفته باشد مثل عبرت دادن به دیگران و باز داشتن شان از ارتکاب جرم تنها به همین اساس حدود در دین اسلام مشروع و مجاز قرار داده شده است. مثلاً قطع کردن دست سارق (دزد) شلاق زدن شراب خوار و زنا کار (غیر محصن) و غیره.

### نظریه انتقال

نظریه دیگری که از قدیم در میان مردم نیز رواج داشت، می‌گوید انحراف بیشتر یادگرفتنی است. وقتی کسی، به خصوص در سنین کودکی، با افراد مجرم و منحرف معاشرت می‌کند، عادات آن‌ها را فرا می‌گیرد و انحراف و جرم را نه تنها کار بد و قابل سرزنش نمی‌داند، بلکه حتا ممکن است امری عادی و قابل تحسین بداند.

سعدی شیرازی این نظریه را به زیبایی خلاصه کرده است:

|                       |                       |
|-----------------------|-----------------------|
| پسر نوح با بدان بنشست | خاندان نبوتش گم شد    |
| سگ اصحاب کهف روزی چند | پی نیکان گرفت مردم شد |

برای آن‌که از جرم و جنایت خودداری و توبه کرد؛ بایستی گروه هم‌نشین و دوستان خویش را تغییر داد و برای خود دوستانی صالح و خداترس انتخاب کرد، تا با کمک و همکاری و یاد دادن‌های ایشان از عرصه گناه به دور ماند و ترس خدا و مؤاخذات اخروی برایش تلقین گردد و آن انگیزه‌یی برای جستجوی عرصه کارهای نیک و دوری از کارهای زشت شود.

## مروری بر درس

- .....
- .....
- .....
- .....
- .....

## سؤالات درس

- ۱- منحرف چه کسی را می‌گویند؟
- ۲- کدام عوامل افراد را به سوی انحراف سوق می‌دهد؟
- ۳- نظریه زیر فشار قرار گرفتن چیست؟ توضیح دهید.
- ۴- نظریه تاپه زدن چه معنا دارد؟
- ۵- نظریه تضاد به چه چیزی اشاره می‌کند؟
- ۶- نظریه انتقال چیست؟ بیان دارید.

## کارخانه گی

در باره این‌که چگونه می‌توان از انحراف و جرایم جلوگیری کنیم یک مقاله بنویسید که از یک صفحه کمتر نباشد و آن را در صنف بخوانید.

## خلاصه فصل دوم

- منظور از نظم اجتماعی در سطح محدود این است که افراد در جامعه به آسانی رفتارهای یکدیگر را می‌فهمند و از این رو آن‌ها می‌توانند رفتارهای یکدیگر را پیش بینی نموده و به آسانی با هم ارتباط برقرار کنند.
- وقتی از نظم در سطح وسیع صحبت می‌کنیم منظور نظم در سازمان‌ها، نهادها و کل جامعه است.
- ارزش‌ها در زمینه‌های مختلف معیار قضاوت ما قرار می‌گیرند. بدون ارزش‌ها، مردم در برقراری ارتباط با یکدیگر دچار مشکل می‌شوند.
- افراد در یک جامعه با پذیرفتن ارزش‌ها و قواعد مشترک و با رعایت کردن آن‌ها در رول‌های مختلف اجتماعی، از آشفتگی و هرج و مرج جلوگیری نموده و رفتارهای خویش را منظم می‌سازند.
- قانون، دستورالعملی است که توسط قوه مقننه یا پارلمان تصویب می‌شود. بعضی از قوانین، ناظر به اعمال مردم و بعضی دیگر متوجه عملکرد حکومت است.
- اندازه نفوس از جمله عواملی است که مشخص می‌کند که آیا نظم در جامعه مورد تهدید قرار گرفته است یا خیر؟ کنترل نفوس زیاد، همیشه مشکل‌تر از نفوس کمتر است.

# فصل سوم

## تغییرات اجتماعی

در این فصل پیرامون موضوعات زیر اطلاع حاصل می‌کنیم

- تغییرات اجتماعی چیست؟
- عوامل تغییرات اجتماعی (۱)؛
- عوامل تغییرات اجتماعی (۲).



# اهداف فصل

- توقع می‌رود که شاگردان عزیز بعد از خواندن این فصل:
- با معنی و مفهوم تغییرات اجتماعی آشنا شوند؛
  - مصادیق تغییرات اجتماعی را بشناسند؛
  - عوامل تغییرات اجتماعی را تشخیص دهند؛
  - فواید و ضررهای تغییرات اجتماعی را در زنده‌گی خود، بشناسند؛
  - راه‌های کنترل تغییرات اجتماعی را بشناسند؛
  - به تغییر مثبت شرایط زنده‌گی خود علاقه‌مند شوند.

## تغییرات اجتماعی چیست؟



### فکر کنید و جواب بدهید

با وجود آن‌که بسیاری امور در جامعه برای سال‌های طولانی تقریباً ثابت و بدون تغییر باقی می‌ماند، اما بعضی از امور دچار تغییرات می‌شود. به نظر شما:

#### ۱- تغییرات اجتماعی چیست؟

۲- چند مورد از این تغییرات را که خود شما دیده‌اید، بیان کنید.

#### آغاز تطورات سریع اجتماعی:

در گذشته‌های دور، انسان‌ها زنده‌گی نسبتاً یک‌نواختی داشتند و نسل‌های زیادی تقریباً به طور یکسان زنده‌گی می‌کردند: یک نوع لباس می‌پوشیدند، یک نوع غذا می‌خوردند و از آداب و رسوم واحدی پیروی می‌کردند. تغییراتی که در ابعاد مختلف زنده‌گی مردم پیش می‌آمد بسیار کند و حتا غیرقابل مشاهده بود. اما از حدود قرن هفدهم میلادی به این طرف که صنعت و تکنالوژی رشد پیدا کرد، همه ابعاد حیات بشر با سرعت زیادی شروع به تغییر نمود، طوری‌که امروز ما در معرض تغییرات سریع در همه ابعاد زنده‌گی هستیم. اکنون هر نسلی در دنیای متفاوتی از نسل گذشته زنده‌گی می‌کند و هر شخص در طول دوره زنده‌گی خود باید مهارت‌های بیشتری را یاد بگیرد تا

بتواند در شغل و موقعیت اجتماعی خود باقی بماند. ما دیگر قادر نیستیم با علوم و مهارت‌هایی که در دوران کودکی و نوجوانی یادگرفته بودیم، به اهداف خود برسیم بلکه باید همواره بر تعلیم و مهارت‌های خود افزوده و خود را برای شرایط جدید آماده نماییم.

### اهمیت و فواید تغییرات اجتماعی

بحث از تغییر اجتماعی چه فایده‌یی دارد؟ مهم‌ترین فایده‌ شناخت تغییرات اجتماعی این است که ما به عنوان اعضای یک جامعه نسبت به جریان‌ات اجتماعی اطراف خود آگاه می‌شویم و همچنین از رول خود در ایجاد این تغییرات و نیز از تأثیرات این تغییرات بر زنده‌گی خویش آگاهی کسب می‌نماییم.

چه نوع تغییراتی تغییرات اجتماعی نامیده می‌شود؟ دانشمندان علوم اجتماعی می‌گویند تغییر را زمانی می‌توان اجتماعی تلقی کرد که به جامعه تعلق داشته باشد نه به فرد. گاهی اوقات تغییراتی در زنده‌گی یک یا چند فرد روی می‌دهد ولی عموم مردم جامعه از آن متأثر نمی‌شوند، در این صورت تغییر اجتماعی روی نداده است، ولی گاهی تغییر طوری است که اکثر مردم را متأثر می‌سازد؛ در این صورت این تغییر، اجتماعی محسوب می‌شود.

تغییرات اجتماعی می‌تواند در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی واقع شود؛ به طور مثال: انقلاب سیاسی و تبدیل نظام‌های سیاسی در کشور می‌تواند یک تغییر سیاسی محسوب شود. اما به یاد داشته باشیم، در صورتی که کودتایی صورت بگیرد و تنها فرد حاکم تعویض شود، بدون آن‌که نظام سیاسی تغییر کند، تغییر سیاسی صورت نگرفته است.

زمانی می‌توان از تغییر سیاسی یک کشور سخن گفت که در نظام سیاسی تغییراتی پیش آمده باشد. تغییرات سیاسی می‌تواند بدون انقلاب و توسط رفورم و اصلاح نیز به وجود آید. در عرصه اقتصاد اگر پروگرام توسعه در کشور طرح و عملی شود و در ظرف چند سال بخش اقتصاد رشد و پیشرفت چشم‌گیری نماید، می‌توان از تغییر در بخش اقتصاد سخن گفت؛ مثلاً: وضعیت زنده‌گی اقتصادی قشر بزرگی

از مردم دگرگون شود و مردم از حال فقر بیرون شده بهبودی‌های روشنی در این عرصه رونما گردد.

نکته دیگری که لازم است درباره تغییر مطرح شود این است که تغییرات می‌تواند مثبت باشد و می‌تواند منفی باشد.

بعضی از تغییرات چنان‌که در مورد توسعه اقتصادی مثال دادیم می‌تواند تغییر مثبت تلقی شود، چرا که پیامدهای آن برای عموم مردم مفید است. اما بعضی از تغییرات می‌تواند نتایج و پیامدهای زیان‌باری برای مردم داشته باشد. به طور مثال: جنگ‌های بعد از جهاد علیه متجاوزین، در کشور ما باعث تغییرات وسیعی در زندگی مردم گردید و به طور عموم زیان‌آور و غیر مفید بود.

#### مظاهر و پدیده‌های تغییر اجتماعی:

تغییرات اجتماعی عرصه‌های مختلف زندگی را در برمی‌گیرد. امروز در جهانی که زندگی می‌کنیم تقالید اجتماعی تغییر کرده است. خیلی از زبان‌های بین‌المللی به زبان‌های محلی مبدل گردیده و زبان‌های محلی به زبان‌های بین‌المللی مبدل گردیده است. تأثیرگذاری و تأثیرپذیری سرعت سرسام‌آوری یافته است. نقش مردم در تعیین سرنوشت شان توسعه یافته، وسایل علم‌آموزی بیشتر گردیده تقریباً همه اقشار مردم به آن دسترسی پیدا کرده‌اند.

به هر صورت، تغییرات اجتماعی اگر کنترل و رهبری شود می‌تواند ماشین حرکت اجتماع را به سوی ترقی و تکامل رهبری کند، چون عدم وجود تغییر به معنی سکون جامعه و باقی‌ماندن در یک نقطه است. امیدواریم که با شناخت عوامل تغییرات اجتماعی که در درس‌های بعدی مطرح می‌کنیم، بتوانیم آگاهانه



تغییرات اجتماعی را کنترل و هدایت نماییم و به جای آن که اسیر و گرفتار آنها شویم، از آن به نفع جامعه و کشور استفاده نماییم.

### مروری بر درس

---

---

---

---

---

### سؤالات درس

- ۱- تغییرات اجتماعی چه وقت سرعت پیدا کرد؟
- ۲- تغییر را تعریف نمایید.
- ۳- تغییر اجتماعی چیست؟ با مثال واضح سازید.
- ۴- انواع تغییر را نام بگیرید.
- ۵- تغییرات مثبت و تغییرات منفی را واضح سازید.
- ۶- موضوع تغییر اجتماعی را در چند سطر تحریر دارید.
- ۷- تغییر در عرصه سیاسی چگونه رخ می‌دهد؟
- ۸- مظاهر و پدیده‌های اجتماعی را بیان نمایید.

### کارخانه‌گی

درباره نتایج تغییرات مثبت در اقتصاد چند سطر بنویسید.

## عوامل تغییرات اجتماعی (۱)



## مباحثه کنید

با توجه به مطالب درس گذشته، دربارهٔ سؤالات زیر بحث کنید:

۱- ارزش‌های اجتماعی چه رولی در تغییرات دارد؟

۲- آیا عامل دیگری را برای تغییرات اجتماعی می‌شناسید؟ توضیح دهید.

اصطلاح تغییر اجتماعی به طور عموم در مورد همهٔ تغییرات تاریخی جوامع انسانی به‌کار می‌رود و عبارت است از تغییراتی که در طول تاریخ در اصول زنده‌گی جامعه و ملت روی می‌دهد. این تغییرات از هزاران عامل داخلی و خارجی و نیروهایی که زایندهٔ شرایط داخلی و یا خارجی است به وجود می‌آید.

تغییر و تبدیل از خصوصیات همه فرهنگ‌های جهان است. بنابراین باید گفت که نحوهٔ تغییر، در جوامع پیشرفته و ابتدایی، زراعتی و صنعتی تفاوت دارد. به این معنا که در جوامع ابتدایی تغییرات به آرامی‌بیشتری صورت می‌گیرد. در حالی که در جوامع پیشرفته میزان تغییر و تبدیل تاحدزیادی بسته به

نیروهای تغییر دهنده‌یی است که در یک زمان خاص از آن کار گرفته می‌شود. خلاصه می‌توان گفت تغییر اجتماعی، تغییری است در ساخت اجتماعی که شامل تغییرات در حجم جامعه یا در نهادهای خاص اجتماعی و روابط بین نهادها به وجود می‌آید.

تغییرات اجتماعی تحت تأثیر عوامل متعددی صورت می‌گیرد. شناخت این عوامل و نحوه ایجاد تغییر توسط آن‌ها می‌تواند برای ما به عنوان اعضای جامعه بسیار مفید باشد. در این درس بعضی از عوامل مهم تغییرات اجتماعی را می‌خوانیم.

### ارزش‌ها و اعتقادات

یکی از عوامل مهم تغییر اجتماعی، ارزش‌ها، قواعد و عقاید دینی و فرهنگی است. جامعه‌شناسان معتقدند که نیرومندترین عقاید، آن‌هایی هستند که به دین مربوط می‌شوند. چنان‌که می‌دانیم ظهور دین مبین اسلام تغییرات بسیار مهمی را در زنده‌گی مردمی که به این دین مشرف شدند، وارد ساخت. اسلام بخش وسیعی از کره زمین را دچار تحول و دگرگونی نمود. مردمی که به دین اسلام مشرف گردیدند، نظام‌های ظالمانه سنتی خود را رها نموده و به دین رهایی‌بخش اسلام درآمدند. به مدت کمتر از یک قرن، تمدن درخشان اسلامی در جهان پدید آمد. همه تغییراتی که در ملل اسلامی پدید آمد، از عقاید رهایی‌بخش اسلام متأثر بود. مثال دیگر، ظهور پروتستانتیسم، به عنوان مذهب جدیدی در مسیحیت، است. یکی از جامعه‌شناسان، در نتیجه یک تحقیق مفصل نشان می‌دهد که پروتستانتیسم که یکی از مذاهب مسیحیت است، مردم را به کار سخت و پس‌انداز وادار کرد و در نتیجه به ظهور سرمایه‌داری و صنعتی‌شدن، منجر گردید. بنابراین، در این‌جا نیز دیده می‌شود که عقاید موجب تغییرات وسیعی در زنده‌گی بشر گردیده است. شماری از محققین به این باوراند که در واقعیت امر احیای مجدد غرب در اثر تعلیمات اسلامی به وجود آمده است که از طریق جنگ‌های صلیبی و حکومت‌های اسلامی در اندلس به آنجا انتقال گردید، حتا یک‌تن از اندیشمندان هسپانیوی اظهار داشته است: اگر جنگ میدان شهیدان به فرماندهی عبدالرحمن غافقی که در جنوب

فرانسه رخ داد، کامیاب می‌شد، جوامع غربی به تمدنی که دست یافته‌اند شش قرن پیشتر به آن می‌رسیدند.

### تکنالوژی

یکی از مهم‌ترین منابع تغییر اجتماعی، تکنالوژی است. تکنالوژی عبارت است از شناخت یا تعلیم نحوه کنترل و اداره محیط. زمانی که انسان‌ها به علم جدید درباره نحوه جمع‌آوری منابع، طریقه تولید کالاها و خدمات، و طریقه توزیع آن‌ها دست پیدا کردند، کلیه روابط اجتماعی تغییر کرد. به یک مثال ساده در این زمینه توجه کنید: زمانی که مردم یک ده از گاو و قلعه برای تولید محصولات زراعتی استفاده می‌کنند، محصول آن‌ها اندک و زحمت و کار آن‌ها بسیار زیاد است. از این‌رو، افراد زیادی باید کار کنند تا محصول مختصری به دست بیاورند. ولی زمانی که تراکتور و سایر ماشین‌آلات زراعتی در این ده وارد می‌شود، کارگران کمی‌کافی است که با این ماشین‌آلات محصولات بسیار زیادی تولید کنند. در این صورت، در همه ابعاد زنده‌گی ساکنین این ده تغییر پدید خواهد آمد. در این صورت، افراد زیادی فرصت پیدا می‌کنند تا به کارهای دیگر و از جمله به فراگیری علم و دانش بپردازند. بنابراین، نوآوری و توسعه تکنالوژی جدید، باعث تغییرات بنیادی در جوامع انسانی می‌گردد.

### نابرابری اجتماعی

یکی از منابع اصلی تغییر اجتماعی، نابرابری و پیدایش گروه‌های طبقاتی، جنسیتی است. نابرابری در توزیع پول، قدرت، حیثیت، صحت، تحصیلات و دیگر منابع با ارزش و مؤثر، بین کسانی که دارای این منابع‌اند و کسانی که فاقد این منابع هستند، اختلاف و تنش عمیق ایجاد می‌کند. این تنش ضرورتاً به کشمکش خشونت‌آمیز منجر نمی‌شود، ولی فشارهایی را بر روابط اجتماعی وارد می‌کند که بالاخره به تغییرات اجتماعی منجر می‌شود.

کسانی که منابع را در اختیار دارند تلاش می‌کنند تا از طریق تحکیم قدرت و همچنین با توسل به زور و اجبار، این منابع را حفظ کنند. غالباً کسانی که منابع مذکور را در اختیار ندارند، در مقابل صاحبان ثروت و قدرت کاری کرده نمی‌توانند ولی به شکایت می‌پردازند و بعضی اوقات شورش می‌کنند. با



این حال، هنگامی که محرومیت‌ها افزایش یابد و مردم بتوانند به سازماندهی خود بپردازند، تغییرات وسیعی در جامعه روی خواهد داد. هنگامی که نابرابری‌ها، فرهنگ‌های مجزایی را به وجود بیاورند که دارای نشانه‌های فرهنگی متحدکننده، تشکیلات اجتماعی بادوام و دارای منابع مالی باشند، با وارد ساختن فشارهای سیاسی تغییراتی را ایجاد خواهد کرد. بنابراین، نابرابری مانند یک دیگ بخار فرهنگی و اجتماعی است که سرپوش آن را برای مدتی می‌توان محکم بست، اما با فشار اندک اندک متراکم گردیده و موجب تغییر خواهد گشت. تغییر در این موارد عمدتاً خشونت‌بار و سریع است.

### مروری بر درس

- .....
- .....
- .....
- .....
- .....

### سؤالات درس

- ۱- عوامل تغییر را نام بگیرید.
- ۲- ارزش‌های اجتماعی چه رولی در تغییر اجتماعی دارد؟
- ۳- عقاید اجتماعی چه رولی در تغییر اجتماعی دارد؟
- ۴- تغییرات اجتماعی و تکنالوژیکی در غرب چگونه از فرهنگ اسلامی متأثر شده است؟
- ۴- تغییرات جزیی و بنیادی را چه طور تفکیک کرده می‌توانید؟
- ۵- تکنالوژی در تغییر اجتماعی چه رول دارد؟

### کار خانه‌گی

درباره نابرابری و رول آن در تغییرات اجتماعی چند سطر بنویسید و در صنف بخوانید.

## عوامل تغییرات اجتماعی (۲)



## فکر کنید و جواب دهید

خانواده‌ی بی را در نظر بگیرید که در آن چهار نفر زنده‌گی می‌کنند. بعد از چند سال تعداد آن‌ها به ده نفر می‌رسد. حالا بگویید که:

- ۱- در روابط آن‌ها چه تغییراتی پیش آمده است؟
  - ۲- از لحاظ اقتصادی چه تغییراتی ممکن است در آن‌ها به وجود آمده باشد؟
- بعضی از عوامل مهم تغییرات اجتماعی را در درس گذشته خواندیم و تعدادی دیگر را در این درس، از نظر خواهیم گذراند:

## حجم نفوس

جریان‌ات و تحول نفوس می‌تواند فشارهای زیادی را برای ایجاد تغییر وارد سازد. هنگامی که حجم نفوس افزایش می‌یابد، اشکال جدیدی از تولیدات اقتصادی برای خوراک، مسکن، پوشاک و شهرنشینی وسیع‌تر، ضرورت پیدا می‌کند. غالباً نمونه جدید سازمان حقوقی و سیاسی، برای قانونی ساختن و کنترل توده‌های ناآرام، ضرورت پیدا می‌کند. ایجاد مکاتب جدید و مثال‌های جدید تعلیم و تربیه، برای اجتماعی‌کردن نسل جوان، ضرورت می‌یابد و این ضرورت تغییر، همچنان به پیش می‌رود. بنابراین، رشد نفوس خواهان جواب‌های اساسی و تغییر می‌باشد. متقابلاً، یک جمعیت رو به کاهش نیز می‌تواند فشارهایی برای تغییر به وجود آورد ولی با سرعت کمتری. هنگامی که تعداد نفوس کاهش می‌یابد کارگران کمتری در بخش اقتصاد و اطفال

کمتری در مدارس وجود خواهد داشت. ساختار، سنّ و نفوس نیز، فشارهایی برای تغییر وارد می‌کند: جمعیتی که نسل جوان نسبت به نسل مسن آن رو به کاهش است، مشکلاتی را به وجود خواهد آورد. چنان‌که در ایالات متحده و بیشتر کشورهای اروپایی چنین می‌باشد، که این مشکلات ناشی از یافتن عواید کافی مالیاتی برای حمایت از افراد مسنّ می‌باشد. متقابلاً، جامعه‌ای که از نفوس فراوان جوان برخوردار است، چنان‌که در مورد اغلب جوامع آمریکای لاتین، آسیا و آفریقا چنین است، با مشکلاتی در جهت ایجاد وظایف، مکاتب، مدارس و ارائه خدمات اجتماعی به نسل جوانی که در حال رشد اند، مواجه خواهد شد وضعیتی که اکثراً مشروعیت رهبران سیاسی را تضعیف کرده و در نتیجه، تغییراتی را در نهادهای سیاسی ایجاد می‌کند.

### مهاجرت و جابه جایی نفوس

مهاجرت به درون و به بیرون یک جامعه و به مناطق کلیدی آن (مانند پایتخت) نیز تأثیرات زیادی بر ساختار اجتماعی دارد. مهاجرت به بیرون نیز بر جامعه اثر می‌کند، خصوصاً اگر طبقه معینی از اتباع جامعه را ترک کنند. اگر نیروی کار تحصیل کرده و حرفه‌ای مهاجرت کند که به آن «فرار مغزها» گفته می‌شود اقتصاد، حکومت و مکاتب، به صورت زیان‌آوری، تحت تأثیر قرار خواهند گرفت. همچنین، اگر کارگران دست مزد کار، مهاجرت کنند و کمبود نیروی کار را پدید آورند، مشکلات دیگری را به دنبال خواهند داشت، گرچه وقتی فقرا کوچ می‌کنند، اغلب مهاجرت آن‌ها موجب کاسته شدن فشار بر حکومت، مدارس و سایر نهادها می‌شود.

### در مورد اثرات مهاجرت چه می‌دانید؟

مهاجرت از نقطه‌یی به نقطه دیگر هم بالای مهاجران و هم بالای گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی که این مهاجران در داخل آن، جا به جامی شوند اثرات مثبت و منفی را به بار می‌آورد. از لحاظ تاریخی پر معناترین نتیجه مهاجرت اشاعه فرهنگ بوده است. انتشار وحدت فرهنگی وقتی صورت می‌گیرد که مهاجران با باشندگان اصلی وصلت می‌کنند و نسل‌های جدید از آمیزش آن‌ها به وجود می‌آید. اختلاط

بیولوژیکی همیشه، یکی از اثرات مهاجرت بوده است. خواه به صورت غلبه اقوام مهاجر، خواه به صورت مهاجرت صلح آمیز یا در پوشش عملیات استعمار گرانه اثرات مهاجرت در داخل جامعه‌های بزرگ، توسعه شهرها، توسعه فرهنگ شهر نشینی بوده است. خلاصه جامعه‌ی نیست که عاری از تغییر و عوامل تغییر دهنده باشد. حتی غیرفعال‌ترین اجتماعات در معرض تغییر قرار دارند. از یک حالتی به حالت دیگر تغییر می‌کنند. مهمترین تغییر، عبارتند از: عوامل نفوس، ساختار تکنالوژی، زیربنای اقتصادی، ارزشها، ایدئولوژیها، تضادها، عاملان تغییر، ممکن است افرادی چون: رهبران و روشنفکران باشد. تغییر، همواره با بعضی مقاومت‌ها مواجه است که معمولاً شدیدترین این مقاومت‌ها ممکن از نهادهای مهم ناشی گردد سنتی بودن رفتار سبب استمرار و دوام آن می‌شود و در نتیجه کندتر تغییر می‌کند.

### مروری بر درس

.....

.....

.....

.....

.....

### سوالات درس

- ۱- نفوس چیست و در مسائل اجتماعی چه رولی دارد؟
- ۲- چند نوع از مهاجرت را نام بگیرید.
- ۳- مهاجرت چیست و عوامل آن چه می‌باشد؟
- ۴- درباره اثرات مهاجرت بالای تغییرات در جامعه توضیح بدهید.
- ۵- عقاید مذهبی در تغییر اجتماعی چه رول دارد؟

### کار خانگی

چند عامل تغییر اجتماعی را لیست نموده در صنف بخوانید.



## خلاصه فصل سوم

- اصطلاح تغییر اجتماعی به طور کلی در مورد همه دگرگونی‌های تاریخی جوامع انسانی به کار می‌رود و عبارت است از تبدیلات و دگرگونی‌هایی که در طول تاریخ در اصول زنده‌گی جامعه و ملتی روی می‌دهد.
- تغییر عمومی دگرگونی است که در همه نظام‌های اجتماعی صورت می‌گیرد، یا به عبارت دیگر در صورتی که در نظام اجتماعی همه چیز تغییر کند و هویت آن تغییر یابد، در این صورت تغییر عمومی صورت می‌گیرد.
- تغییر اجتماعی از تأثیر چندین عامل به هم پیوسته یا مجموعه از عوامل است که هم زمان به صورت متعادل عمل می‌کند و هر کدام متقابلاً به روی هم اثر می‌گذارند.
- هر جایی که عناصر جدید و عناصر نو در فرهنگ ظاهر شود و همین طور محتوا و ساخت فرهنگ را تغییر دهد، تغییر فرهنگی رخ می‌دهد.
- عقاید، مفاهیم عمومی و مهم درباره جهان و ماهیت جامعه هستند که مردم درستی آن‌ها را به عنوان واقعیت قبول دارد.
- اصطلاح مهاجرت به حرکت اشخاص از دولت موطن خود به دولت دیگر گفته می‌شود و به عبارت دیگر مهاجرت به حرکت مردم از یک نقطه جغرافیایی به نقطه دیگر اطلاق می‌شود.

# فصل چهارم

## نابرابری‌های اجتماعی و نشانه‌های آن

در این فصل درس‌های ذیل را می‌آموزیم:

- نابرابری اجتماعی چیست؟
- نابرابری طبقاتی؛
- نابرابری جنسیتی.

# اهداف فصل

توقع می‌رود که شاگردان عزیز بعد از خواندن این فصل:

- مفهوم و مصادیق نابرابری اجتماعی را بشناسند؛
- با انواع نابرابری‌های اجتماعی و عوامل آن‌ها آشنا شوند؛
- عواقب و پیامدهای نابرابری اجتماعی را بشناسند؛
- با راه‌های کاهش نابرابری اجتماعی آشنا شوند؛
- با مفهوم عدالت اجتماعی آشنا شوند؛
- به عدالت اجتماعی علاقمند شوند.

## نابرابری اجتماعی چیست؟



### فکر کنید و جواب دهید

مردمی که در یک جامعه زنده‌گی می‌کنند، به طور مساوی از منابع با ارزش اجتماعی، مانند ثروت، قدرت و منزلت، بهره‌مند نیستند. به نظر شما:

- ۱- چرا همهٔ مردم به طور مساوی از ثروت و قدرت برخوردار نیستند؟
- ۲- آیا این تفاوت و نابرابری عادلانه است، یا خیر؟ دلایل خود را بیان کنید.

در جوامع بشری افراد و گروه‌ها عموماً به طور مساوی از مال و ثروت، قدرت سیاسی و مقام و احترام اجتماعی برخوردار نبوده و نیستند. بعضی از گروه‌ها به خاطر تعلقات اقتصادی، سیاسی، قومی، مذهبی و غیره از امتیازات بیشتری برخوردارند و بعضی دیگر از ابتدایی‌ترین امتیازات نیز محروم‌اند. منشأ توزیع نابرابر منابع اساسی بعضی اوقات تفاوت طبیعی افراد است و بعضاً ساختار غیرعادلانه اجتماعی و اقتصادی. به طور مثال: توزیع غیر عادلانه منابع اساسی بعضاً به خاطر آن است که افرادی از توانمندی‌های فکری و فیزیکی بیشتری نسبت به دیگران برخوردارند. مثلاً: دو نفر بر روی دو قطعه زمین مشابه کار می‌کنند ولی یکی از آن‌ها به دلیل کار و تلاش بیشتر و پروگرام بهتر، سالانه دو یا چند برابر نسبت به نفر دیگر محصول می‌گیرد. اما بعضاً به خاطر تفاوت در توانمندی‌های افراد نیست بلکه به خاطر آن است



که عده‌یی به گروه خاصی تعلق دارند که به طور غیرعادلانه از امتیازات زیاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی برخوردارند و عده‌یی دیگر به گروهی تعلق دارند که از این امتیازات محروم هستند.

این تفاوت‌ها و نابرابری‌ها زمانی "اجتماعی" نامیده می‌شود که منشأ آن نه تفاوت‌های فردی، بلکه تفاوت‌های اجتماعی باشد.

گرچه همه جوامع از نوعی نابرابری برخوردار است ولی اگر این نابرابری به خاطر تفاوت‌های اجتماعی باشد، دین مبین اسلام و عقل سلیم انسانی آن را نمی‌پذیرد. برخی از مهم‌ترین نشانه‌ها و آثار تفاوت‌های اجتماعی قرار ذیل است:

### **میزان فاصله اجتماعی**

شکاف یا فاصله اجتماعی میان طبقات، گروه‌های نژادی یا جنسی در جوامع مختلف متفاوت است. بعضاً فاصله میان آن‌ها خیلی زیاد نیست و در نتیجه تفاوت میان آن‌ها نیز اندک می‌باشد ولی بعضاً بسیار زیاد است. منظور ما از فاصله اجتماعی میزان برخورداری گروه‌های مختلف از ثروت، قدرت و منزلت اجتماعی است. در بعضی از جوامع، تعداد اندکی از مردم زیادترین منابع ثروت و قدرت را در اختیار دارند و توده‌های وسیعی از مردم از کمترین اندازه منابع که ضرورت‌های اولیه زنده‌گی آن‌ها را هم تأمین نمی‌کند، برخوردارند. نظر به وضعیت، فرهنگ و سبک زنده‌گی گروه ممتاز و سایر مردم نیز بسیار زیاد تفاوت می‌کند. در این صورت فاصله اجتماعی وسیع است. اما اگر تفاوت زیادی میان مردم وجود نداشته باشد، در آن صورت فاصله اجتماعی اندک است.

### **تحرك اجتماعی**

تحرك اجتماعی به جابه‌جا شدن افراد در مقام‌ها و موقعیت‌های اجتماعی گفته می‌شود. به طور مثال: کسی که در یک خانواده دهقان متولد شده، اگر بتواند با

تلاش شخصی و تحصیلات مناسب به پست‌های عالی‌رتبه نظام اداری برسد، آن جامعه از تحرک اجتماعی برخوردار است ولی اگر جامعه به کسانی که در خانواده‌های پایین متولد می‌شوند اجازه بالارفتن از سلسله‌مراتب اجتماعی را ندهد، تحرک اجتماعی در آن جامعه وجود ندارد. میزان تحرک اجتماعی نیز می‌تواند کم یا زیاد باشد.

جوامعی که تحرک اجتماعی در آن زیاد است، از نابرابری کمتری برخوردار است و یا به سوی کم‌کردن نابرابری پیش می‌رود، چون به افراد اجازه می‌دهد که در سلسله‌مراتب اجتماعی جابجا شده و خود را ارتقا دهند ولی جوامع بسته که به افراد اجازه جابجاشدن نمی‌دهد، دارای نابرابری بسیار شدید می‌باشد. بنابراین، عدم تحرک اجتماعی یکی از نشانه‌های مهم نابرابری اجتماعی است. نابرابری‌ها در اکثر اوقات انقلاب‌های وسیع را در عموم جامعه پدید می‌آورند؛ ولی اکثراً نزاع‌های جدی را میان کسانی که از منابع خاصی برخوردار اند و کسانی که از آن منابع محروم‌اند، ایجاد می‌کنند.

همان‌طور که نظریه‌های کشمکش تأکید می‌ورزند اکثریت جالب‌ترین حوادث اطراف ما از قبیل تظاهرات کارگری، مطالبه حقوق مساوی برای زنان، تضادهای نژادی و قومی از نابرابری‌ها به وجود می‌آید. جنبش‌های اجتماعی که خواهان تغییرات اند از قبیل جنبش کارگری، جنبش حق رأی برای زنان، جنبش حقوق مدنی همه در جواب به نابرابری‌ها به وجود آمده و گسترش یافته‌اند. اکثراً جنگ‌ها و خشونت، بخشی از این جنبش‌ها همچون عواملی برای تغییر و نیز عواملی برای کنترل اجتماعی، قلمداد می‌شوند. اسلام از چهار صد سال به این سو به عنوان دینی برتر عمل کرده و عوامل نابرابری‌های اجتماعی را ریشه کن نموده است. در اسلام تمام افراد جامعه از حقوق مساوی و عادلانه برخوردار

اند به طور مثال: در اسلام آزاد نمودن غلام جزئی از شعایر دین پنداشته شده و کفاره بعضی از گناهان از جمله روزه خوردن عمدی قلمداد گردیده است. هم‌چنان در اسلام میان عرب و عجم هیچ تفاوتی موجود نیست حتا آنانی که از نگاه سیاسی در قلمرو اسلام قرار داشتند ولی خود مسلمان نبودند، از تمام حقوق شهروندی برخوردار بودند.

### مروری بر درس

.....

.....

.....

.....

.....

### جواب به سؤالات

- ۱- نابرابری را تعریف نمایید.
- ۲- آیا انسان‌ها قادراند جامعه‌یی که در آن هیچ نوع نابرابری وجود نداشته باشد بسازند؟
- ۳- چطور می‌توانیم نابرابری را کاهش بدهیم.
- ۴- اگر در جامعه نابرابری‌ها تشدید یابد چه پیامدهایی خواهد داشت.
- ۵- اسلام با نابرابری‌ها چگونه مبارزه می‌کند؟

### کارخانه‌گی

در محیط پیرامون خود ببینید که کدام نابرابری‌ها وجود دارد و آن را  
لست نمایید.

## نابرابری طبقاتی



### مباحثه نمایید

با توجه به درس قبلی:

- ۱- چه نوع نابرابری‌هایی را در محیط خود می‌شناسید؟
  - ۲- به نظر شما این نابرابری‌ها قابل قبول است یا نه؟ دلیل خود را بیان کنید.
- یکی از انواع مهم نابرابری، به‌خصوص در جوامع پیشرفته، نابرابری ناشی از طبقات اجتماعی است. گرچه تعاریف متفاوتی از طبقه اجتماعی ارائه شده ولی می‌توان گفت که طبقه اجتماعی عبارت است از دسته‌هایی از مردم که در اثر تفاوت در دسترسی به منابع مادی جامعه تشکیل می‌یابد و به‌همین خاطر تفاوت‌هایی در سبک زندگی و فرهنگ آن‌ها نیز پدید می‌آید. این تعریف ضرورت به توضیح بیشتری دارد: زمانی که مردم از ثروت، قدرت و مقام متفاوتی برخوردار هستند، کسانی که از یک نوع امتیازات برخوردارند با هم روابط اجتماعی برقرار می‌کنند و با کسانی که از امتیازات خیلی متفاوتی برخوردار شده‌اند کمترین روابط را برقرار می‌کنند. این روابط از معاشرت‌ها و مهمانی‌ها گرفته تا ازدواج‌ها و روابط خونی و خویشاوندی را در برمی‌گیرد بدین ترتیب، هر دسته‌یی از مردم که سطح خاصی از امتیازات را در اختیار دارند دارای نوعی سبک و طریقهٔ زندگی و فرهنگ می‌باشند که با کسانی



در سطوح بالا یا پایین قرار دارند، متفاوت اند. بنابراین، هر گروه از مردم که از امتیازات نسبتاً مساوی و فرهنگ و سبک زنده‌گی مشابهی برخوردارند، یک طبقه نامیده می‌شود. و همان طوری که توضیح داده شد، وجود طبقات به معنی نوعی نابرابری اجتماعی میان مردم یک جامعه است.

طبقات در جوامع مدرن دارای خصوصیتی است که به خاطر اهمیتی که دارد، بعضی از آن‌ها را اندکی توضیح می‌دهیم:

### **فاصله طبقاتی**

در جوامع پیشرفته امروزی با وجود آن که فاصله طبقاتی وجود دارد ولی مرز طبقات خیلی آشکار و واضح نیست. به عبارت دیگر، میان طبقات مختلف یک جامعه مرز خیلی واضح و آشکار کشیده نشده است بسیاری از افراد هستند که دقیقاً معلوم نیست که به طبقه بالا تعلق دارند یا به طبقه پایین، در حالی که در جوامع عنعنوی این مرز خیلی واضح و روشن است.

### **تمرکز ثروت**

گرچه در جوامع پیشرفته تقریباً همه مردم از کمترین امکانات ضروری برخوردار اند، ولی سرمایه بسیار غیرعادلانه توزیع شده است. به عنوان مثال، بنا به مطالعه‌یی که در سال ۲۰۰۷ میلادی در آمریکا انجام شد، نشان می‌دهد که در حدود ۳۹ فیصد سرمایه این کشور در دست تنها یک درصد جمعیت قرار داشته و بقیه جمعیت این کشور مالک بقیه سرمایه بوده است. چنان که می‌دانیم، وقتی که ثروت چنین غیرعادلانه توزیع شده باشد، قدرت و منزلت اجتماعی، که با ثروت رابطه بسیار نزدیک دارد نیز به همین صورت توزیع خواهد شد. طوری که ملاحظه گردید، در جوامع طبقاتی با وجود آن که حداقل امکانات زنده‌گی برای اکثریت قاطع مردم تأمین می‌گردد ولی ثروت، قدرت و منزلت به صورت کاملاً غیرعادلانه توزیع می‌گردد.

## تحرک اجتماعی

در جوامع طبقاتی مدرن، برخلاف اکثر جوامع سنتی، تحرک اجتماعی و جابه‌جا شدن افراد در مقام‌ها و طبقات اجتماعی مختلف هم امکان‌پذیر است و هم نسبتاً آسان. به طور مثال، فردی که به طبقه پایین تعلق دارد، می‌تواند با تلاش و زحمات خود از طریق تحصیل علم یا ثروت خود را به طبقه متوسط و یا حتی بالای جامعه برساند. گرچه اکثراً موانع نامرئی و اعلام نشده فراوانی بر سر راه تحرک افراد وجود دارد، ولی قانوناً و عملاً امکان‌پذیر است. افراد زیادی دیده می‌شود که از این شرایط استفاده نموده و خود را به طبقات بالاتر منتقل می‌کنند. تحرک معکوس نیز کاملاً ممکن است، یعنی افرادی به دلایل مختلف ممکن است از طبقات بالا سقوط نموده و به طبقات پایین تنزل کنند.

## استثمار همه جانبه

به دلیل خصوصیتی که برای جوامع طبقاتی مدرن برشمردیم، در این جوامع نوعی استثمار آرام، ملایم ولی بسیار عمیق و وسیع وجود دارد. یک اقلیت محدود که امکانات و منابع با ارزش جامعه را در دست دارد، اکثریت جامعه را هم از لحاظ اقتصادی، هم از لحاظ سیاسی و هم از جهت فرهنگی تحت استثمار خویش قرار می‌دهد. ایجاد نظام دایمی نابرابری از چند لحاظ به سود گروه مسلط است. نخست، امتیازاتی را که گروه قبلاً داشته حفظ می‌کند. بدین ترتیب نظام حکومت و قانون، چنانچه زیر نفوذ شدید ثروتمندان و قدرتمندان باشد، به حفظ دارایی و امتیازات آن‌ها در برابر دیگران در جامعه کمک خواهد کرد. دوم، گروه مسلط را در موقعیت مساعدی برای وظایف، تعلیم و تربیه، و مسکن قرار می‌دهد. سوم، به نخبه‌گان امکان می‌دهد تا از کسانی که در موقعیت‌های پایین قرار دارند به عنوان کارگر، اجیر و مصرف‌کننده استفاده کنند، بدین ترتیب زنده‌گی را آسان‌تر کرده و ثروت خود را افزایش دهند. بعضی از علما، معتقد اند که نظام نابرابری موقعیت ممتاز قدرتمندان را حفظ می‌کند، نفوذ رقابت‌آمیز آن‌ها

را افزایش می‌دهد و به آن‌ها امکان می‌دهد که کسانی را که در موقعیت‌های پایین هستند، استثمار کنند. اسلام از اولین ایامی که در شبه جزیره عربستان ظهور نمود بر نظام طبقاتی خط بطلان کشید. بادر و برده را در یک صف قرار داد، میان ابوبکر و عمر و علی و ابوعبیده و مصعب بن عمیره (رضی الله عنهم) که از جمله عرب‌های ثروتمند و شریف جامعه بودند و میان بلال و یاسر و سمیه و عمار و صهیب (رضی الله عنهم) که از طبقه فقیر و برده گان بودند، برابری آورد. اسلام از همان آغاز معیار برتری را تقوی، علم و فضایل اخلاقی اعلان نمود. و به این شکل تمام مظاهر نابرابری را جاهلی و غیر انسانی دانست.

#### مروری بر درس

- .....
- .....
- .....
- .....
- .....

#### سؤالات درس

- ۱- طبقه را تعریف نمایید.
- ۲- فاصله طبقاتی چیست؟ توضیح دهید. فردی که به طبقه پایین، تعلق دارد چگونه می‌تواند خود را به بالاترین طبقه برساند؟
- ۳- استثمار چیست؟ کدام طبقه تحت استثمار قرار می‌گیرد؟ توضیح دهید.
- ۴- اسلام با نابرابری‌های اجتماعی و نظام طبقاتی چگونه مبارزه کرده است؟
- ۵- معیار فضیلت و برتری در اسلام چیست؟

#### کار خانه‌گی

چند موردی که علت نابرابری‌ها در جامعه می‌شود لست نموده و در صنف بخوانید.

## نابرابری جنسیتی



### فکر کنید و جواب دهید

طوری که می‌دانیم، نیمی از جامعه بشری مرد و نیمی دیگر زن است. به نظر شما:

۱- زنان و مردان به صورت مساوی از امتیازات برخوردارند؟

۲- اگر نوعی از نابرابری جنسیتی موجود باشد، آن را توضیح دهید.

### جنسیت چیست؟

جنسیت یعنی دفاع و جانبداری از حقوق زنان و عقیده به

برابری زن و مرد در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و مبارزه برای رفع تبعیض، تحقیر، توهین و ستم به زنان.

هدف از مسأله جنسیتی برآورده نمودن و سپردن حقوق مساویانه زن و مرد در حیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است، تا نابرابری جنسیتی از بین برود. جنسیت در همه سطوح جهان اجتماعی دیده می‌شود. جنسیت تشکل اندیشیدن درباره خود و برقرار کردن ارتباط با دیگران است و تأثیر زیادی در تعیین نوع کار و زنده‌گی خانواده و جامعه دارد.

جنسیت تعیین کننده سلسله مراتب اجتماعی است؛ زیرا در اکثر جوامع، بخش عمده منابع اجتماعی را تحت کنترل خود دارد، جنسیت اشاره به معنای اجتماعی مرد بودن و زن بودن دارد.

خداوند جَلَّ جَلَّاهُ انسان را از دو جنس مرد و زن آفریده است. یکی از نشانه‌های حکمت خداوند جَلَّ جَلَّاهُ این است که در همه جوامع تعداد زن و مرد تقریباً مساوی است. زنان و مردان در طول تاریخ یک نوع تقسیم کار داشته‌اند: زنان عمدتاً به کارهای داخل خانه و تربیت اطفال مصروف بودند و مردان به کارهای بیرون از خانه و تهیه و تدارک مواد خوراکی می‌پرداختند. به دلیل آن‌که کار خانه در عین سخت بودن، درآمد ملموسی نداشت، مقام اجتماعی



زنان روز به روز تنزل یافت و توانایی و شایسته‌گی آن‌ها کمتر از مردان در نظر گرفته شد و به همین خاطر در همه جوامع کارهای مهم و با صلاحیت در دست مردان قرار دارد. امروز در همه فرهنگ‌های جهان زنان مقام متناسب با مردان ندارند و زنان معمولاً به کارهایی وادار می‌شوند که درآمد و اعتبار کمتری دارد. بعضی‌ها فکر می‌کنند که محرومیت زنان از فرصت‌های شغلی بالا به دلیل آن است که زنان از توانایی فکری و فیزیکی کمتری برخوردارند و همین کارهایی که به‌طور عنعنوی به زنان واگذار شده مناسب‌ترین کارها برای آن‌هاست. واقعیت این است که زنان و مردان از نظر حیاتی تفاوت اندکی دارند و تفاوت‌های یادشده باعث نمی‌شود که زنان را از همه فرصت‌های ترقی و پیشرفت محروم سازیم. دین مبین اسلام نیز زنان را مانند مردان انسان می‌داند.

اسلام تفاوت میان زن و مرد را به رسمیت می‌شناسد ولی بی‌عدالتی در حق زن یا مرد را به هیچ وجه نمی‌پذیرد. تاریخ اسلام شاهد حضور قوی زنان در عرصه‌های مختلف زنده‌گی بوده است. زنان در فتوحات اسلامی و غزوات پیامبر صلی اله علیه وسلم اشتراک داشته اند. در روایات آمده است که حضرت فاطمه الزهرا و شماری دیگر از زنان مسلمان در جنگ‌های احد و حنین و غیره شرکت جسته اند. هم چنان در عرصه کار فرهنگی و ملی حضور قوی داشتند از میان زنان کسانی بروز نمودند که در مسائل علمی دانشمند گردیدند. مثلاً: حضرت عایشه (رضی الله عنها) یکی از راویان بزرگ حدیث محسوب می‌شود و خود در مسائل فقهی دیدگاه و نظریه به خصوصی دارد. هم‌چنان زنان مسلمان در طول تاریخ در امور سیاسی نقش برانده‌یی داشته اند. ولی آن چه از تبعیضی که در جوامع اسلامی میان زن و مرد به چشم می‌خورد علتش به جهل مردم نسبت به تعالیم اسلامی و عدم تربیت سالم دینی بر می‌گردد.

در این جا به عواقب و پیامدهای منفی نابرابری جنسیتی می‌پردازیم. گرچه نابرابری جنسیتی پیامدهای منفی بسیار زیادی برای افراد و جوامع در پی دارد، ما در این جا

به طرح بعضی از مهم‌ترین آن‌ها اکتفا می‌کنیم:

**عقب‌مانده‌گی جامعه:** زنان کلید انکشاف خانواده، جامعه و جهان اند. انکشاف آن متضمن انکشاف عمومی است. طوری که دیده می‌شود اکثر زنان در افغانستان بی‌سواد اند و از پروسه‌های انکشافی دور می‌باشند واضح است که حرکت بطنی این اکثریت بی‌سواد از سرعت حرکت کاروان ملی در راه توسعه و انکشاف ملی می‌کاهد.

### کشمکش اجتماعی

در گذشته زنان و مردان تابع عرف و سنت‌های اجتماعی بودند، و هر کس کاری را انجام می‌داد که عرف و فرهنگ جامعه برایش تعیین کرده بود، ولی امروز در اثر گسترش تعلیم و تربیت و توسعه ارتباطات و رسانه‌ها وضعیت خیلی فرق کرده است. امروز همه می‌دانند که زنان می‌توانند مانند مردان تحصیلات عالی و مشاغل پرعاید داشته باشند و برای ارتقای ظرفیت و کسب مقام‌های اجتماعی از توان و نیروی عقلی خوبی برخوردار هستند. از این‌رو، آن‌ها می‌خواهند از وضعیت تبعیض‌آمیز برآمده و به ارتقای ظرفیت و کسب مشاغل پردرآمد بپردازند و تمام تلاش خود را برای دسترسی به این هدف به کار می‌برند. بنابراین قبل از همه باید به انکشاف زنان که تهداب گذاران نسل‌ها و زمینه سازان انکشاف اند توجه جدی مبذول گردد

### مروری بر درس

- .....
- .....
- .....
- .....

## سؤالات درس



۱. نابرابری چیست؟
۲. جنسیت چیست؟
۳. آیا در جهان در تعداد زنان و مردان تفاوت وجود است؟
۴. چرا زنان نسبت به مردان در اکثریت نقاط جهان از منافع اساسی اجتماعی محروم اند؟
۵. زنان در اسلام از چه موقعیتی برخوردارند؟
۶. علت نابرابری و تبعیض میان زن و مرد در جوامع اسلامی چیست؟
۷. نابرابری جنسیتی چه پیامدهای در قبال دارد؟ بیا ن دارید

## کار خانه‌گی



چند سطر درمورد وضعیت اجتماعی زنان افغانستان بنویسید.

## خلاصه فصل چهارم

- نابرابری‌های اجتماعی به معنای عام به تفاوت‌های میان افراد یا مقام‌ها که به صورت اجتماعی تعریف شده و افراد آن را اشغال کرده اند، اشاره می‌کند.
- طبقه اجتماعی عبارت است از گروه‌هایی از مردم که در اثر تفاوت در دسترسی به منافع مادی جامعه تشکیل می‌یابد و به همین خاطر تفاوت‌هایی در سبک زنده‌گی و فرهنگ آن‌ها پدید می‌آید.
- دین مبین اسلام تفاوت‌های قومی و نژادی را مایه هیچ نوع امتیازی نمی‌داند و امتیاز انسان‌ها را تنها بر اساس تقوی و پرهیز گاری می‌داند.
- هدف از مسائلی جنسیتی برآوده نمودن و سپردن حقوق مساویانه زن و مرد در حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است، تا نابرابری جنسیتی از بین برود.
- باید در انکشاف زنان که تهداب‌گذاران نسل‌ها و زمینه‌سازان توسعه و انکشاف‌اند توجه جدی مبذول گردد..

# فصل پنجم

## مشکلات اجتماعی ما

در این فصل مطالب زیر را می‌آموزیم:

بی‌سوادی؛

فقر و بی‌کاری؛

مسکن؛

صحت و تداوی؛

مواد مخدر؛

ناامنی و دهشت‌افگنی؛

مواد منفجرناشده.



## اهداف فصل

توقع می‌رود که شاگردان عزیز بعد از خواندن این فصل:  
اهمیت سواد را بدانند و به زدودن بی‌سوادی از جامعه علاقمند شوند؛  
فقر و بی‌کاری و نتایج منفی آن‌ها را بشناسند و به تلاش و کوشش وادار شوند؛  
با مشکل کمبود مسکن آشنا گردیده و راه‌های بیرون رفت از آن را بشناسند؛  
مشکلات ناشی از مواد مخدر، مواد انفجاری منفجرناشده، ناامنی و کمبود خدمات صحتی را بدانند و با راه‌های مقابله با آن‌ها آشنا شوند.

## مشکلات اجتماعی ما: بی سوادی

## فکر کنید و جواب دهید

زنده‌گی در دنیای جدید ضرورت به تعلیم و تربیه دارد. چنان‌چه خداوند<sup>(ع)</sup>

در قرآن کریم می‌فرماید:

(اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ \* خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ \* اقْرَأْ وَرَبُّكَ  
الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ \* عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ \* )

ترجمه: بخوان به برکت نام پروردگار



خود که آفریده \* آفریده آدمی را از  
خون بسته \* بخوان و پروردگارتو  
کریم است \* آن‌که علم آموخت به  
وسیله قلم \*

کسانی که تعلیم نکرده باشند  
بی سواد نامیده می‌شوند. با توجه به  
این واقعیت:

۱- اگر کسی سواد نداشته باشد، با چه

مشکلاتی مواجه می‌شود؟

۲- جامعه‌یی که تعداد زیادی از اعضایش بی سواد باشد با چه مشکلاتی

مواجه می‌گردد؟

انسان‌ها مدت‌های زیادی بر روی زمین زنده‌گی کردند ولی خواندن و نوشتن را  
نمی‌دانستند. در آن زمان زنده‌گی انسان‌ها بسیار ساده و ابتدایی بود. در آن زمان  
تجارب نسل‌های گذشته به صورت عملی و شفاهی از نسلی به نسل دیگر منتقل  
می‌گردید و اعضای جدید جامعه مهارت‌ها و فنون مورد ضرورت خود را در  
جریان زنده‌گی روزمره یاد گرفتند. در آن زمان هیچ‌گونه پروگرام خاصی برای  
آموزش وجود نداشت. بی سوادی همیشه مانع بزرگی در جریان تکامل جوامع

بشری است. بنابراین گفته می‌توانیم که بی‌سوادی یک مرض مهلک و دشمن درجه یک بشریت، مشکل عمده در مسیر تکامل ترقی، پیشرفت، انکشاف و توسعه جوامع بشری به خصوص کشورهای جهان سوم و عقب مانده محسوب می‌شود. محو کامل آن امر ساده و عادی نبوده بلکه یک جریان مغلق و پیچیده بوده و به همکاری وسیع ملی و بین‌المللی ضرورت دارد. اگر چه مبارزه با این مرض مهلک مستلزم کار و پیکار اساسی و وسیع می‌باشد. در این استقامت از طرف کشورها و سازمان‌های ملی و بین‌المللی به‌خاطر محو بی‌سوادی در سطح جهان اقداماتی صورت گرفته است.

امروزه در کشورهای پیشرفته، همه مردم با سواداند حتا افرادی که نابینا و ناشنوا اند نیز با سواد هستند. در کشور ما حدود ده میلیون هموطن ما از نعمت سواد محروم بوده و هم‌اکنون پنج میلیون طفل کشور از رفتن به مکتب دور مانده‌اند. بعضی از مهم‌ترین مشکلاتی که از این ناحیه برای کشور ما پیش می‌آید. عبارت‌اند از: فقر، جهل، عقب‌مانده‌گی اجتماعی، اقتصادی، اعتیاد، روی آوردن به جرم و جنایت.

ملتی که از نعمت سواد و تعلیم محروم است همیشه محتاج به کشورهای قدرتمند است. پس بر کشورهای فقیر لازم است تا توجه خود را به علم و سواد معطوف و در توسعه مکاتب توجه نمایند، زیرا مکتب محرک اصلی توسعه و جلوگیری از فقر و عقب‌مانده‌گی تلقی می‌گردد. در عصر حاضر با پیشرفت علم و تکنالوژی و با صنعتی و زراعتی شدن کشورهای جهان این کشورها به نیروی انسانی و کارگر ماهر و با سواد در مزارع، فابریکه‌ها و صنایع ثقیله و خفیفه بیشتر ضرورت دارند. بنابراین کشورها سعی و تلاش می‌نمایند تا افراد جامعه با سواد شوند؛ زیرا افراد بی‌سواد نمی‌توانند به وجه احسن در مزارع و در فابریکه‌ها در امر توسعه و پیشرفت صنعتی و زراعتی به صورت درست و مفید کار و فعالیت کنند.

سواد وسیله مهم و اساسی برای هر نوع آموزش است. سواد یک عنصر ضروری، برای مشارکت در فعالیتهای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است. واضح

است که شخص بی‌سواد نمی‌تواند پرابلم‌های اجتماعی خود را به صورت بهتر حل نماید. به خود، فامیل و جامعه خود مصدر خدمات شایسته گردد. افرادی که دارای سواد کامل هستند جامعه و محیط ماحول خود را درک می‌کنند و مشکلات خود و جامعه را می‌یابند. گر چه عموماً سواد را به معنای توانایی خواندن و نوشتن می‌دانند، ولی واقعیت این است که سواد به معنای توانایی خواندن، نوشتن و درک متن‌های نوشته‌شده است. درک متن به این معنی است که فرد باید توانایی‌های زبانی خوب و دانش عمومی کافی داشته باشد. این توانایی تنها از طریق درس خواندن در مکتب به‌دست می‌آید.

**فقر و عقب‌مانده‌گی:** یکی از ابتدایی‌ترین پیامدهای بی‌سوادی، فقر است. در جوامع معاصر اکثر کارها و مشاغل ضرورت به سواد و مهارت مسلکی دارد. به این دلیل، اگر کسی سواد نداشته باشد، نمی‌تواند کار مناسب و درآمد کافی داشته باشد. وقتی که اکثر اعضای جامعه بی‌سواد یا کم‌سواد باشد، علاوه بر فقر این افراد، عموم جامعه نیز دچار فقر خواهد شد، چون بخش مهمی از عاید دولت را مالیات، عشر و زکات، خمس و صدقات واجبه و نافله تشکیل می‌دهد.

وقتی که مردم فقیر باشند، دولت نیز دچار کاهش عواید بیت‌المال و مالیات خواهد شد، در نتیجه امکانات عمومی جامعه از قبیل راه، شفاخانه، مکتب، نفقهٔ بیوه‌ها، یتیمان، نابینایان، ناشنوایان، معلولین، علما و کسانی که در خدمت مردم مصروف کار اند مانند: مأمورین دولت، قضات، معلمین، داکتران و غیره که شریعت اسلام مصارف شان را در بیت‌المال مقرر کرده کاسته خواهد شد. پارک‌های تفریحی و مانند اینها کم و فاقد امکانات خواهد گردید. همچنین، کارخانه‌ها و تولیدات در چنین کشوری نمی‌تواند رشد کند. در نهایت، کشور دچار فقر و عقب‌مانده‌گی شدید خواهد شد.



**اعتیاد:** جامعه بی‌سواد به خاطر فقر و جهل بیشتر به دام هیولای اعتیاد گرفتار می‌شود. بی‌سوادی و جهل با فقر و در نهایت اعتیاد رابطه بسیار نزدیکی دارند. لذا سرمایه‌گذاری در بخش تعلیم و تربیت و توجه به کیفیت آموزش بسیار مفید و نتیجه‌بخش است. لازم به یادآوری است که نتایج سوء بی‌سوادی بسیار وسیع و گسترده است و مواردی که ما در این جا بحث کردیم تنها نمونه‌هایی از آنهاست.

#### مروری بر درس

-----

-----

-----

-----

-----

#### سؤالات درس

- ۱- بی‌سوادی چیست؟
- ۲- سواد را تعریف نمایید، در کشور ما چند فیصد زنان و مردان خواندن و نوشتن را یاد ندارند؟
- ۳- بی‌سوادی در کشور ما چه مشکلاتی را به بار می‌آورد؟ توضیح دهید.

#### کار خانه‌گی

یک شخص بی‌سواد را با یک شخص باسواد مقایسه کنید و در این باره چند سطر در کتابچه‌های خود نوشته کرده و در صنف بخوانید.

## مشکلات اجتماعی ما: فقر



### مباحثه نمایید

سؤالات ذیل را با دقت خوانده و جواب بگویید:

- ۱- چرا انسان فقیر می‌شود؟
  - ۲- فقر چه تأثیراتی بر زنده گی انسان می‌گذارد؟
  - ۳- چطور از فقر جلوگیری کنیم؟
- انسان ضرورت به خوراک، پوشاک، مسکن و بسیاری از مواد و وسایل دیگر دارد تا بتواند زنده گی کند. خداوند مهربان همهٔ مواد مورد

ضرورت بشر را در طبیعت قرار داده و به انسان فکر و توان کافی داده که آن‌ها را استخراج و مطابق با احتیاجات خود از آن‌ها استفاده نماید. اگر شرایط به‌طوری فراهم گردد که انسان بتواند از فکر و استعداد خود کارگرفته و منابع طبیعی را برای رفع احتیاجات خویش استخراج و بهره‌برداری نماید، دچار فقر و تنگدستی نمی‌شود ولی اگر انسان تن به تنبلی دهد و یا موانع طبیعی یا اجتماعی دیگری پیش بیاید که نتواند از این نعمت‌های الهی استفاده نماید، فقیر و تنگدست می‌شود.

**فقر چیست؟** فقر عبارت است از نداشتن ضرورت‌های اولیه که انسان به آن‌ها ضرورت دارد. فقر یکی از مصیبت‌هایی است که در طول تاریخ، بشر را رنج داده و می‌دهد. طوری که رسول الله ﷺ می‌فرمایند قریب است که فقر به کفر منتهی شود، بنابراین، جواب به این سؤال که **چرا انسان فقیر می‌شود؟** بسیار مهم است، چون که با پیدا کردن جواب این سؤال می‌توان فهمید که ما چرا فقیر هستیم. گرچه عوامل بسیار زیادی برای فقر وجود دارد که بررسی همه آن‌ها در این جا ممکن نیست، ولی به طور کلی می‌توان آن‌ها را به سه بخش عمومی تقسیم کرد:

## عوامل فردی

عوامل فردی که خود انواع مختلفی دارد، به آن بخش از عوامل گفته می‌شود که ریشه آن در خود فرد است؛ به طور مثال: بعضی از مهم‌ترین عوامل فردی فقر عبارتند از:

- (۱) تنبلی و تن‌دادن به کار و کوشش
- (۲) بی‌سوادی و نادانی که باعث ناتوانی انسان در زنده‌گی می‌گردد.
- (۳) نداشتن مهارت لازم برای انجام دادن کارهای مهم و پرعايد
- (۴) معیوب و ناقص بودن عضو یا اعضای بدن که مانع از کار و تلاش می‌گردد در صورتی که انسان به یک یا چندتا از عوامل فوق مبتلا گردد در تأمین زنده‌گی شخصی خویش دچار مشکل گردیده و فقیر خواهد شد.

## عوامل طبیعی

گرچه خداوند مهربان ضرورت‌های ما را در طبیعت قرار داده است ولی این نعمات به طور مساوی در طبیعت توزیع نشده است؛ به طور مثال:

- (۱) بعضی از زمین‌ها خیلی حاصل‌خیز است و بعضی دیگر حاصل‌چندانی نمی‌دهد؛
- (۲) بعضی از مناطق معادن و منابع گران‌بها دارد؛ مانند: طلا، آهن، نفت و گاز، ولی مناطقی از زمین عاری از این گونه معادن گران‌بهاست. علاوه بر این، بعضی از حوادث طبیعی مانند: سیل، خشک‌سالی و توفان نیز می‌تواند باعث ویرانی‌ها و نابودی اموال و ثروت مردم گردد. با توجه به تفاوت‌های یادشده، کسانی که در مناطق حاصل‌خیز سکونت دارند می‌توانند با زحمت اندک حاصل فراوانی به دست‌آورند. ولی مردمی که در مناطق غیرحاصل‌خیز ساکن هستند باید زحمات زیادی بکشند تا حاصل کمی به دست آورند. همچنین، کشورهایی که معادن طلا، آهن، نفت و گاز در اختیار دارند می‌توانند با فروش آن‌ها تعلیم و تربیت خود را ارتقا دهند، امکانات عمومی را افزایش دهند و صنایع و زراعت خود را توسعه دهند. در حالی که کشورهای دیگر از این گونه نعمات طبیعی محروم‌اند. پس برخورداری از زمین حاصل‌خیز، آب و هوای مناسب و معادن گران‌قیمت باعث ثروت و نداشتن آن‌ها باعث فقر و تنگدستی می‌گردد.

## عوامل اجتماعی

در کنار عوامل یادشده، عوامل اجتماعی نیز در دسترسی و عدم دسترسی انسان به نعمات طبیعی مؤثر است. ثروت و امکانات طبیعی از طریق مکانیزم اقتصادی خاص هر جامعه توزیع می‌شود.

اگر این سیستم عادلانه و عاری از تعصب و تبعیض باشد، افراد بر اساس سهمی که دارند از امکانات و منابع موجود مستفید می‌شوند، ولی اگر نظام اقتصادی و اجتماعی عادلانه نباشد افراد خاصی بیشترین استفاده جویی را از امکانات موجود خواهند کرد و دیگران به دلایل ناموجهی از آن‌ها محروم خواهند شد. جامعه‌یی به رفاه و ثروت دست پیدا می‌کند که هر فردی بر اساس شایسته‌گی‌ها و توانایی‌های خود از امکانات و منابع جامعه مستفید شود. در جامعه عادلانه حتا برای کسانی که به دلایلی چون نقص عضو یا پیری نمی‌توانند کار کنند، نیز سهمی در نظر می‌گیرند و به آن‌ها نیز رسیده‌گی می‌شود.

یکی از عوامل عمده فقر در جامعه استقرار سیاسی و اجتماعی و امنیتی است. جامعه‌یی که از استقرار و آرامش سیاسی برخوردار نبود مردم با مشکلات فراوان امنیتی مواجه گردیده، تمام استعدادهای قوی صرف زد و بندها گردیده تمام برنامه ریزی‌ها در راستای تقویت پایه‌های سیاسی خود و مخالفین منحصر می‌ماند، در نتیجه آحاد جامعه مبتلا به فقر می‌شوند. همان‌سان در صورتی که در جامعه استقرار اجتماعی نبود مردم همواره از شهری به شهر دیگر در فرار و کوچ می‌باشند. این حالت قدرت ابتکارات امور معیشتی را از ایشان می‌گیرد. و اگر از جامعه امنیت رخت بر بست هیچ تصور تقویت بنیه اقتصادی در اذهان شکوفه نمی‌کند.

کشور ما که دارای تاریخ درخشان و طبیعت مملو از منابع طبیعی قیمتی می‌باشد، متأسفانه اکنون یکی از فقیرترین کشورهای جهان به حساب می‌رود. مهم‌ترین عوامل فقر کشور ما در این مرحله تاریخ عبارتند از:

۱) جنگ‌های طولانی: مردم ما برای دفاع از دین و سرزمین خود تقریباً سه دهه به جهاد و جنگ‌های داخلی گرفتار گردید. در این مدت نه تنها هیچ کاری برای رشد، و توسعه کشور صورت نگرفت بلکه سرمایه‌های موجود ملت نیز نابود گردید. زیربنای اقتصادی کشور، از قبیل کارخانه‌ها و تأسیسات اقتصادی در بخش‌های صنعت، زراعت و سایر بخش‌ها به طور عمومی نابود شد.

۲) از بین رفتن نظم و انضباط اداری، اجتماعی و فرهنگی در طی سال‌های بحران: از بین رفتن این نظم و انضباط باعث هرج و مرج در رفتار مردم گردیده و مانع فعالیت‌های اقتصادی باثبات گردید.

۳) بی‌سوادی و نادانی: در طی سال‌های نا امنی مکاتب کشور عمدتاً تعطیل بود و این امر باعث گردید که یک نسل تقریباً به طور کامل بی‌سواد و یا کم‌سواد باقی بماند. فائق آمدن بر این مشکل ضرورت به یک عزم ملی دارد که در رأس آن باید دولت جمهوری اسلامی افغانستان به عنوان نهادی که از قدرت و اراده ملت، نماینده‌گی می‌کند، طرح‌های واقع‌بینانه را آماده نموده و با کمک همه‌جانبه ملت آن را اجرا نماید. تا این ملت که مستحق یک زنده‌گی مرفه و آبرومندانه است، از فقر و تنگدستی که باعث خفت و خواری است، نجات یابد.

### مروری بر درس

- .....
- .....
- .....
- .....
- .....

### سؤالات درس

- ۱- عوامل فردی فقر را نام ببرید.
- ۲- عوامل طبیعی فقر کدام اند؟
- ۳- عوامل اجتماعی فقر را توضیح دهید.
- ۴- چرا کشور ما گرفتار فقر شده است؟
- ۵- چگونه باید فقر را از کشور خود ریشه‌کن نماییم؟

### کارخانه‌گی

اگر بخواهید سطح عاید خانواده خود را بالا ببرید:

- ۱- آیا منابع دیگری در اختیار دارید که بتوانید از آن‌ها استفاده نمایید؟
  - ۲- آیا شغل دیگری را برای بعضی از اعضای خانواده پیشنهاد می‌کنید؟
  - ۳- آیا بعضی از اعضای خانواده ضرورت دارند که مهارت‌های جدیدی را یاد بگیرند؟
- درباره سؤالات فوق با اعضای بزرگ خانواده مشورت نموده و جواب‌ها را در کتابچه خود نوشته و به مکتب بیاورید.



## مشکلات اجتماعی ما: خانه و مسکن

### مقایسه کنید

همه ما ضرورت به مسکن داریم. اکثر ما در خانه و بعضی نیز در خیمه یا غزدی زنده‌گی می‌کنیم. به نظر شما:

۱- چرا انسان به مسکن ضرورت دارد؟

۲- اگر مسکن نداشته باشیم، چه

می‌شود؟

۳- باید چه کنیم که همه ما مسکن

مناسب داشته باشیم؟

انسان حتا در دوره‌های بسیار قدیم

برای خود مسکن انتخاب می‌کرد. او

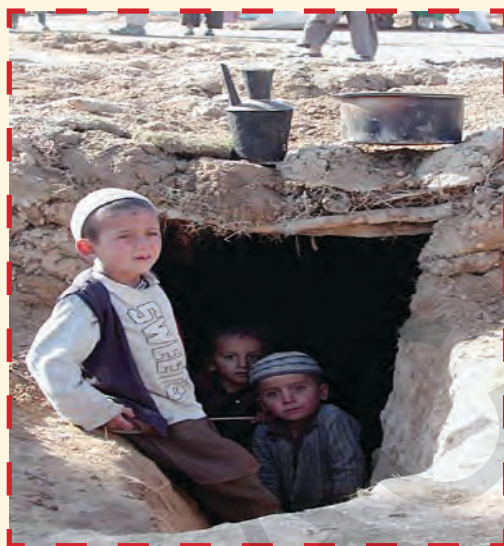
برای حفاظت از سرما و گرما در آن

زنده‌گی می‌نمود. با پیشرفت علم و

تکنولوژی بشر، مسکن نیز تفاوت

کرد و علاوه بر تأمین احتیاجات

ضروری محافظت انسان، جنبه‌های



زینتی نیز مورد توجه قرار گرفت. همچنین، در جوامع مختلف خانه‌ها مطابق با

فرهنگ و ارزش‌های دینی و فرهنگی به طرق متفاوتی ساخته شد.

با وجود پیشرفت‌های زیادی که بشر در عرصه‌های مختلف زنده‌گی به دست

آورده و خانه‌های بسیار مجلل، مجهز و دارای وسایل رفاهی ساخته‌اند.

کمبود مسکن هنوز یکی از مهم‌ترین مشکلات بشر به شمار می‌رود. حتا

در پیشرفته‌ترین کشورهای جهان، تعداد زیادی از خانواده‌ها خانه شخصی

مناسب ندارند و مجبورند هر ماه مبلغ قابل توجهی از عاید خود را برای کرایه

ومصارف خانه بپردازند. ملت ما به دلایل مختلف جزو کشورهایی است که

کمبود مسکن از مشکلات جدی آن به شمار می‌رود. بعضی از مهم‌ترین دلایل کمبود مسکن در شهرهای مهم کشور عبارتند از:

**مهاجرت:** در طی سال‌های جهاد، جمعیت زیادی از دهات و شهرها به کشورهای دور و نزدیک مهاجرت کردند. بعد از سال ۱۳۸۱ هـ. ش. که محیط نسبتاً امنی در کشور به وجود آمد، عده زیادی از هموطنان مهاجر به کشور خود بازگشتند و به جای اقامت در دهات و شهرهای کوچک خود، عمدتاً در پایتخت و سایر شهرهای کلان کشور سکونت گزیدند. اکنون در این شهرها، به خصوص کابل، جمعیت چند برابر بیشتر از ظرفیت آن زنده‌گی می‌کند.

**پروگرام‌های مشخص دولتی:** دولت می‌تواند با تطبیق ماسترپلان دست داشته و نقشه‌هایی که برای شهرها تهیه نموده اند اقدام نماید. دولت باید نخست برای هر شهر نقشه مناسب تهیه نماید و زمین‌ها را به متقاضیان توزیع نماید تا مردم مجبور نشوند به طور خودسرانه و بدون هیچگونه نقشه به ساختن خانه اقدام نمایند. چون در چند دهه گذشته در کشور ما جنگ ادامه داشت و ویرانی‌های زیادی را به بار آورد. باتوجه و کوشش دولت در طی سال‌های اخیر و تلاش‌ها و طرح‌هایی که داشت بازهم نظر به مشکلاتی که موجود بود این مشکل بزرگ اجتماعی تا هنوز حل نگردیده است. مشکل مسکن یک مشکل جدی کشور بوده که با طرح و تطبیق پروگرام‌هایی برای حل این مشکل از جانب دولت و با همکاری مردم صورت گرفته می‌تواند.

**قیمت بودن مواد تعمیراتی:** اکثر مواد تعمیراتی ما از کشورهای همسایه وارد می‌گردد. تولیدات داخلی ما در سال‌های گذشته به شدت آسیب دیده و هنوز بازسازی صورت نگرفته است. مواد تعمیراتی وارداتی نیز به دلیل ناامنی، خرابی راه‌های مواصلاتی و بی توجهی، به شدت گران است. این در حالی است که مردم ما به دلیل بی‌کاری و نابسامانی اقتصادی کشور توانایی خرید مواد قیمتی و ساختن خانه

مناسب را ندارند. علاوه بر شهرها در دهات کشور نیز تعداد زیادی از مردم خانه و سرپناه ندارند.

کسانی که زمین ندارند به طور طبیعی از داشتن خانه نیز محروم‌اند. خانه‌های دهاتی غالباً از امکانات صحتی و رفاهی لازم برخوردار نیستند و تنها مانع حرارت و برودت می‌گردند. بنابراین، مشکل کمبود خانه اختصاص به شهرها ندارد و شامل دهات نیز می‌گردد.

### اکنون چه باید کرد؟

برای حل این مشکل و دسترسی همه هم‌وطنان به مسکن مناسب، هم دولت و هم مردم باید تلاش کنند. کارهایی که دولت باید انجام دهد عبارتند از:

۱- تهیه ماسترپلان برای شهرهای کشور: دولت باید نقشه‌های شهرها را آماده نماید تا مردم بتوانند با قیمت مناسب یا رایگان زمین به‌دست‌آورند و اقدام به اعمار نمایند.

۲- ارائه خدمات عمومی: دولت باید برای همه کشور به خصوص مناطق مسکونی خدمات عمومی، از قبیل آب، سیستم دفع فاضلاب، برق، تلفون، سرک و کوچه پخته فراهم سازد.

۳- ایجاد بلاک‌های مسکونی: یکی از کارهای مهم که باید توسط دولت انجام شود، این است که خانه‌های ارزان ولی مجهز بسازد و به مردم واگذار نماید. یکی از بهترین راه‌های تهیه خانه ارزان تأسیس بلاک‌های مسکونی است. بلاک اگر با طرح و نقشه خوب ساخته شود، امکان زنده‌گی آرام نفوس زیادی را در فضای اندک میسر می‌سازد.

### مرور بر درس



.....

.....

.....

.....

.....

### سؤالات درس



- ۱- مهم ترین دلایل کمبود مسکن را در کشور توضیح دهید.
- ۲- دلایل مهاجرت مردم کشور ما را ذکر کنید؟
- ۳- برای این که مردم خانه‌های خود سر آباد نکنند، دولت کدام کارها را برای مردم باید انجام دهد.
- ۴- دولت و کمپنی‌های خانه‌سازی برای رفع مشکل کمبود خانه مردم کدام کارهای را انجام دهند تا مردم بی‌بضاعت ما صاحب‌خانه (اپارتمان) شوند؟
- ۵- پیشنهاد شما برای رفع کمبود مسکن چیست؟ بنویسید.

### کار خانه‌گی



با همکاری والدین مشکلات اجتماعی در زمینه اسکان را در چند سطر تحریر دارید.

## مشکلات اجتماعی ما: صحت و تندرستی

### مباحثه نمایید

صحت یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی است. سؤالات زیر را به دقت بخوانید و درباره آن‌ها باهم گفتگو کنید :

۱- چرا صحت و سلامتی برای ما اهمیت دارد؟

۲- اگر سلامتی خود را از دست بدهیم،

دچار چه مشکلاتی می‌شویم؟

۳- باید چه کرد که سالم مانده و مریض نشویم؟

مرض همیشه یکی از مهم‌ترین مشکلات بشر بوده است. هر کدام از ما در طول عمر خود بارها به امراض ساده و یا دشوار مبتلا



می‌شویم و سرانجام اکثر ما توسط بیماری‌ها جان خود را از دست می‌دهیم. علاوه بر این، گاهی امراض ساری بر انسان‌ها حمله می‌کند و تعداد زیادی از مردم به سبب آن نابود می‌شوند. انسان‌ها در گذشته بارها گرفتار امراض ساری خطرناک گردیده و به طور گسترده نابود گردیده‌اند. بعضی از مردم توسط وبا و طاعون کاملاً نابود شده‌اند.

ضررهایی که مرض به انسان می‌رساند عبارت اند از:

(۱) ایجاد درد و رنج؛

(۲) مانع شدن از فعالیت روزمره؛

(۳) مصرف پولی که انسان برای معالجه می‌پردازد؛

(۴) مرگ و نابودی انسان؛



۵) کاهش نفوس: در صورتی که مرض ساری باشد و انسان نتواند از آن جلوگیری نماید، مرض می‌تواند نفوس انسانی را در یک منطقه به شدت کاهش داده و یا به کلی نابود کند.

با وجود آن‌که مرض به طور کامل اجتناب‌پذیر نیست ولی امروز بسیاری از مرض‌ها قابل جلوگیری و درمان می‌باشد. طوری‌که رسول الله ﷺ فرموده است: خداوند جَلَّ جَلَّالَهُ هیچ مرضی را پیدا نکرده مگر آنکه برای آن دوائی را نیز آفریده است. پس، از دوا استفاده کنید. بسیاری از امراض که روزانه هزاران نفر را در طی مدت کوتاهی نابود می‌کرد، امروز به آسانی قابل درمان و تداوی می‌باشد.

بنابراین، امروز مسأله مهم‌تر برای ما این است که باید اولاً، شرایط زنده‌گی خود را طوری بسازیم که به مرض مبتلا نشویم و ثانیاً، اگر احیاناً گرفتار مریضی شدیم، باید بتوانیم خود را تداوی کنیم و در اثر امراض قابل علاج نابود نشویم. مردم ما متأسفانه یکی از آسیب‌پذیرترین مردم دنیا در برابر امراض و بیماری‌ها می‌باشند. مهم‌ترین مشکلاتی که مردم ما در این زمینه دارند عبارتند از:

### سوء تغذیه

نخستین شرط صحت انسان این است که خوراک و غذای کامل و صحی داشته باشد. در صورتی که انسان به صورت کامل تغذیه نشود، بدن رشد و فعالیت طبیعی خود را نداشته و در مقابل امراض مقاومت خود را از دست خواهد داد. سوء تغذیه در کشور ما به خاطر فقر شدید، بسیار زیاد است. تا وقتی که مردم از سوء تغذیه رنج ببرند، نمی‌توان امید داشت که آن‌ها صحت کامل داشته باشند.

**استفاده از مواد خوراکی غیرصحنی:** خوراک انسان باید صحنی باشد. اگر انسان از غذای غیرصحنی استفاده نماید دچار انواع امراض می‌شود. در کشور ما به خاطر کمبود وسایل حفظ و نگهداری مواد غذایی، بسیاری از مواد غذایی قبل از آن‌که به دست مردم برسد فاسد و غیرقابل خوردن می‌گردد. این مواد فاسد موجب امراض مختلف در میان مردم می‌گردد. علاوه براین، رستوران‌ها و دست‌فروشان مواد غذایی نیز از سوی وزارت صحت عامه کمتر تحت نظارت قرار می‌گیرند و اغلب آن‌ها اصول صحت و سلامت را مراعات نمی‌کنند.

**محیط و هوای آلوده:** محیط و هوای پاک یکی دیگر از شرایط زنده‌گی سالم است. شهرهای ما به دلیل خاکی و خراب بودن سرک‌ها و کوچه‌ها، از کثیف‌ترین و آلوده‌ترین شهرهای جهان محسوب می‌شود. موجودیت شمار زیاد وسایط نقلیه در شهرها و فعالیت وسایط دود زا، استفاده از تیل‌های بی‌کیفیت و ده‌ها عوامل دیگر باعث آلوده‌گی هوا گردیده که تنفس هوای آلوده بالای صحت و سلامتی کهنسالان، جوانان و اطفال تأثیر منفی گذاشته و ساکنین شهرها را به امراض مختلف مصاب می‌گرداند. طوری‌که اجتماع در انکشاف شهر و فامیل در رشد طفل رول دارد، محیط زیست هم در انکشاف طفل رول دارد. در افغانستان زیاده‌ترین وفیات را اطفال تا سن پنج ساله‌گی دیده است، بیشترین این اطفال از سبب امراض ساری و همچنان در اثر امراض تنفسی، سوء تغذیه، ملاریا و سرخکان از بین می‌رود. اسهال از آب آلوده و مواد آلوده‌یی که در محیط زیست وجود دارد و امراض تنفسی از آلوده‌گی هوا به وجود می‌آید که سبب مرگ و میر اطفال می‌گردد. منبع شیوع ملاریا، آب‌های گندیده استاده بوده که توسط پشه ملاریا به انسان انتقال می‌گردد. به همین قسم منبع سایر امراض ساری محیط زیست ناپاک می‌باشد. دولت و مردم دربارهٔ حفاظت محیط زیست سالم توجه جدی نمایند و مسائل صحت و محیطی و جلوگیری از آلوده‌گی هوا را در اولویت کاری خویش قرار دهند.

**کمبود امکانات صحتی و تداوی:** با وجود همه مشکلاتی که در زمینه صحت داریم، کلینیک‌ها و شفاخانه‌های معیاری نیز در کشور بسیار کم است. اگر سایر امکانات موجود باشد، داکتر متخصص بسیار کم داریم. به همین خاطر است که سالانه هزاران نفر برای تداوی به کشورهای همسایه و منطقه می‌روند. مطابق ماده ۵۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان: دولت وسایل وقایه و علاج امراض و تسهیلات صحتی رایگان را برای همه اتباع مطابق به احکام قانون تأمین می‌نماید.

#### مرور بر درس

- .....
- .....
- .....
- .....
- .....

#### سوالات درس

- ۱- بعضی از امراض ساری را تحریر دارید.
- ۲- کدام ضررها از مرض به انسان می‌رسد؟ فهرست نمایید.
- ۳- چطور می‌توانیم خود را از امراض وقایه کنیم؟
- ۴- سوء تغذیه چیست؟
- ۵- استفاده از مواد خوراکی غیر صحتی چه تأثیری بر بدن دارد؟

#### کارخانه‌گی

هوای آلوده چه تأثیر بر ارگانیزم بدن دارد؟

## مشکلات اجتماعی ما: تولید، قاچاق و اعتیاد به مواد مخدر

### مباحثه نمایید

بعضی از افراد صحت و سلامتی خود و دیگران را با تولید و قاچاق مواد مخدر به خطر می‌اندازند. به نظر شما:

۱- استعمال مواد مخدر چه ضررهایی برای ما دارد؟

۲- آیا مواد مخدر یک مشکل

بزرگ کشور ماست؟ چگونه؟

۳- تولید، قاچاق و استعمال مواد

مخدر چه عواقب فردی و اجتماعی

بی را در پی دارد؟

۴- چگونه می‌توان این مشکل

را از بین برد؟

مواد مخدر امروزیکی از مهم‌ترین

مشکلات کشور ما، منطقه و جهان

به شمار می‌رود.

در سال‌های جنگ و بحران گروه‌های مختلف زمینه فعالیت خود را در افغانستان مساعد دیده و از فقدان کنترل دولت بر مناطق دور دست استفاده نموده و به فعالیت پرداختند. بعضی از جریان‌ها با پشتیبانی و حمایت مافیای قاچاق مواد مخدر، تولید و کشت تریاک را تشویق و ترویج کردند. به این دلیل، امروز کشور ما به بزرگ‌ترین تولیدکننده مواد مخدر در جهان تبدیل شده است.

تولید مواد مخدر در افغانستان توسط مافیای بین‌المللی پشتیبانی می‌شود و آن‌ها محصولاتی را که در افغانستان به دست می‌آورند، به کشورهای اروپایی



و امریکایی قاچاق می‌کنند. مواد مخدر به موادی گفته می‌شود که مصرف آن شعور انسان را دچار اختلال می‌سازد. تریاک یکی از خطرناک‌ترین مواد مخدر است که از آن مواد خطرناک‌تر دیگری چون هرویین ساخته می‌شود. کشت و قاچاق مواد مخدر مشکلات فراوانی را برای دولت و ملت ما به وجود آورده که بعضی از آن‌ها قرار ذیل است:

### **مانع‌شدن از کشت محصولات مفید**

اولین ضرر کشت تریاک این است که دهقانان ما با کشت تریاک، از کشت محصولات مفید و مورد ضرورت جامعه باز می‌مانند. محصولات مفید زیادی وجود دارد که دهقانان می‌توانند با کشت آن‌ها هم مفاد خوبی به دست آورند و هم به جامعه و مردم خود خدمت نمایند. چرا به جای گندم، جو، لوبیا، پنبه و امثال آن‌ها، زمین، سرمایه و نیروی کار خود را به کشت محصولی اختصاص دهیم که زنده‌گی انسان‌های دیگر را با خطر مواجه می‌سازد؟

**اعتیاد:** وقتی تریاک و سایر مواد مخدر در کشور کشت و تولید شود و با قیمت ارزان و به‌آسانی در اختیار مردم قرار گیرد، نوجوانان و جوانان به مصرف آن روی آورده و معتاد خواهند شد. اعتیاد به این مواد انسان را مریض نموده و او را از کار و فعالیت مفید باز می‌دارد و به انحرافات می‌کشاند. زمانی که تعداد معتادان در کشور افزایش یابد، مشکلات زیادی برای خانواده‌ها، دولت و مردم پدید خواهد آمد.

### **تشدید فساد اداری**

از آن جایی که قاچاق مواد مخدر ممنوع است، قاچاقچیان سعی می‌کنند که با خریدن بعضی از مسئولین دولتی (به خصوص اداره پولیس و محاکم)



فعالیت‌های خود را آسان و ممکن سازند. آن‌ها گاهی موفق می‌شوند که بعضی از مسئولین بلندپایه دولتی را با خود هم‌نوا ساخته و از نفوذ آن‌ها استفاده نمایند.

در این صورت است که فساد اداری گسترده و عمیق می‌شود و تلاش‌ها برای کاهش و از بین بردن آن همواره با شکست مواجه می‌شود، زیرا از داخل دولت افراد پرنفوذی از رشد و گسترش فساد حمایت می‌کنند.

### ناامنی و خشونت

زمانی که دولت سعی می‌کند که از قاچاق مواد مخدر جلوگیری به عمل آورد، قاچاقچیان با استفاده از همه امکانات تلاش می‌کنند در مقابل تدابیر دولت ایستاده‌گی نموده و به فعالیت خود ادامه دهند.

یکی از راه‌های ایجاد موانع در راه توسعه و پیشرفت کشور، تشدید فساد اداری است که پیش از این توضیح داده شد. راه دیگر، ایجاد ناامنی و استفاده از خشونت است. با توجه به درآمد زیادی که آن‌ها دارند، با پیشرفته‌ترین سلاح‌های روز مجهزند و در صورتی که شرایط ایجاب نماید، از آن‌ها علیه نیروهای دولتی و مردم استفاده می‌نمایند. بدین ترتیب، مواد مخدر ارتباط بسیار نزدیکی با ناامنی و دهشت افکنی دارد.

## مرور بر درس



.....

.....

.....

.....

.....

## سؤالات درس



- ۱- مواد مخدر چیست؟
- ۲- ضررهای مواد مخدر را بیان دارید.
- ۳- با کشت تریاک دهقانان ما از زرع کشت کدام محصولات زراعتی محروم می‌گردند؟
- ۴- درمورد ناامنی و خشونت چند سطر تحریر دارید؟
- ۵- اعتیاد چیست؟ در زمینه معلومات دهید؟

## کارخانه‌گی



پیشنهادهات خود را برای از بین بردن مواد مخدر در چند سطر بنویسید.

## مشکلات اجتماعی ما: نا امنی، اختلافات سیاسی و اجتماعی

### مباحثه کنید

سؤالات ذیل را با دقت بخوانید و جواب دهید:

- ۱- مشکلاتی را که مردم ما به خاطر ناامنی تحمل می‌کنند، نام بگیرید؛
- ۲- چه عواملی باعث ناامنی می‌شوند؟
- ۳- برای آن‌که جامعه‌یی با امن داشته باشیم باید چه کارهایی را انجام دهیم؟



ما در جامعه به فعالیت‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ضرورت داریم. این فعالیت‌ها در صورتی امکان‌پذیر است که امنیت کافی وجود داشته باشد، و اگر امنیت کافی برای کار و فعالیت وجود نداشته باشد، افراد، سازمان‌ها و نهادها از کار و فعالیت عادی باز می‌مانند.

قبل از هر چیز لازم است که مفهوم امنیت را توضیح دهیم. امنیت به وضعیتی در جامعه گفته می‌شود که مردم احساس آرامش و اطمینان خاطر کنند و از هیچ کس یا سازمانی تهدید نشوند. به طور مثال: اگر کسی شغلی دارد و هیچ چیزی کار او را تهدید نمی‌کند، او امنیت کاری دارد؛ یا اگر مردم بدون احساس ترس و تهدید به کار و زنده‌گی خود می‌پردازند و دربارهٔ جان و مال خود از کسی نمی‌ترسند، آن‌ها امنیت جانی و مالی دارند. پس معلوم می‌شود که امنیت انواعی دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: امنیت جانی، روانی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی.

در یک تقسیمات عمومی می‌توان گفت که امنیت به دو نوع روانی و فیزیکی

تقسیم می‌شود. امنیت روانی زمانی حاصل می‌شود که امنیت کامل وجود داشته باشد و امنیت فیزیکی کم‌ترین حد امنیت است. اگر امنیت فیزیکی تهدید شود جان مردم به خطر می‌افتد و در این صورت امنیت روانی نیز وجود نخواهد داشت.

### عوامل ناامنی

ناامنی زمانی رخ می‌دهد که قواعد اجتماعی و قوانین رسمی به دلایلی پشتوانه اخلاقی و مردمی خود را از دست داده باشد و عده‌یی از این فرصت سوء استفاده نموده و مال و جان مردم را هدف قرار دهند. ناامنی می‌تواند عوامل متعدد و گوناگونی داشته باشد.

از مهم‌ترین عوامل ناامنی می‌توان عوامل ذیل را نام برد: جنگ (داخلی یا خارجی)، دهشت افکنی، قاچاق مواد مخدر، سرقت‌های مسلحانه و پلان شده، اختلافات سیاسی، قومی و ایدئولوژیکی و فرکسیون بازی. فعلاً مهم‌ترین عامل ناامنی در کشور ما دهشت افکنی است. در این درس اندکی درباره دهشت افکنی بحث می‌کنیم.

### دهشت افکنی

هر گونه عمل سازمان یافته‌یی که باعث وحشت، ترس و ناآرامی مردم گردد و اهداف سیاسی را دنبال کند، دهشت افکنی نامیده می‌شود.

بنابراین تعریف، تمام فعالیت‌های نظامی و تبلیغات گروه‌هایی که می‌خواهند از این طریق بر دولت فشار وارد نموده و به اهداف سیاسی خود برسند، دهشت افکنی نامیده می‌شود.

دهشت افکنی و ناامنی پیامدهای بسیار بدی برای کشور و ملت ما دارد که بعضی از آن‌ها از این قرار است:

• **کشتار مردم:** دهشت افکنان برای رسیدن به اهداف سیاسی خود حاضراند که مردم بی‌گناه را به قتل برسانند.

• **تخریب و ویرانی کشور:** ناامنی باعث می‌شود که مردم و مؤسسات مختلف دولتی و خصوصی به سقوط مواجه شوند. علاوه براین، عملیات دهشت افکنی همان‌گونه که جان مردم را تهدید می‌کند به اموال و ساختمان‌های خصوصی و

دولتی نیز ضرر وارد می‌کند و هر روز به جای آنکه کشور آباد شود، ویران می‌شود.

• **تضییع وقت:** وقت برای انسان بسیار مهم است و نباید آن را ضایع کرد. امروزه کشورها در زمان کوتاه به پیشرفت‌های بزرگی دست می‌یابند، در حالی که مردم ما به دلیل ناامنی و فعالیت‌های خراب کارانه دهشت افکنان علاوه بر نابودی ثروت‌های موجود خود، سال‌ها وقت خود را بدون هیچ‌گونه پیشرفتی از دست می‌دهند. اکنون وظیفه دولت و ملت است که با تمام توان تلاش کنند. امنیت کافی را به خاطر کار و فعالیت تأمین نمایند.

#### مرور بر درس

.....•

.....•

.....•

.....•

.....•

#### سؤالات درس

- ۱- امنیت در کار کدام معنا را افاده می‌کند؟
- ۲- دهشت افکنی چیست؟
- ۳- عوامل ناامنی‌ها در کشور ما چیست؟ بیان دارید.
- ۴- دهشت افکنی چه نتایج برای کشور ما دارد؟

#### کارخانه‌گی

مشکلاتی را که مردم ما به خاطر ناامنی تحمل می‌کنند، نام ببرید. در این باره چند سطر بنویسید و در صنف بخوانید.



## مشکلات اجتماعی ما: ماین‌ها و مواد منفجر ناشده

### فکر کنید و جواب دهید

در کشور ما سال‌ها جهاد وبعد جنگ وجود داشت. هر گروهی برای محافظت از نیروهای خود اطراف پایگاه‌های خود را ماین کاشتند. اکنون بعد از چندین سال هنوز تعداد زیادی از این مواد به صورت منفجر ناشده باقی مانده و جان مردم را تهدید می‌کند. به سؤالات زیر جواب دهید:



۱- آیا شما تا حال ماین یا سایر مواد منفجره را دیده‌اید؟

۲- اگر احیاناً با ماین مواجه شوید چه کار می‌کنید؟

۳- برای جلوگیری از خطر ماین‌ها باید چه کنیم؟

کشورهایی که جنگ را پشت سر می‌گذارند، تا سال‌ها پس از جنگ نیز مشکلات ناشی از جنگ را تحمل می‌کنند. یکی از مهم‌ترین مشکلات جنگ‌های امروزی ماین‌ها و مواد منفجره باقیمانده از جنگ است که هر روز ممکن است جان‌دها و صدها انسان را بگیرد. در کشور ما میلیون‌ها ماین منفجرناشده از دوران جهاد وبعد از جنگ باقی‌مانده و سالانه تعداد زیادی از هموطنان ما جان خود را در اثر برخورد با ماین‌ها از دست می‌دهند. در طی این سال‌ها فعالیت‌های زیادی جهت جمع‌آوری ماین‌ها و سایر مواد انفجاری منفجرناشده انجام شده است. متأسفانه تعداد زیادی از هموطنان ما در این راه جان خود را از دست داده‌اند. اما علیرغم

همه این تلاش‌ها، هنوز تعداد زیادی از این مواد جمع‌آوری نشده و جان مردم را به‌خصوص در مناطق دوردست کشور، تهدید می‌کند. اکنون باید چه کنیم که از خطرات ماین‌ها محفوظ بمانیم؟ کارهای زیادی باید در این راه صورت گیرد که مهم‌ترین آن‌ها قرار زیر است:

- یکی از کارهای اساسی این است که دولت باید تلاش کند تا هر چه زودتر ماین‌ها و سایر مواد انفجاری باقی‌مانده از دوران جنگ را جمع‌آوری نمایند و مردم را از تهدیدهای احتمالی آن حفظ کند. خوشبختانه، مؤسسات ماین‌پاکی چندین سال است که با جدیت تلاش می‌کنند تا ماین‌ها را پاک کنند و در این کار تاحد زیادی هم موفق بوده‌اند. ولی با وجود این هنوز ماین‌های زیادی باقی مانده که ضرورت به پاک‌کردن دارد.

- کار مهم دیگر، آگاهی مردم از انواع ماین‌ها و آشنایی با چگونگی برخورد با آن‌ها است. کسانی که در مناطق آلوده با مواد منفجرناشده سکونت دارند، باید انواع ماین‌ها را بشناسند، خطرات ناشی از آن‌ها را بدانند و طرق برخورد با آن‌ها را یادگیرند تا بتوانند از خود در برابر آن‌ها محافظت نمایند.

مؤسسه ماین‌پاکی سازمان ملل که برای جمع‌آوری ماین‌های باقیمانده از دوران جنگ کار می‌کند، در این زمینه توصیه‌هایی را ارائه کرده است که توجه به آن‌ها برای همه ارزشمند است:

### بحث نمایید

#### مهمات منفجرناشده چیست؟

به پارچه ناشناخته فلزی پلاستیکی یا چوبی دست نزنید، ممکن است مهمات منفجرناشده یا نوعی از ماین باشد. مواد منفجره که انفجار نکرده باشند، به نام مهمات منفجرناشده یاد می‌شود. مهمات منفجرناشده شامل راکت، نارنجک، بمب‌ها و غیره می‌باشد. مهمات منفجرناشده از فلزات، چوب، پلاستیک ساخته شده است؛ و مطابق آب و هوا رنگ آن‌ها تغییر می‌کند. مهماتی که از فلزات ساخته اند، به اثر تغییرات اقلیمی زنگ می‌زنند و شناخت آن‌ها بسیار مشکل می‌شود. بنابراین در ساحاتی که

آنها را نمی‌شناسیم به بزرگان محل و یا دفتر ماین پاکی احوال بدهیم تا آنها را از بین ببرند. مهمات منفجر نشده اکثراً در روی زمین قرار دارند. و جلوگیری از خطرات آنها آسانتر است. در حالی که ماین‌ها اکثراً در زیر زمین قرار دارند جلوگیری از آنها مشکلتر است. اما مهمات منفجر نشده می‌توانند بیشتر از ماین‌ها باعث تلفات یا زخمی‌شدن انسانها و حیوانات شوند. به اساس مقوله **حب الوطن من الایمان** وطن بر هر فرد کشور ما حق دارد. وطن به منزله مادر است طوری که اولاد، مادر و پدر خود را دوست دارند باید افراد جامعه نیز وطن خود را دوست داشته باشند.

خطر ماین و مواد منفجر نشده کشور را تهدید می‌کند. بنابراین بر همه اتباع کشور لازم است که ماین را کشت نکنند و همچنان هرگاه مواد منفجر نشده را دیدند به آن دست نزنند بلکه: به مقام ذیصلاح اطلاع دهند به این ترتیب وظیفه ایمانی و وطنی را ادا نمایند.

### مروری بر درس

.....

.....

.....

.....

.....

### سؤالات درس

- ۱- مهمات منفجر نشده چیست؟
- ۲- چرا ماین‌های کشت شده و مهمات منفجر نشده روی زمین باقی مانده است؟
- ۳- ماین‌ها و مهمات منفجر نشده چه خطراتی را در قبال دارد؟
- ۴- وقتی با ماین برخورد می‌نمایم چه کاری باید انجام دهیم؟
- ۵- چگونه می‌توانیم از خطرات مهمات منفجر نشده در امان باشیم؟

### کارخانه گی

درباره این‌که چگونه می‌توانیم از خطرات مهمات منفجر نشده و ماین‌ها در امان باشیم چند سطر تحریر نموده و آن را در صنف بخوانید.

## خلاصه فصل پنجم

- انسان‌ها مدت‌ها بر روی زمین زنده‌گی کردند ولی خواندن و نوشتن را نمی‌دانستند. در آن زمان تجارب نسل‌های گذشته به صورت عملی و شفاهی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌گردید.
- فقر عبارت است از نداشتن ضرورت‌های اولیه که انسان به آن‌ها نیاز دارد. فقر یکی از مصیبت‌هایی است که در طول تاریخ، بشر را رنج داده و می‌دهد.
- جامعه‌یی به رفاه و ثروت دست پیدا می‌کند که هر فردی بر اساس شایسته‌گی و توانایی‌های خود از امکانات و منابع جامعه مستفید شوند.
- با وجود پیشرفت‌های زیادی که بشر به دست آورده، کمبود مسکن هنوز یکی از مهمترین مشکلات بشر به شمار می‌رود.
- مرض همیشه یکی از مهم‌ترین دشمنان بشر بوده است، هر کدام از ما در طول عمر خود بارها به امراض ساده و دشوار مبتلا می‌شویم و سرانجام توسط مرض جان خود را از دست می‌دهیم.
- نخستین شرط صحت انسان این است که خوراک و غذای کامل متوازن و صحی داشته باشد، خوراک انسان باید صحی باشد.
- ما در جامعه به فعالیت‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی اشتغال داریم. این فعالیت‌ها در صورتی امکان پذیر است که امنیت کافی وجود داشته باشد.

# فصل اول

## اجتماعی شدن چیست؟

در این فصل درس‌های زیر را می‌آموزیم:

- اجتماعی شدن چیست؟
- عوامل اجتماعی شدن (۱)
- عوامل اجتماعی شدن (۲)
- دوره‌های زندگی.



# اهداف فصل

- توقع می‌رود که شاگردان عزیز، بعد از خواندن این فصل:
- معنی و اهمیت اجتماعی شدن را بدانند؛
  - در برقرار نمودن روابط اجتماعی، مهارت بیشتری پیدا نمایند؛
  - به پذیرش ارزش‌ها و قواعد اجتماعی علاقمند شوند؛
  - عوامل اجتماعی شدن و چگونه‌گی تأثیرگذاری آن‌ها را بر افراد بدانند؛
  - با مراحل زنده‌گی انسان و قواعد مهم آن‌ها آشنا شوند.

## اجتماعی شدن چیست؟

## مباحثه کنید

می‌دانید که مردم در جوامع مختلف آداب، رسوم و رفتارهای متفاوتی دارند. با توجه به این مطلب، به سؤالات زیر جواب دهید:

۱- آیا شما مردمی را می‌شناسید که در سلام دادن و احوال‌پرسی از کلمات مختلف استفاده کنند؟



۲- به نظر شما چرا آن‌ها مثل شما رفتار نمی‌کنند؟

آیا می‌دانید چرا تفاوت‌ها در بین جوامع مختلف وجود دارد؟

اگر از دهکده یا شهر خود به شهرها یا کشورهای دیگری مسافرت کرده باشید، حتماً ملاحظه کرده‌اید که

مردم در شهرها و کشورهای مختلف:

- به زبان‌های مختلف سخن می‌گویند؛
- لباس‌های متفاوتی می‌پوشند؛
- غذاهای مختلفی را می‌خورند؛

• رفتارهای مختلفی را در یک نوع موقعیت‌ها از خود نشان می‌دهند.

با دیدن این تنوع و تفاوت‌ها، این سؤال در ذهن انسان پیدا می‌شود که چرا مردم در جوامع مختلف به شیوه‌های متفاوتی رفتار می‌کنند؟ در جواب به این سؤال باید گفت که هر جامعه‌ی فرهنگی خاص خود را دارد. در فرهنگ دستورالعمل‌های قبول شده‌ای برای رفتار افراد وجود دارد که اعضای جامعه بر طبق آن‌ها عمل می‌کنند. از اینرو، در کشورهای مختلف آداب، رسوم و

رفتارهای متنوعی دیده می‌شود.

همه عرصه‌های اجتماعی، مانند: خانواده، مکتب، کوچه، اداره و مانند اینها، دارای دستورالعمل‌های خاصی‌اند. به طور مثال: دستورالعمل‌های صنف را در نظر بگیرید:

(۱) ساکت باشیم؛

(۲) در جای خود بنشینیم؛

(۳) به سخنان معلم گوش بدهیم؛

(۴) برای همصنفان خود مزاحمت ایجاد نکنیم؛

(۵) نکته‌های مهم سخنان معلم را یادداشت نماییم.

این‌ها مهم‌ترین نمونه‌های رفتار شاگردان است که باید در صنف آن‌ها را مراعات نموده و بر اساس آن‌ها عمل نمایند. از معلم نیز توقع می‌رود که از نمونه رفتار خاصی پیروی کند تا بتواند به خوبی نقش خود را به عنوان معلم بازی نماید. به طور مثال، از معلم انتظار می‌رود که:

(۱) لباس منظم و پاکیزه بپوشد؛

(۲) با شاگردان مهربان باشد؛

(۳) برای درس به خوبی آماده‌گی بگیرد؛

(۴) درس را به خوبی تشریح کند؛

(۵) از بهترین روش‌های تدریس استفاده نماید؛

(۶) در برخورد با شاگردان، بین آن‌ها فرق نگذارد؛

(۷) نظم صنف را برقرار و حفظ نماید.

**سیر اجتماعی شدن در مراحل نخستین زنده‌گی:**

زمانی که خیلی کوچک هستیم با بسیاری از قواعد اجتماعی آشنایی نداریم. به تدریج که بزرگ می‌شویم با آن‌ها زیاد تر آشنا شده و در جاهای مختلف طوری رفتار می‌کنیم که دیگران از ما توقع دارند. این نمونه‌های رفتار را جامعه‌شناسان **قواعد**

اجتماعی می‌نامند. ما از دوران کودکی به طور ناخودآگاه شروع به یادگیری قواعد اجتماعی می‌کنیم و از این طریق اجتماعی می‌شویم. اجتماعی شدن یکباره و در مدت کوتاه انجام نمی‌شود بلکه از ابتدای تولد شروع می‌شود. در سال‌های اول زنده‌گی حجم زیادی از مطالب را می‌آموزیم: قواعد لباس پوشیدن، غذا خوردن، پاک‌نگه داشتن خود و محیط، سخن گفتن، آداب معاشرت و مانند اینها. اما به تدریج که بزرگ می‌شویم، شرایط ما تغییر می‌کند و ما باید یاد بگیریم که در شرایط سنی و شغلی جدید چگونه رفتار نماییم. مثلاً: وقتی به سن نوجوانی می‌رسیم از ما توقع می‌شود که بعضی از کارها را انجام دهیم که پیش از آن انجام نمی‌دادیم و یا بعضی از کارها را که قبلاً انجام می‌دادیم، دیگر انجام ندهیم. یا وقتی که تازه فارغ التحصیل می‌شویم و در اداره یا کارخانه‌یی مشغول کار می‌شویم، باید یاد بگیریم که در آن محیط جدید چگونه عمل نماییم.

### دانستنی‌های زنده‌گی:

بعضی از مهم‌ترین اموری را که در طی جریان اجتماعی شدن یاد می‌گیریم، عبارتند از:

**ارزش‌ها و قواعد اجتماعی:** اعضای جامعه از طریق اجتماعی شدن با ارزش‌ها و قواعد جامعه خویش آشنا می‌شوند. آن‌ها می‌آموزند که ارزش‌ها و قواعد اجتماعی در جوامع مختلف کم‌وبیش تفاوت دارند و اعضای جامعه باید یاد بگیرند که در جامعه خود چه چیزهایی را خوب و چه چیزهایی را بد تلقی کنند؛ یا چه کارهایی را انجام دهند و کدام کارها را نباید انجام دهند.

**مهارت‌های کاری:** زنده‌گی اجتماعی مستلزم مهارت‌های خاصی است. اما این مهارت‌ها، که بعضی ساده و بعضی دیگر پیچیده است، باید یاد گرفته شود ما بدون یادگرفتن قادر به انجام دادن آن‌ها نخواهیم بود. و آن‌ها را در جریان زنده‌گی یاد می‌گیریم.

**چگونه‌گی ارتباط با دیگران:** ارتباط برقرار کردن با دیگران یک ضرورت

زنده‌گی اجتماعی ماست. موفقیت در برقراری ارتباط با دیگران باعث موفقیت در زنده‌گی اجتماعی ما می‌گردد. مثلاً: زنده‌گی اجتماعی بر ما الزام می‌دارد که با دوستان خود رفتار عاطفی داشته باشیم ولی با بیگانگان رفتار عادی و غیرعاطفی. وقتی کسی برای ما نیکی می‌انجام می‌دهد باید از او تشکر و سپاسگزاری کنیم ولی اگر حق ما را تلف می‌سازد، باید اظهار ناراحتی و مخالفت نماییم.

### مروری بر درس



- .....•
- .....•
- .....•
- .....•
- .....•

### سوالات درس



- ۱- چرا مردم در کشورهای مختلف رسم‌های مختلف دارند؟
- ۲- مردم در جوامع مختلف در کدام مسائل از همدیگر تفاوت دارند؟
- ۲- نمونه‌های رفتار معلم را در صنف بیان کنید.
- ۳- ما (قواعد) جامعه را چگونه یاد می‌گیریم؟
- ۴- ما از طریق اجتماعی‌شدن چه چیزهایی را یاد می‌گیریم؟
- ۵- ارتباط برقرار کردن با دیگران چه اهمیت دارد؟
- ۶- رفتار عاطفی انسان چگونه می‌باشد؟ برای روشن شدن مفهوم آن یک مثال ذکر نمایید.

### کارخانه‌گی



- یک طفل دو ساله را با یک نوزاد مقایسه کنید و ملاحظه کنید که:
۱. طفل دو ساله چه چیزهایی را یاد دارد که نوزاد یاد ندارد. (به طور مثال: سخن گفتن، راه رفتن، بازی کردن، خندیدن، شناختن اعضای خانواده، و ...)



## عوامل اجتماعی شدن (۱)

در درس گذشته خواندیم که انسان با یادگرفتن قواعد زنده‌گی اجتماعی، شخصیت اجتماعی پیدا می‌کند و دانستنی‌های لازم برای زنده‌گی در یک جامعه را کسب می‌کند. در این درس می‌خواهیم این مطلب را با توضیح بیشتری درباره عوامل اجتماعی

شدن تعقیب نماییم.

### مقایسه کنید



خانواده و گروه همبازی از جمله عوامل مهم اجتماعی شدن به شمار می‌روند. به نظر شما:

۱- طفل چه چیزهایی را در محیط خانواده و چه چیزهایی را در گروه همبازی یاد می‌گیرد؟

۲- از لحاظ اجتماعی شدن، خانواده اهمیت بیشتری دارد یا گروه همبازی؟ چرا؟

### خانواده

خانواده گروهی است که اعضای آن به خاطر داشتن پیوندهای نسبی و سببی، روابط صمیمی، پایدار و مستحکمی باهم دارند. کودک در خانواده چشم به جهان می‌گشاید. اعضای خانواده، اولین افرادی‌اند که او می‌شناسد. کودک در سال‌های اول زنده‌گی خود آماده‌گی زیادی برای یادگرفتن و عادت کردن و ارزش‌ها و قواعد اجتماعی دارد، زیرا او در بدو تولد مانند یک صفحه سفید از هر نوع آگاهی، مهارت و گرایش خالی است و این خانواده است که در این سال‌های حساس، ارزش‌ها و قواعد اجتماعی را به کودک یاد می‌دهد. به طور مثال، ما در خانواده یاد می‌گیریم که:

- چگونه سخن بگوییم؛
- چگونه نظافت شخصی و محیطی خود را مراعات نماییم؛

- به والدین و اعضای بزرگ خانواده خود احترام نماییم؛
- اعضای خانواده خود را دوست داشته باشیم؛
- چگونه با مردم معاشرت داشته باشیم؛
- خوب و بد را از یکدیگر تشخیص دهیم؛
- به ارزش‌ها و اعتقادات دینی عمل نماییم؛

خانواده بعضی از آداب و شیوه‌های زنده‌گی را طبق برنامه و به صورت عمدی به نسل جدید آموزش می‌دهد، ولی بعضی از آن‌ها ناآگاهانه و به صورت غیر ارادی آموخته می‌شود. به طور مثال، اخلاق والدین می‌تواند به طور نمونه‌های اخلاقی به کودکان منتقل شود، در حالی که آن‌ها ممکن است اصلاً نخواهند که کودکان‌شان آن‌ها را یاد بگیرند. بنابراین، اگر والدین افرادی خوش‌خلق و خوش‌رفتار باشند، فرزندان آن‌ها نیز به احتمال زیاد افرادی خوش‌خلق بار خواهند آمد. ولی اگر برعکس، آن‌ها افرادی تند خو باشند فرزندان نیز این روش رفتار آن‌ها را خواهند آموخت چون والدین مهم‌ترین الگوهای شخصیتی فرزندان به شمار می‌آیند. در کنار والدین دیگر افراد خانواده و خویشاوندان نزدیک کودکان که همواره با آن‌ها رفت و آمد دارند و یا در تماس دایم می‌باشند بر شخصیت کودکان تأثیر مستقیم دارند. مخصوصاً افرادی همچون برادران بزرگتر، کاکا، پسران کاکا، عمه و خاله، مادر کلان‌ها و پدر کلان‌ها و امثال آن‌ها که معمولاً سروکار کودک با آن‌ها زیاد می‌باشد در ساختار شخصیت کودک به طور مستقیم اثر می‌گذارند.

به دلیل آن‌که در هر کشوری فرهنگ‌های کوچک طبقاتی، قومی و عنعنوی وجود دارد و این فرهنگ‌های کوچک توسط خانواده حفظ گردیده و اشاعه می‌یابد، نسل جدید توسط خانواده به فرهنگ‌های کوچک خاصی وصل می‌شود. بنابراین، خانواده در شکل‌دادن شخصیت کودکان، تعیین ارزش‌ها و توقعات آن‌ها رول به‌سزایی دارد. اما باید توجه داشت که تأثیرات خانواده، اجتماع و محیط بر انسان به معنی سلب اختیار از او نمی‌باشد. در حقیقت محیط خانواده و سروکار داشتن با خویشاوندان نزدیک نخستین عامل سازنده شخصیت کودک به شمار می‌رود. در محیط افغانی شخصیت مادر در جهت دادن اخلاق و رفتار کودک از هر فرد خانواده بیشتر اثرگذار می‌باشد.

## گروه همبازی

اطفال به تدریج از محیط خانواده پا را بیرون می‌گذارند و با کودکان همسال خویش به بازی و تفریح می‌پردازند. کودکان در بازی‌ها رول‌های اجتماعی را ایفا می‌کنند و از این طریق با رول‌های مهم اجتماعی، از قبیل رول‌های پدر، مادر، معلم، پولیس و مانند اینها آشنا می‌شوند. کودکان با بازی کردن این نقش‌ها با نقش‌های مهم اجتماعی آشنا گردیده و برای ایفای این رول‌ها در آینده، آماده می‌شوند.

علاوه بر این، کودکان از طریق بازی‌ها یاد می‌گیرند که چگونه با یکدیگر ارتباط برقرار کنند، چگونه مخالفت کنند، چگونه موافقت نمایند، چگونه نزاع کنند و چگونه صلح نمایند. این امور ممکن است به ظاهر ساده به نظر آید ولی برای زنده‌گی اجتماعی بسیار مهم است.

کودکان هم‌سن و هم‌بازی نفوذ عمیقی بر شخصیت و رفتار یکدیگر می‌گذارند. آن‌ها از یکدیگر مدل لباس، اصطلاحات خاص و رفتارهای ویژه را یاد می‌گیرند و با صحبت‌هایی که با هم می‌کنند نوع و سطح آرزوها و آمال خود را تعیین می‌کنند.

علاوه بر این، در میان همسنان کسانی هستند که رول رهبری را بازی می‌کنند و دیگران از شخصیت، رفتار و اخلاق آن‌ها پیروی می‌کنند. این گونه افراد تأثیر بیشتری بر سایر همسنان خود می‌گذارند.

با توجه به تأثیرات عمیق و گسترده‌یی که همسنان می‌توانند بر ما بگذارند، باید سعی نماییم دوستان خود را آگاهانه و از روی شناخت انتخاب نماییم. هیچ‌گاه دنبال دوستان بد نرویم و از افکار و اعمال نادرست آن‌ها هیچ‌گاه پیروی ننماییم. پیامبر بزرگ اسلام به این نکته توجه نموده و با صراحت پیروان خویش را متوجه موضوع مهم می‌سازد و می‌فرماید: (هر شخص بر دین دوست خود می‌باشد و بایستی هر یک از شما متوجه باشد که با چه کسی پیمان دوستی می‌بندد).

## مروری بر درس



.....

.....

.....

.....

.....

## سؤالات درس



- ۱- خانواده از لحاظ اجتماعی شدن چه اهمیتی دارد؟
- ۲- روابط بین اعضای خانواده چگونه است؟ توضیح دهید.
- ۳- انسان در کدام دوره زندگی برای یادگرفتن آماده‌گی بیشتری دارد؟
- ۴- ما در خانواده چه چیزهایی را یاد می‌گیریم؟
- ۵- خانواده چگونه شخصیت ما را می‌سازد؟
- ۶- چه کسی در خانواده بیشتر از همه در شخصیت کودکان اثرگذار می‌باشد؟
- ۷- غیر از والدین دیگر کدام افراد خانواده در ساختار کودک تأثیر گذارند؟
- ۸- ما از همبازی‌ها و همسنان خود چه چیزهایی را یاد می‌گیریم؟
- ۹- کودکان در اثر ارتباط با همسنان شان کدام رول‌ها را یاد می‌گیرند؟
- ۱۰- در رابطه به انتخاب همبازی‌ها و دوستان صمیمی‌خویش چه مسؤولیتی متوجه ما می‌باشد؟

## کارخانه‌گی



با مشوره با همدیگر و بعضی بزرگان یک مقاله درباره تأثیرات خانواده بر شخصیت کودکان بنویسید که از دو صفحه کمتر نباشد.

## عوامل اجتماعی شدن (۲)

در درس گذشته دو عامل از عوامل اجتماعی شدن را شناختیم و در این درس با بعضی دیگر از عوامل اجتماعی شدن آشنا خواهیم شد.

### مباحثه کنید



مکتب و رسانه‌های جمعی  
دو عامل دیگر اجتماعی شدن  
هستند. به نظر شما:

۱- در مکتب چه چیزهایی  
را می‌آموزیم؟

۲- از رسانه‌ها چه چیزهایی  
را یاد می‌گیریم؟

۳- از میان عوامل  
اجتماعی کردن، کدام یک  
مهم است؟ چرا؟

### مکتب

در عصر حاضر تقریباً همهٔ کودکان در سن هفت ساله گی به مکتب می‌روند. امروز، علوم و تخصص‌هایی مورد نیاز است که خانواده نمی‌تواند آن‌ها را به اطفال آموزش دهد، لذا این وظیفه را مکتب به عهده گرفته است. مکتب به کودکان مهارت خواندن، نوشتن و حساب کردن را یاد می‌دهد. همچنین، کودکان در مکتب مسائل مهم زنده گی اجتماعی، اعم از عقاید، مناسک دینی، تاریخ، جغرافیا، کیمیا، فزیک و ریاضی را می‌آموزند. مکتب اولین محیط رسمی است که کودک با آن مواجه می‌شود. طفل در مکتب با رول‌های رسمی سروکار



پیدا می‌کند. برخورد های افراد در مکتب عاطفی نیست بلکه روابط در اینجا رسمی و بیشتر غیرعاطفی است.

بنابراین، علاوه بر اموری که به طور آگاهانه در مکتب به شاگردان تعلیم داده می‌شود، امور زیادی وجود دارد که ناآگاهانه به شاگردان یاد داده می‌شود. به طور مثال: شاگردان در ضمن پروگرام های روزانه مکتب، یاد می‌گیرند که:

(۱) نظم را مراعات نمایند؛

(۲) نظافت را رعایت کنند؛

(۳) نوبت را رعایت نمایند؛

(۴) از اوامردارۀ مکتب اطاعت کنند؛

(۵) وقت شناس باشند؛

(۶) در درس خواندن و سایر کارهای خوب با دیگران رقابت کنند؛

(۷) برای رسیدن به موفقیت تلاش نمایند؛

در کنار مکتب مساجد نیز در بالابردن توانایی های اجتماعی کودکان نقش عمده و سازنده دارد. کودکان از طریق تعلیمات مسجد می آموزند که با اشیاء و جاهای مقدس برخورد متفاوت داشته باشند، با مظاهر و شعایر دینی خود بیشتر از مظاهر بقیۀ زنده گی احترام بگذارند. اساساً گرایش های ایمانی در کودکان از مرحله تعلیم مسجد در وجود آنها تخم افشانی می شود و از سوی دیگر اشتراک در نمازهای جماعت نیز انگیزه های ایمانی را بارور تر می گرداند و رابطه کودک را با مردمی که به مسجد رفت و آمد دارند غنامندی می بخشد. پس از مسجد، محله و مجتمع هم در زنده گی یک کودک شدیداً اثرگذار است. بنابراین مراسم اجتماعی و برنامه های عمومی ای که قسمتی از ساکنین شهر را گرد هم می آورد بر شخصیت کودکان نیز تأثیر می گذارد.

## رسانه‌های جمعی

در گذشته مردم اطلاعات خود را بیشتر از طریق ارتباطات شخصی و فرد به فرد به دست می‌آوردند ولی امروز رسانه‌های جمعی اطلاعات را با سرعت چشم‌گیری به جمعیت کثیری از مردم می‌رساند. رسانه‌های جمعی شامل وسائل زیر می‌شود:

رادیو، تلویزیون، اینترنت، روزنامه و مجله. بسیاری از ما وقت زیادی را صرف خواندن روزنامه یا مجله، گوش دادن به رادیو، تماشای تلویزیون و یا سینما می‌کنیم. به خصوص در شهرها و روستاهایی که انرژی برق وجود دارد و شبکه‌های تلویزیونی فعال‌اند، اطفال بیش از دیگران وقت خود را صرف تماشای تلویزیون می‌کنند. رسانه‌های جمعی تقریباً در باره همه چیز به مخاطبان خود اطلاعات می‌دهد. به طور مثال: از وقایع روزمره در سراسر جهان گزارش می‌دهد، وضعیت آب و هوا را اعلام می‌کند، پیشرفت‌های علمی و تکنالوژیک را گزارش می‌دهد، حوادث تاریخی را تشریح و بیان می‌کند، درباره فرهنگ و شیوه زندگی مردم مختلف دنیا گزارش می‌دهد، باورها و عقاید ملل دنیا را تشریح نموده و جنبه‌های ملموس آن را نمایش می‌دهد.

با توجه به طیف وسیع از اطلاعات که توسط رسانه‌ها منتشر می‌شود و نیز با توجه به استفاده وسیعی که از این رسانه‌ها به عمل می‌آید، می‌توان حدس زد که آن‌ها چه قدر می‌توانند تأثیر وسیع و عمیقی بر افکار، احساسات، عقاید و رفتارهای مردم برجای بگذارند.

باید توجه داشت که رسانه‌های گروهی با توجه به تأثیر و نفوذی که دارد، می‌تواند تأثیر مثبت و یا منفی برجای بگذارد. مثلاً: اگر با دقت و مراقبت مورد استفاده قرار بگیرد می‌تواند باعث تقویت ارزش‌ها، قواعد و عقاید ساکنان اصلی گردیده و هویت و همبستگی ملی را تقویت نماید. اما در غیر این صورت، همین وسایل می‌تواند مخرب ارزش‌ها و عقاید فرهنگی و مذهبی بوده و به هویت و همبستگی ملی نیز صدمه بزند. رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی از مؤثرترین وسیله توجیه و تشکیل عقل و شخصیت انسان به شمار می‌آید. اگر آن برای آبادانی و توجیه سالم یک ملت مورد استفاده قرار گیرد، می‌تواند آن ملت را به شکوفایی و تمدن شگفت انگیزی برساند و اگر در دست دشمن قرار گیرد یکی از تباه‌کن‌ترین وسایلی خواهد بود که حاضر و آینده ملتی را در معرض نابودی قرار دهد.

## مروری بر درس



.....

.....

.....

.....

.....

## سؤالات درس



- ۱- پس از خانواده و دوستان هم‌بازی کدام چیز می‌تواند در شخصیت انسان اثر گذار باشد؟
- ۲- چرا والدین فرزندان خود را از هفت ساله‌گی به مکتب می‌فرستند؟
- ۳- مکتب کدام مهارت‌ها را به اطفال یاد می‌دهد؟
- ۴- شاگردان روزانه در مکتب کدام موضوعات را یاد می‌گیرند؟
- ۵- برخوردهای افراد در مکتب چگونه می‌باشد؟
- ۶- در مساجد کودکان چه چیزهایی را فرا می‌گیرند؟
- ۷- مجتمع کودکان و نوجوانان را چگونه توجیه و رهبری می‌کند؟
- ۸- رسانه‌ها به چه چیزهایی اطلاق می‌گردد؟
- ۹- رسانه‌ها کدام موضوعات را به اطلاع مردم می‌رساند؟
- ۱۰- جنبه‌های مثبت رسانه‌ها را بیان کنید.

## کارخانه‌گی



پیرامون رسانه‌های گروهی در افغانستان و برنامه‌های آن‌ها روشنی انداخته، اندازه تأثیرات مثبت و منفی آن‌ها را در دو صفحه بیان دارید.

## مراحل زنده‌گی

### فکر کنید و جواب بدهید

انسان از لحاظ سنی مراحل مختلفی را پشت سر می‌گذارد. از لحاظ اجتماعی، هر کدام از این مراحل ارزش‌ها و قواعد خاصی دارد که باید رعایت شود. با توجه به این واقعیت، به سؤال‌های زیر جواب بدهید:

۱- این مراحل سنی کدام اند؟

۲- قواعد هر مرحله سنی را بیان کنید؟

علمای اجتماع مراحل متعددی را برای زنده‌گی انسان مشخص کرده‌اند. این مراحل اساساً حیاتی‌اند ولی مراحل حیاتی زنده‌گی انسان در عین حال اجتماعی



نیز می‌باشند، هر یک از مراحل عمری انسان از نگاه اجتماعی از مرحله دیگر تفاوت دارد. بناءً ما باید یاد بگیریم که در هر مرحله از زنده‌گی چگونه رفتار نماییم. درک این مراحل و قواعد متناسب با هر کدام می‌تواند ما را در شناخت زنده‌گی کمک نماید. این‌جا لازم است مراحل مختلف زنده‌گی انسان را از نظر بگذرانیم.

## دوران طفولیت

دوران کودکی در گذشته خیلی کوتاه بود، چون کودکان خیلی زود در مزارع و کارخانه‌ها به کار گرفته می‌شدند و دوش بدوش بزرگان کار می‌کردند. اما اکنون تقریباً در همه جهان کودکان در آسایش بیشتری قرار دارند و به تفریح و آموزش اشتغال دارند. دوران کودکی دوران ناتوانی و بی خبری انسان است. به همین خاطر، والدین و اعضای بزرگ خانواده سعی می‌کنند شرایط زنده‌گی مناسبی را برای کودکان خود فراهم سازند تا آن‌ها از لحاظ حیاتی و اجتماعی رشد کنند.

کودکان در سنین پایین‌تر بیشتر به بازی و تفریح می‌پردازند و والدین برای کودکان بازیچه‌های گوناگون تهیه می‌کنند و شرایط مساعد زنده‌گی را برای آن‌ها فراهم می‌سازند تا اوقات خوشی داشته باشند. کتاب‌های مخصوص کودکان که بیشتر از عکس و تصویر در آن‌ها استفاده شده و پرو گرام‌های تلویزیونی کودکان برای سرگرمی و آموزش شیوه‌های زنده‌گی به کودکان تهیه می‌شود. کودکان معمولاً از کارها و فعالیت‌های اقتصادی معاف‌اند و مسئولیت‌های خانواده‌گی و اجتماعی زیادی به آن‌ها سپرده نمی‌شود.

کودکان در سنین قبل از شش ساله‌گی تقلید کورکورانه می‌کنند و بیشتر از والدین و برادران و خوه‌ران بزرگ شان تأثیر می‌پذیرند ولی بعد از هفت ساله‌گی مسائل زنده‌گی و مهارت‌های آن را به دو روش فرا می‌گیرند: یکی روش ناخودآگاه که از محیط و هم نشین و خانواده و رسانه و غیره متأثر می‌شوند و دوم؛ به روش تلقین و درس فرا می‌گیرند.

کودکان امروز تا تکمیل نمودن سن هجده مسئولیت‌های سنگین زنده‌گی متوجه‌شان نمی‌باشد و اگر اشتباهاتی از دست شان سر می‌زند همانند بزرگان مجازات نمی‌شوند. ولی در تعالیم اسلام سن رشد کودکان پایین‌تر از سن هجده وضع گردیده است. در فقه اسلامی سنی که یک دختر یا پسر به احتلام می‌رسد مرز بین کودکی و جوانی



قلمداد شده است. زمانی که پسران و دختران به احتلام می‌رسند از نظر اخلاقی و اجتماعی نیز در آن‌ها دگرگونی‌هایی به وجود می‌آید. یکی از عمده ترین تغییرات همانا حس مسئولیت پذیری می‌باشد.

### دوران جوانی

جوانی که از سن هجده ساله گی شروع می‌شود یکی از مهم‌ترین دوره‌های زنده گی انسان به حساب می‌آید. سال‌های اولی این دوره برای بسیاری از مردم دوره گذراندن تحصیلات عالی است.

همچنین، در این دوره بسیاری از جوانان ازدواج می‌کنند و تشکیل خانواده می‌دهند. یکی دیگر از اتفاقات مهمی که در این دوره زنده گی ممکن است روی دهد، وارد شدن به کار و وظیفه است که احتمالاً تا آخر عمر در آن باقی بمانند. این دوره زنده گی مستلزم سبک زنده گی خاصی است که در جوامع مختلف با هم تفاوت می‌کند. جوانان در همه جوامع لباس‌های متفاوتی با افراد مسن‌تر می‌پوشند و از لحاظ رفتار نیز فعال‌تراند و به شادی و تفریح علاقه بیشتری دارند. در مجموع، سبک زنده گی جوانان با افراد مسن تا حدود زیادی متفاوت است. تقریباً در همه جوامع مسئولیت‌های بسیار مهم و خطیر به جوانان سپرده نمی‌شود چون آنان از تجربه لازم در بسیاری از عرصه‌های حیات برخوردار نیستند.

### دوران سن متوسط

دوران سن متوسط که از حدود سی ساله گی شروع می‌شود، اقتضای خاص خود را دارد. در این دوره افراد هم انرژی لازم را برای انجام کارها دارند و هم تجربه خوبی از زنده گی اندوخته‌اند.

بنابراین، می‌توان این دوره زنده‌گی را دوره پخته‌گی افراد دانست. به همین دلیل است که در سطح خانواده و جامعه مسئولیت‌های مهم به افرادی که در این دوره سنی قرار دارند، سپرده می‌شود.

مردم از افراد سن متوسط توقع دارند که ارزش‌ها، قواعد و آداب این دوره سنی را مراعات کنند. از آن‌ها توقع می‌رود که در پوشیدن لباس، رفتار و معاشرت متین‌تر از جوانان باشند. بسیاری از رفتارها که از جوانان قابل قبول به نظر می‌رسد، از افرادی که در سن متوسط قرار دارند ممکن قابل قبول نباشد. جوانان به تدریج که به سن متوسط نزدیک می‌شوند، آداب این دوره سنی را یاد می‌گیرند.

### دوره پیری

آخرین مرحله زنده‌گی انسان دوره پیری است. این دوره از سن شصت تا هفتاد ساله‌گی شروع می‌شود. در جوامع اسلامی و سنتی، دوران پیری با وقار و احترام همراه است. در این جوامع، فعالیت فیزیکی سال‌خورده‌گان کاهش ولی مشارکت فکری آنان افزایش می‌یابد. افراد سال‌خورده به دلیل داشتن تجارب زیاد معمولاً در رأس هرم تصمیم‌گیری قرار می‌گیرند و یا لاقلاً در این زمینه با آن‌ها مشورت صورت می‌گیرد. اما در جوامع جدید، وضعیت سال‌خورده‌گان فرق می‌کند. وقتی افراد به سن پیری رسیدند متقاعد و بازنشسته می‌شوند، آن‌ها باید جای خود را برای افراد جوانتر خالی کنند. اما از دیدگاه اسلام بزرگسالان حقوق زیاد دارند. از آن جمله می‌توان از تأمین احتیاجات مادی و معنوی آن‌ها یاد کرد. پیغمبر اسلام حضرت محمد ﷺ می‌فرماید: از ما نیست کسی که به بزرگان احترام و به اطفال و خردسالان شفقت نداشته باشد. از این‌رو فامیل‌ها باید به بزرگسالان عزت و احترام قایل باشند و مایحتاج زنده‌گی شانرا چون خوراک، لباس و سرپناه فراهم نمایند و مشکلات آن‌ها را تا اندازه که توان دارند رفع نمایند. هرگاه مریض شوند

باید آن‌ها را برای تداوی نزد داکتر برده و تداوی نمایند. هرگاه به چیزی ضرورت داشتند آن را فراهم نمایند و با روش نیکو با آن‌ها برخورد نمایند. از اهانت، زشتی و رویه ناسالم در مقابل آن‌ها خودداری کنند. زمینه‌های بیشتر آسایش و آرامی آن‌ها را به خاطر رضایت خداوند جَلَّ جَلَّاه مهیا سازند. هرگاه بزرگسالان، خویش و اقارب نداشته باشند، دولت‌ها مکلف اند اعاشه و اباته و وسایل آسایش و آرامی آن‌ها را به عهده بگیرند.

### مروری بر درس

.....

.....

.....

.....

.....

### سؤالات درس

- ۱- انسان از لحاظ اجتماعی باید کدام مراحل را طی کند؟
- ۲- در دوران کودکی مسؤولیت والدین در مقابل کودکان شان چیست؟
- ۳- دوران کودکی دارای چه خصوصیت‌هایی است؟
- ۴- دوران جوانی از چند ساله‌گی آغاز می‌گردد و برای جوانان از چه اهمیتی برخوردار است؟

- ۵- دوره سن متوسط دارای ویژگی‌ها است؟
- ۶- چرا سالخورده‌گان معمولاً در رأس تصمیم‌گیری قرار می‌گیرند؟
- ۷- فرق میان موقعیت سال خورده‌گان در جهان اسلام و جهان غرب چیست؟

### کارخانه‌گی

دوران کودکی را با دوران جوانی مقایسه نمایید.

## خلاصه فصل

- هر جامعه فرهنگ خاص خود را دارد و در فرهنگ دستورالعمل‌هایی برای رفتار افراد وجود دارد که اعضای جامعه بر طبق آن‌ها عمل می‌کنند.
- ارتباط برقرار کردن با دیگران یک ضرورت زنده‌گی اجتماعی ماست. موفقیت در برقراری ارتباط با دیگران باعث موفقیت در زنده‌گی اجتماعی ما می‌گردد.
- خانواده و گروه همبازی از جمله عوامل مهم اجتماعی شدن انسان به شمار می‌رود.
- خانواده گروهی است که اعضای آن به خاطر داشتن پیوندهای نسبی و سببی روابط صمیمی، پایدار و مستحکمی با هم دارند.
- مکتب و رسانه‌های جمعی دو عامل دیگر اجتماعی شدن هستند.
- رسانه‌های جمعی اطلاعات را با سرعت چشم‌گیری به جمعیت کثیری از مردم می‌رساند و شامل رادیو، تلویزیون، اینترنت، روزنامه، مجله و غیره می‌باشد.
- مراحل مختلف زنده‌گی انسانها شامل دوران کودکی، دوران جوانی، دوران پخته‌گی عمر (سن متوسط) و دوره پیری می‌باشد.

# فصل دوم

## نظم اجتماعی

در این فصل درس‌های زیر را می‌آموزیم:

- نظم اجتماعی چیست؟
- عوامل نظم اجتماعی (۱)
- عوامل نظم اجتماعی (۲)
- انحرافات اجتماعی و انواع آن (۱)
- انحرافات اجتماعی و انواع آن (۲)



# اهداف فصل

توقع می‌رود که شاگردان عزیز، بعد از خواندن این فصل:

- معنی و اهمیت نظم اجتماعی را بدانند؛
- با عوامل نظم اجتماعی آشنا شوند؛
- به ایجاد نظم اجتماعی علاقه‌مند شوند؛
- انحرافات اجتماعی را بشناسند؛
- عوامل انحرافات اجتماعی را بدانند؛
- از انحرافات و جرایم اجتماعی متنفر شوند.

## نظم اجتماعی چیست؟



### مباحثه نمایید

سؤال‌های ذیل را بخوانید و درباره آن‌ها مباحثه کنید:

۱- آیا شما خانه زنبور عسل و یا مورچه را دیده‌اید و می‌دانید که آن‌ها چگونه زنده‌گی می‌کنند؟

۲- چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی را میان زنده‌گی زنبور عسل و جامعه انسانی می‌بینید؟

چنان‌که می‌دانیم، جامعه انسانی از افراد و گروه‌های بسیار زیادی تشکیل می‌شود. علیرغم زیادی افراد، تنوع گروه‌ها و اختلاف روابط آن‌ها، جامعه همواره از نظم و ترتیبی برخوردار است که ما می‌توانیم به آرامی در آن زنده‌گی کنیم. برای درک این مسأله مثالی می‌آوریم: شاید شما خانه زنبور عسل و یا مورچه را دیده باشید. زنبور عسل و مورچه زنده‌گی اجتماعی دارد و تعداد زیادی از آن‌ها در یک خانه با همدیگر یکجا زنده‌گی می‌کند.

زنده‌گی اجتماعی به معنی این است که هر کدام وظیفه خاصی را بر عهده گرفته و به‌خوبی انجام می‌دهد. وقتی صدها زنبور باهم زنده‌گی می‌کنند، اگر نظم و هماهنگی دقیق میان آن‌ها وجود نداشته باشد، زنده‌گی اجتماعی آن‌ها به زودی از بین می‌رود و تداوم نمی‌یابد. چیزی که زنبور عسل و مورچه را در پهلوی یکدیگر جمع می‌کند حکمتی است که خداوند جَلَّ جَلَالُهُ در وجود آن‌ها قرار داده است. آن‌ها بدون آن‌که از هدایات مقامات بالاتر خود مخالفت و سرپیچی کنند، امور خود را پیش می‌برند و دلیل آن این است که آن‌ها با همین خصوصیت آفریده شده‌اند.

زنده‌گی انسان نیز کم‌وبیش شبیه زنده‌گی زنبور عسل است، چون انسان‌ها نیز زنده‌گی اجتماعی دارند: افراد زیادی در یک جامعه زنده‌گی می‌کنند، با یکدیگر روابط دارند و با هم همکاری می‌کنند. اما یک تفاوت اساسی میان زنده‌گی انسان و زنبور عسل وجود دارد و آن این است: عاملی که انسان‌ها را در کنار یکدیگر جمع می‌کند و امکان زنده‌گی اجتماعی را فراهم می‌سازد، غریزه نیست بلکه ارزش‌ها، قواعد، قانون، ضرورت‌ها و به‌طور کلی فرهنگ است. نظم‌پذیری در میان انسان‌ها ارادی و عاقلانه صورت می‌پذیرد ولی در میان گروه زنبور عسل غیر ارادی و به‌طور فطری.

**پس نظم اجتماعی چیست؟** برای آن‌که بتوانیم درک بهتری از این مفهوم داشته باشیم، نظم اجتماعی را در دو سطح خُرد و کلان مورد بحث قرار می‌دهیم.

### سطح محدود

منظور از نظم اجتماعی در سطح خُرد این است که افراد در جامعه به آرامی رفتارهای یکدیگر را می‌فهمند، و از اینرو، آن‌ها می‌توانند رفتارهای یکدیگر را پیش‌بینی نموده و به آسانی باهم ارتباط برقرار کنند. به‌طور مثال: زمانی که شما به دکانی برای

خرید مراجعه می‌کنید، چیزی را تقاضا می‌کنید و او منظور شما را می‌فهمد و اگر جنس مورد نظر شما را داشته باشد به شما می‌دهد و پول خود را می‌ستاند. این حادثه که به ظاهر خیلی ساده به نظر می‌رسد، در واقعیت خیلی پیچیده و در عین حال بسیار مهم است. ارتباط شما با دکاندار به این خاطر بسیار ساده برقرار شد که هر دوی شما از زبان مشترک، ارزش‌های مشترک و قواعد مشترک برخوردار هستید. اگر او یک موجود بیگانه می‌بود و با ارزش‌ها و قواعد فرهنگی شما آشنایی نمی‌داشت، شما نمی‌توانستید باهم ارتباط برقرار نمایید. پس، ما به این خاطر می‌توانیم با مردم ارتباط برقرار نماییم که همه ما از ارزش‌ها و قواعد مشترک برخوردار هستیم. ما می‌توانیم رفتارهای احتمالی دیگران را درک و بر اساس آن، با آن‌ها رفتار نماییم.

### سطح وسیع

وقتی از نظم در سطح وسیع صحبت می‌کنیم، منظور نظم در سازمان‌ها، نهادها و همه جامعه است. به عنوان مثال، وقتی شما صبح وقت: به نانوائی می‌روید و نان می‌خرید، به خانه برمی‌گردید و ناشتا می‌خورید، و به مکتب می‌روید و درس می‌خوانید، هیچ وقت قبل از رفتن به این جاها، تردید نمی‌کنید که ممکن است امروز نانوائی، خانه و یا مکتب به کار روزمره خود ادامه نداده و به کار دیگری بپردازد. پس معلوم می‌شود که جامعه از یک نوع نظم و هماهنگی برخوردار است که همه چیز در جای خود می‌باشد. مؤسسات و ارگان‌های مختلف هر روز به کارهای عادی خود ادامه می‌دهند و مردم مانند همیشه رفتار نموده و از قواعد اجتماعی و قوانین کشور پیروی می‌نمایند. در واقع، جامعه مانند یک ماشین است که از اجزای خرد و کلان زیادی تشکیل شده و

با نظم و هماهنگی خاصی کار می‌کند.  
آیا تا اکنون از خود پرسیده‌اید که چرا کارها همیشه مطابق جریان معمول انجام می‌گیرد و نظم جامعه همچنان ادامه دارد؟ جواب این سؤال را در درس‌های بعدی خواهیم خواند.

### مروری بر درس

- .....
- .....
- .....
- .....
- .....

### سؤالات درس

- ۱- اگر نظم و هماهنگی در زنده‌گی اجتماعی نباشد، چه خواهد شد؟
- ۲- زنده‌گی زنبور عسل و مورچه‌گان چگونه است؟
- ۳- فرق میان زنده‌گی اجتماعی انسان و زنده‌گی اجتماعی زنبور عسل در چه نهفته است؟
- ۴- منظور از نظم اجتماعی در سطح محدود چیست؟
- ۵- نظم اجتماعی در سطح وسیع چه مزایا دارد؟
- ۶- یک مثال از نظم کوچک و یک مثال از نظم کلان را توضیح دهید.

### کارخانه‌گی

نظم کوچک را با نظم کلان مقایسه کنید.



## عوامل نظم اجتماعی (۱)



### مباحثه نمایید

با توجه به درس گذشته،  
به نظر شما:  
آیا حیات اجتماعی ما نظم  
دارد؟  
اگر جواب شما مثبت است،  
چه عواملی باعث می‌شود  
که زنده‌گی ما نظم داشته  
باشد؟

همان طوری که در درس  
قبلی خواندیم، با وجود

آن که انسان و زنبور عسل هر دو زنده‌گی اجتماعی دارند، زنبور عسل به‌طور  
فطری اجتماعی زنده‌گی می‌کند و به همین دلیل است که زنده‌گی آن‌ها در طی  
هزاران سال تغییر نمی‌کند. قرن‌ها است که آن‌ها به یک شیوه خانه می‌سازند،  
به یک طریقه شیرۀ گل‌ها را جمع‌آوری نموده و عسل می‌سازند، به یک شیوه  
تغذیه می‌کنند، و تقسیم کار یکسان دارند. اما روابط اجتماعی انسان بر اساس  
قواعد و معیارهایی استوار است که در جامعه به وجود آمده و مردم باهم  
توافق می‌کنند که آن‌ها را مراعات نمایند. بنابراین، شناخت این قواعد و اصول  
که اساس روابط اجتماعی ما را تشکیل می‌دهند برای ما اهمیت زیادی دارد که  
آن‌ها را در این درس و درس بعدی مورد بحث قرار خواهیم داد.

### ارزش‌های اجتماعی

ما دربارهٔ بسیاری از موضوعات قضاوت می‌کنیم؛ مثلاً: آن‌ها را خوب یا  
بد، مناسب یا نامناسب می‌دانیم. به‌طور مثال: احترام کردن به یکدیگر، درس

خواندن، کار کردن، امانتداری و راستگویی را خوب می‌گوییم، بی‌احترامی، تنبلی، خیانت و دروغگویی را بد می‌دانیم. دانشمندان علوم اجتماعی، این نوع مفاهیم را ارزش می‌نامند. ارزش‌ها در زمینه‌های مختلف معیار قضاوت ما قرار می‌گیرند. بدون ارزش‌های مشترک، مردم در برقراری ارتباط با یکدیگر با مشکل دچار می‌شوند؛ زیرا در این صورت آن‌ها معیار مشترکی در دست ندارند که به وسیله آن رفتارهای خود و دیگران را ارزیابی کنند. حتی در یک کار ساده اگر ارزش‌های مشترک وجود نداشته باشد، امکان توافق وجود ندارد در آن صورت آن‌ها نمی‌توانند بالای این‌که چه چیزی باید انجام شود، چه چیزی عادلانه است و رفتار مناسب کدام است، با هم توافق نمایند.

### قواعد

گرچه ارزش‌ها در زنده‌گی ما بسیار اهمیت دارند، ولی آن‌ها آنقدر عمومی هستند که نمی‌توانند دقیقاً رفتارهای ما را تنظیم کنند. به طور مثال: احترام به دیگران به عنوان یک ارزش، به ما فقط می‌گوید که احترام کردن به دیگران خوب است، ولی نمی‌گوید که چگونه باید احترام نماییم. در حالی‌که می‌دانیم، در هر جامعه‌ای به طریقه خاصی به یکدیگر احترام می‌کنند.

ممکن است یک عمل خاص در یک جامعه احترام و همان عمل در جامعه دیگر بی‌احترامی تعبیر گردد. بنابراین، ارزش‌ها باید به دستورالعمل‌های خاص تبدیل شوند تا ما بتوانیم از آن‌ها در رفتارهای خود استفاده نماییم. انسان‌ها از چنان توانایی برخوردار هستند که می‌توانند از این ارزش‌های عام، دستورالعمل‌هایی برای رفتار در وضعیت‌های اجتماعی خاص بسازند. این دستورالعمل‌ها قواعد نامیده می‌شوند. طوری‌که می‌دانیم بعد از ظهور دین مبین اسلام مسلمانان از قواعد و ارزش‌های اسلامی پیروی می‌نمایند که یقیناً رفتارهای افراد جامعه را دقیقاً

تنظیم می‌کند و به راهی که آن‌ها را به خداوند جَلَّ جَلَّاهُ نزدیک نموده و به‌سوی خوشبختی دنیا و آخرت ببرد هدایت می‌کند. ما بر اساس قواعد، این توانایی را کسب می‌کنیم که در خانه، مکتب، اداره و دیگر عرصه‌های اجتماعی با یکدیگر ارتباط برقرار نماییم.

### رول اجتماعی

قواعد، پراکنده و بی‌ارتباط با یکدیگر نیستند، بلکه آن‌ها در گروه‌های منظم، با یکدیگر ارتباط دارند و از این طریق روابط ما را آسان‌تر نموده و به برقراری نظم اجتماعی کمک می‌کنند. به طور مثال: مقام مادر را در خانواده در نظر بگیرید؛ مردم در جامعه‌یی خاص، از مادران توقع دارند که کارهای خاصی را برای فرزندان خود انجام دهند.

کارهایی که ما از مادران توقع داریم، در حقیقت همان قواعدی است که به رول مادری مربوط می‌شود. هر کسی که مادر می‌شود، باید رول مادر را بازی نماید، یعنی کارهایی را انجام دهد که از مادران توقع می‌رود. هر شخصی رول‌های متعددی را بازی می‌کند. مثلاً یک نفر ممکن است در خانه مادر و همسر، در مکتب معلم و در حزب عضو عادی باشد. او هر رول را در جای خود بازی می‌کند و اگر چنین نکند هم او و هم دیگران با مشکل مواجه خواهند شد. به این ترتیب، ما چون در هر موقعیتی که هستیم رول متناسب با آن را بازی می‌کنیم، به طور منظم رفتار می‌کنیم، به طوری که حتا دیگران می‌توانند رفتارهای احتمالی ما را پیش‌بینی نمایند.

خلاصه آن‌که افراد یک جامعه با پذیرش ارزش‌ها و قواعد مشترک و رعایت کردن آن‌ها در رول‌های مختلف اجتماعی، از آشفتگی و هرج و مرج

جلوگیری نموده و رفتارهای خویش را منظم می‌سازند. ارزش‌ها و قواعد مشترک باعث می‌شود؛ مردم یک جامعه از یکدیگر توقع رفتارهای خاصی را داشته باشند. نیز از یکدیگر انتظار داشته باشند که از رفتارهای خاصی که باعث بی‌نظمی در جامعه می‌شود اجتناب ورزند. این امر به معنی نظم، هماهنگی و انضباط در روابط بین مردم است.

#### مروری بر درس

- .....
- .....
- .....
- .....
- .....

#### سؤالات درس

- ۱- ارزش‌های اجتماعی را تعریف نمایید.
- ۲- ارزش در زنده‌گی اجتماعی چه رولی را بازی می‌نماید؟
- ۳- قواعد چیست؟
- ۴- نقش چیست؟ و شما فعلاً کدام رول را بازی می‌نمایید؟

#### کارخانه‌گی

مکتب خویش را در نظر بگیرید، و از چند رول نام بگیرید و بگویید این نقش‌ها را کی‌ها بازی می‌نمایند.

## عوامل نظم اجتماعی (۲)



### مباحثه نمایید

سؤالات زیر را بخوانید و درباره آن‌ها مباحثه کنید:

۱- آیا ارزش‌ها و قواعد اجتماعی برای ایجاد نظم اجتماعی کافی است؟

۲- اگر فکر می‌کنید که کافی نیست، پس کدام وسایل و روشها را پیشنهاد می‌کنید؟

علیرغم شباهت‌های زیادی که میان جامعه بشری و کندوی

عسل وجود دارد، انسان زنبور عسل نیست و جامعه بشری علیرغم نظم و انضباطی که دارد، اکثراً شاهد انواع تضادها، کشمکش‌ها و قانون‌شکنی‌ها است که باعث بی‌نظمی می‌گردد.

ازدیاد نفوس، نابرابری، بی‌عدالتی، تبعیض و سایر عوامل که تشنج به بار آورده، ایجاد بی‌نظمی کرده، انحراف را افزایش داده، و مردم را به شورش سوق می‌دهند. بعید است روزنامه‌یی را بگشاییم که در آن گزارشی از قتل، عصبانیت، اعتراض، انحراف و سرپیچی از قانون را مشاهده نکنیم. این سخن به این معنی است که ارزش‌ها و قواعد، گرچه عامل بسیار مهم نظم اجتماعی است، ولی به تنهایی کفایت نمی‌کند. جامعه، علاوه بر ارزش‌ها و قواعد، ضرورت به وسایل و روش‌های دیگری برای کنترل اجتماع و ایجاد نظم دارد. البته که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: قانون، پولیس، محکمه و زندان. این درس به توضیح این چهار ارگان اختصاص داده شده است.

### قانون



زمانی که جامعه بشری کوچک بود، تنها با ارزش‌ها، قواعد و آداب و رسوم غیر مدون اداره می‌شد، اما زمانی که نفوس رشد کرد و دولت‌ها برای اداره مردم تشکیل یافت، به قانون ضرورت پیدا شد. قانون دستورالعملی است که توسط قوه مقننه یا پارلمان تصویب می‌شود. بعضی از قوانین ناظر به اعمال مردم است که بایستی بدان عمل کنند، ولی بعضی دیگر معطوف به عملکرد حکومت است. در هر دو صورت، قانون بسیاری از اعمال مردم و دولت را تنظیم می‌کند و روابط میان مردم با یکدیگر از یکسو، و روابط میان مردم و دولت را از سوی دیگر، تنظیم و هماهنگ می‌سازد. جوامع امروزی که بسیار کلان و پیچیده شده است، بدون قانون قابل اداره نیست.

اغلب کشورها دارای قانون اساسی هستند قانون اساسی مسائل بسیار عمومی‌ولی مهم را مطرح می‌سازد که به آسانی قابل تغییر نمی‌باشد، و آن مبنا و مادر قوانین دیگر به شمار می‌رود.

قوانین کشوری روابط افراد، شرکت‌ها، مؤسسات و دولت را با یکدیگر تنظیم می‌کنند. اگر قانون در جامعه وجود نداشته باشد، بی‌نظمی و هرج و مرج بر جامعه حاکم خواهد شد که بالاخره به سقوط نظام اجتماعی منجر خواهد شد. جامعه در صورتی نظم و نسق یافته و به سوی تکامل و پیشرفت خواهد رفت که اولاً قانون خوب داشته باشد و ثانیاً قانون به خوبی عملی شود.

در جوامع اسلامی قانون اساسی در روشنایی احکام، قوانین اسلامی و مذهب رایج در کشور ترتیب و تنظیم می‌گردد، اگر چنین نباشد آن قانون فاقد اعتبار شرعی بوده، ارزش و مقام اجتماعی خود را از دست می‌دهد.

### پولیس

قانون در جوامع مدرن یک امر ضروری به شمار می‌رود؛ اما آن بایستی پشتوانه اجرایی داشته باشد. اگر ضمانت اجرایی وجود نداشته باشد، ممکن است کسی به قانون عمل نکند. پولیس نیرویی است که برای حفظ نظم و کنترل جرایم فعالیت می‌کند. پولیس امنیت داخلی کشور را در برابر مجرمان و جنایتکاران محافظت می‌کند. اگر پولیس در جامعه نباشد، بخش اجرایی حکومت نمی‌تواند از مردم بخواهد که فرامین حکومتی را اجرا نمایند. در آن صورت عده زیادی از مردم از

فرامین حکومتی سرپیچی خواهند کرد. همچنین، اگر پولیس نباشد، مجرمان دستگیر و به محاکم سپرده نخواهند شد، چرا که آنان حاضر نیستند خود را تسلیم نمایند. بنابراین، امروز پولیس یکی از مؤسسات مهم اجتماعی برای حفظ نظم و امنیت اجتماعی به حساب می‌رود.

### محکمه

قوه قضاییه یکی از سه قوه اصلی دولت‌های مدرن می‌باشد. تعلیمات اجتماعی اسلامی به این قوه اهمیت فوق العاده‌یی بخشیده است، به نحوی که محکمه را عالی‌ترین مرجع بر پا دارنده عدالت اجتماعی دانسته حاکم و محکوم را منقاد و مطیع فیصله‌های شرعی آن می‌داند. قوه قضاییه برای آن است که اگر میان مردم با یکدیگر، یا میان مردم و دولت اختلافات و دعاوی حقوقی یا جنایی پیش بیاید از طریق محاکم آن‌ها را فیصله می‌کند. محکمه مرجعی برای کسانی است که حقوق‌شان توسط افراد، شرکت‌ها و یا دولت مورد تعرض قرار گرفته است. در صورتی که محکمه به وظیفه خود به خوبی عمل نماید، اولاً آن‌هایی که حق‌شان ضایع شده، به حق خود خواهند رسید و ثانیاً کسانی که می‌توانند مال و جان دیگران را مورد تعرض قرار دهند ولی هنوز چنین کاری را مرتکب نشده‌اند، از بیم آن‌که به محکمه کشیده شده و مجازات شوند، از تعرض خودداری خواهند کرد.

### زندان

زندان نیز یکی از مراکز تأدیبی و تربیت مجدد بوده که اجتماع را از شر مجرمین پاکسازی می‌کند از این‌رو یکی از مهم‌ترین وسایل کنترل اجتماعی به شمار می‌رود. کسانی که به حکم محکمه به مجازات زندان محکوم می‌شوند، دوره محکومیت خود را در زندان به سر می‌برند. عده‌یی از مردم از ترس افتادن در زندان دست به جرم و جنایت نمی‌زنند. طوری که ملاحظه گردید، در دولت‌های مدرن از وسایل بسیار نیرومندی برای حفظ نظم اجتماعی و جلوگیری از هر گونه بی‌نظمی، انحراف و جرایم استفاده می‌گردد. قانون، پولیس، محکمه و زندان از مهم‌ترین وسایل کنترل اجتماعی در دنیای مدرن به شمار می‌رود. یکی دیگر

از وسایل حفظ نظم و دیسپلین در جامعه در نهاد انسان قرار دارد و آن عبارت از ایمان‌داری، صداقت‌کاری، خوف از خداوند جَلَّ جَلَّاهُ و مجازات اخروی می‌باشد. اگر انسانی از ایمان قوی برخوردار باشد و به مرگ و روز آخرت یقین جازم داشته باشد، و بداند که از ذره ذره اعمال خود مورد بازپرس قرار می‌گیرد، این روحیه خود به پولیس نهانی مبدل می‌شود و صاحبش را وادار می‌سازد که از هر جرم و جنایتی خودداری ورزد.

### مروری بر درس

.....

.....

.....

.....

### سؤالات درس

- ۱- کدام عوامل باعث ایجاد بی‌نظمی در جامعه می‌گردد؟
- ۲- از عوامل مهمی دیگری که بی‌نظمی را به بار می‌آورد، نام بگیرید.
- ۳- مهمترین وسایل که جهت کنترل از آن استفاده می‌شود کدام‌ها اند؟
- ۴- قانون چیست؟
- ۵- اگر در جامعه‌یی قانون حکم فرما نباشد چه می‌شود؟
- ۶- یکی از پشتوانه‌های مهم قانون را بیان دارید.
- ۷- زندانی کردن مجرمین برای جامعه چه نفعی را به بار می‌آورد؟
- ۸- آیا پس از وسایل یاد شده دنیوی و فزیکی، وسائل معنوی‌یی هم وجود دارد که در حفظ و دیسپلین جامعه کمک برساند؟

### کارخانه گی

در مورد قانون اساسی و قانون مدنی کشور و تفاوت آن‌ها مقاله‌یی بنویسید که از دو صفحه کمتر نباشد.

## انحرافات اجتماعی (۱)



### مباحثه نمایید

سوالات زیر را بخوانید و درباره آن‌ها مباحثه نمایید:

- ۱- آیا شما کسی را دیده‌اید که از قواعد اجتماعی پیروی نکند؟
- ۲- چرا این طور افراد ارزش‌ها و قواعد اجتماعی را نقض می‌کنند؟ همان‌گونه که در درس‌های قبل خواندیم؛ در جامعه ارزش‌ها و قواعد فراوانی وجود دارد که روابط اجتماعی ما را نظم و نسق می‌بخشد. اکثر مردم از این ارزش‌ها و قواعد پیروی می‌کنند و به همین خاطر معمولاً نظم و آرامش بر جامعه حکم‌فرما است.

از مردم انتظار می‌رود که همه ارزش‌ها و به خصوص ارزش‌های مهم جامعه را رعایت کنند، اما اگر وقتی بعضی از ارزش‌ها و قواعد کم اهمیت‌تر توسط بعضی از افراد نقض گردد، دیگران آن را تا حدودی نادیده می‌گیرند و در نتیجه مشکلی در نظم اجتماعی پیش نمی‌آید. اما اشخاصی در جامعه پیدا می‌شوند که بسیاری از قواعد را به دفعات نقض می‌کنند. جامعه و مردم در

مقابل این افراد سکوت نمی‌کنند و با استفاده از وسایل مختلف جلوی عمل آن‌ها را می‌گیرند. این طور افراد را مجرم، منحرف و کجرو، و عمل آن‌ها را جرم انحراف و کجروی می‌نامند. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که چرا بعضی از مردم مرتکب انحراف و جرم می‌شوند، در حالی که دیگران از اعمال انحرافی دوری می‌کنند؟ در این درس و درس بعدی جواب این سؤال را خواهیم یافت. عوامل مختلف اجتماعی وجود دارد که باعث انحراف و جرم بعضی از افراد می‌شود. بعضی از مهم‌ترین عوامل انحراف و جرم را در این درس مورد بحث قرار می‌دهیم:

### **نفوس**

نفوس از جهات مختلف بر رفتار افراد تأثیر می‌گذارد. بعضی از تأثیرات نفوس بر رفتار افراد، قرار ذیل است:

### **تعداد نفوس**

اندازهٔ نفوس از جمله عواملی است که مشخص می‌کند که آیا نظم در جامعه مورد تهدید قرار گرفته است یا خیر؟ سازماندهی نفوس زیاد، همیشه مشکل‌تر از نفوس کمتر است؛ زیرا همان طوری که تعداد مردم افزایش می‌یابد، تماس رو بروی افراد مشکل می‌شود و وقت کافی برای دیدار، صحبت کردن و شناختن دیگران وجود ندارد. زمانی که تماس رو برو کاهش یافت، کیفیت عمل متقابل یعنی شدت هیجان، عاطفه و اعتماد متقابل کاهش می‌یابد.

بنابراین، احساس وابستگی به دیگران کاهش یافته و امکان اعمال انحرافی را افزایش می‌دهد. علاوه بر این، در درون جمعیت‌های کلان امکان تشکل گروه‌های جنایت کار و انحرافی وجود دارد، چرا که آن‌ها از جامعه فاصله گرفته‌اند و ضرورت



به همبسته‌گی مجدد دارند. آن‌ها معمولاً جمعیت‌هایی کوچک را تشکیل می‌دهند و این جمعیت‌های کوچک غالباً فرهنگ کوچک و طریقهٔ زنده‌گی خاص خود را به وجود می‌آورند.

اگر چه در رهنمودهای نبی کریم ﷺ به زیاد آوردن اولاد تشویق و ترغیب شده است، زیرا باعث کثرت امت اسلامی و افتخار پیغمبر ما در روز قیامت می‌شود، لیکن شارحین حدیث این تشویق را مقید به قید تربیه و اصلاح می‌دانند یعنی در صورتی که فرد توانایی این را داشته باشد که فرزندان خود را صحیح تربیه کند و به حیث شخصیت نیک در جامعه تقدیم نماید وگرنه تشویق و ترغیب شامل آنانی که قدرت تعلیم و تربیه فرزندان شان را ندارند نمی‌شود.

**بیجا شدن:** بیجا شدن و تغییر مکان نفوس تأثیر زیادی بر رفتار افراد دارد. بیجا شدن‌ها بعضاً داخلی است، که عدهٔ زیادی از مردم در درون یک کشور و سرزمین به دلایلی چون جنگ، قحطی یا سیل، از منطقه‌یی به منطقه دیگر کوچ می‌کنند، برخی دیگر خارجی است، یعنی تعداد قابل توجهی از مردم نظر به بعضی دلایل از کشوری به کشور دیگر کوچ می‌کنند. وقتی که بیجا شدن‌های وسیعی صورت می‌گیرد، ارزش‌ها و قواعد تغییر نموده و روابط و طریقهٔ زنده‌گی تاحدودی دگرگون می‌شود.

تأثیر این تغییرات بر همه افراد یکسان نیست، بعضی افراد را زیاده‌تر تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این‌جا است که رفتارهای انحرافی و کجروی افزایش پیدا می‌کند.

### تنوع نفوس

نفوس اکثر کشورهای جهان از گروه‌های قومی، مذهبی و لسانی مختلف تشکیل می‌شود. در صورتی که نفوس از گروه‌های زیاد و متفاوت تشکیل شود، احتمال رفتارهای انحرافی بیشتری وجود دارد.

به طور کلی، در صورتی که اندازه نفوس با امکانات طبیعی تناسب نداشته باشد، مهاجرت و بیجاشدن جمعیتی صورت می‌گیرد. و اگر نفوس از لحاظ فرهنگی، قومی، مذهبی و لسانی یکنواخت باشد، امکان بیشتری وجود دارد که انحراف و جرایم در آن جامعه کمتر باشد. اما در غیر این صورت، امکان دارد که بر رفتار افراد تأثیر گذاشته و عده‌یی را به انحراف و جرایم بکشانند.

#### مروری بر درس

.....

.....

.....

.....

#### سؤالات درس

- ۱- کدام اشخاص را مجرم و منحرف می‌نامند؟
- ۲- کدام عوامل باعث می‌شود که افراد را به سوی انحراف و جرم سوق دهد؟
- ۳- آیا سازماندهی نفوس زیاد به مقایسه نفوس کم مشکل‌تر است و یا خیر؟ در مورد نظرتان را بنگارید.
- ۴- ازدیاد نفوس چه تأثیری در نظم جامعه می‌گذارد؟

#### کارخانه‌گی

کدام اشخاص را شما مجرم و منحرف می‌خوانید؟ در این باره چند سطر بنویسید.

## انحرافات اجتماعی (۲)



### مباحثه نمایید

به نظر شما:

۱- چرا بعضی از مردم جرم می‌کنند؟

۲- چگونه می‌توان از انحراف و جرم جلوگیری کرد؟

در درس قبل تأثیرات، اندازه و کیفیت جمعیت بر انحراف اجتماعی را مورد بحث قرار دادیم.

در این بحث بعضی از نظریات مربوط به جرم و انحراف را توضیح می‌دهیم.

### نظریه تحت فشار قرار گرفتن

یکی از جامعه‌شناسان می‌گوید که: «فرهنگ هر جامعه هم اهدافی برای مردم تعریف و تعیین می‌نماید و هم وسایل مشروع دسترسی به این اهداف را تعیین می‌کند. سطح بالای جرم زمانی پدید می‌آید که راه‌های مشروع دستیابی به این اهداف محدود باشند و این محدودیت بر کسانی که به وسایل مشروع دسترسی ندارند، فشار وارد می‌آورد».

به طور مثال: در جامعه‌ی خاص بر موفقیت‌های شغلی و اقتصادی تأکید می‌شود، ولی وسایل قابل دسترسی برای به دست آوردن به این موفقیت‌ها محدود است. در چنین جامعه‌ی از یک طرف افراد تحت فشار قرار دارند که به موفقیت‌های اقتصادی دست پیدا کنند و از طرف دیگر امکان دسترسی به آن میسر نیست. عده‌ی از جامعه‌شناسان می‌گویند؛ بعضی از مردم تحت این شرایط دست به جرم و انحراف می‌زنند، یعنی برای رسیدن به اهدافی که در جامعه تعیین شده، از وسایل نامشروع استفاده می‌کنند. بنابراین نظریه، برای

این‌که انحرافات کاهش یابد باید تلاش کرد که راه‌ها و وسایل مشروع رسیدن به اهداف اجتماعی را برای همه فراهم کرد.

### نظریه تضاد

بعضی دیگر از جامعه‌شناسان معتقداند که اکثراً مردمی که مرتکب انحراف می‌شوند، کسانی‌اند که از قدرت و ثروت بیشتری برخوردارند آن‌ها به تقلب‌های سیاسی و اقتصادی بسیار بزرگ دست می‌زنند ولی افراد فقیر ممکن است از مغازه یا خانه اموال کم‌ارزشی را سرقت کنند.

با وجود آنکه حجم و اندازه انحراف صاحبان قدرت و مردم فقیر به هیچ وجه قابل مقایسه نیست، صاحبان قدرت و ثروت، انحراف و جرم را طوری تعریف می‌کنند که تنها انحراف مردم فقیر جرم تلقی می‌شود و انحراف خود آن‌ها از دایره تعریف بیرون می‌ماند و بدین ترتیب، ثروتمندان از عواقب انواع جرایمی که مرتکب می‌شوند، درامان می‌مانند؛ ولی فقرا به خاطر انحرافات جزیی سال‌ها در کنج زندان مانده و از لحاظ اجتماعی نیز بدنام می‌شوند.

طبق این نظریه، جرم در واقع از جمله هر طبقه مردم انجام می‌شود ولی تنها فقرا و محرومین جزا می‌بینند.

### نظریه تاپه زدن

نظریه دیگری وجود دارد که می‌گوید وقتی کسی به هر دلیلی که باشد مرتکب یک انحراف شود، مردم او را به عنوان منحرف و مجرم می‌شناسند و به این ترتیب به او تاپه مجرم می‌زنند. وقتی به طور مرتب او را به عنوان دزد، معتاد و یا مجرم خطاب کردیم، او باور می‌کند که واقعاً یک منحرف و مجرم است و او سعی خواهد کرد که کسانی مثل خود را بیابد و با آن‌ها معاشرت نماید. زمانی که به گروه منحرفان پیوست از مردم عادی بیشتر فاصله می‌گیرد و حتی می‌تواند به عنوان

یک مجرم حرفه‌یی دست به جرایم بیشتری بزند.

این نظریه به ما این نتیجه را می‌دهد که اگر کسی دچار یک انحراف شد نباید به او تاپه مجرم بزنی. الی این‌که مصلحت بزرگتری در آن نهفته باشد مثل عبرت دادن به دیگران و باز داشتن شان از ارتکاب جرم تنها به همین اساس حدود در دین اسلام مشروع و مجاز قرار داده شده است. مثلاً قطع کردن دست سارق (دزد) شلاق زدن شراب خوار و زنا کار (غیر محصن) و غیره.

### نظریه انتقال

نظریه دیگری که از قدیم در میان مردم نیز رواج داشت، می‌گوید انحراف بیشتر یادگرفتنی است. وقتی کسی، به خصوص در سنین کودکی، با افراد مجرم و منحرف معاشرت می‌کند، عادات آن‌ها را فرا می‌گیرد و انحراف و جرم را نه تنها کار بد و قابل سرزنش نمی‌داند، بلکه حتا ممکن است امری عادی و قابل تحسین بداند.

سعدی شیرازی این نظریه را به زیبایی خلاصه کرده است:

|                       |                       |
|-----------------------|-----------------------|
| پسر نوح با بدان بنشست | خاندان نبوتش گم شد    |
| سگ اصحاب کهف روزی چند | پی نیکان گرفت مردم شد |

برای آن‌که از جرم و جنایت خودداری و توبه کرد؛ بایستی گروه هم‌نشین و دوستان خویش را تغییر داد و برای خود دوستانی صالح و خداترس انتخاب کرد، تا با کمک و همکاری و یاد دادن‌های ایشان از عرصه گناه به دور ماند و ترس خدا و مؤاخذات اخروی برایش تلقین گردد و آن انگیزه‌یی برای جستجوی عرصه کارهای نیک و دوری از کارهای زشت شود.



## مروری بر درس

- .....
- .....
- .....
- .....
- .....

## سؤالات درس

- ۱- منحرف چه کسی را می‌گویند؟
- ۲- کدام عوامل افراد را به سوی انحراف سوق می‌دهد؟
- ۳- نظریه زیر فشار قرار گرفتن چیست؟ توضیح دهید.
- ۴- نظریه تاپه زدن چه معنا دارد؟
- ۵- نظریه تضاد به چه چیزی اشاره می‌کند؟
- ۶- نظریه انتقال چیست؟ بیان دارید.

## کارخانه گی

در باره این‌که چگونه می‌توان از انحراف و جرایم جلوگیری کنیم یک مقاله بنویسید که از یک صفحه کمتر نباشد و آن را در صنف بخوانید.

## خلاصه فصل دوم

- منظور از نظم اجتماعی در سطح محدود این است که افراد در جامعه به آسانی رفتارهای یکدیگر را می‌فهمند و از این رو آن‌ها می‌توانند رفتارهای یکدیگر را پیش بینی نموده و به آسانی با هم ارتباط برقرار کنند.
- وقتی از نظم در سطح وسیع صحبت می‌کنیم منظور نظم در سازمان‌ها، نهادها و کل جامعه است.
- ارزش‌ها در زمینه‌های مختلف معیار قضاوت ما قرار می‌گیرند. بدون ارزش‌ها، مردم در برقراری ارتباط با یکدیگر دچار مشکل می‌شوند.
- افراد در یک جامعه با پذیرفتن ارزش‌ها و قواعد مشترک و با رعایت کردن آن‌ها در رول‌های مختلف اجتماعی، از آشفتگی و هرج و مرج جلوگیری نموده و رفتارهای خویش را منظم می‌سازند.
- قانون، دستورالعملی است که توسط قوه مقننه یا پارلمان تصویب می‌شود. بعضی از قوانین، ناظر به اعمال مردم و بعضی دیگر متوجه عملکرد حکومت است.
- اندازه نفوس از جمله عواملی است که مشخص می‌کند که آیا نظم در جامعه مورد تهدید قرار گرفته است یا خیر؟ کنترل نفوس زیاد، همیشه مشکل‌تر از نفوس کمتر است.

# فصل سوم

## تغییرات اجتماعی

در این فصل پیرامون موضوعات زیر اطلاع حاصل می‌کنیم

- تغییرات اجتماعی چیست؟
- عوامل تغییرات اجتماعی (۱)؛
- عوامل تغییرات اجتماعی (۲).

# اهداف فصل

- توقع می‌رود که شاگردان عزیز بعد از خواندن این فصل:
- با معنی و مفهوم تغییرات اجتماعی آشنا شوند؛
  - مصادیق تغییرات اجتماعی را بشناسند؛
  - عوامل تغییرات اجتماعی را تشخیص دهند؛
  - فواید و ضررهای تغییرات اجتماعی را در زنده‌گی خود، بشناسند؛
  - راه‌های کنترل تغییرات اجتماعی را بشناسند؛
  - به تغییر مثبت شرایط زنده‌گی خود علاقه‌مند شوند.

## تغییرات اجتماعی چیست؟



### فکر کنید و جواب بدهید

با وجود آن‌که بسیاری امور در جامعه برای سال‌های طولانی تقریباً ثابت و بدون تغییر باقی می‌ماند، اما بعضی از امور دچار تغییرات می‌شود. به نظر شما:

#### ۱- تغییرات اجتماعی چیست؟

۲- چند مورد از این تغییرات را که خود شما دیده‌اید، بیان کنید.

#### آغاز تطورات سریع اجتماعی:

در گذشته‌های دور، انسان‌ها زنده‌گی نسبتاً یک‌نواختی داشتند و نسل‌های زیادی تقریباً به طور یکسان زنده‌گی می‌کردند: یک نوع لباس می‌پوشیدند، یک نوع غذا می‌خوردند و از آداب و رسوم واحدی پیروی می‌کردند. تغییراتی که در ابعاد مختلف زنده‌گی مردم پیش می‌آمد بسیار کند و حتا غیرقابل مشاهده بود. اما از حدود قرن هفدهم میلادی به این طرف که صنعت و تکنالوژی رشد پیدا کرد، همه ابعاد حیات بشر با سرعت زیادی شروع به تغییر نمود، طوری‌که امروز ما در معرض تغییرات سریع در همه ابعاد زنده‌گی هستیم. اکنون هر نسلی در دنیای متفاوتی از نسل گذشته زنده‌گی می‌کند و هر شخص در طول دوره زنده‌گی خود باید مهارت‌های بیشتری را یاد بگیرد تا

بتواند در شغل و موقعیت اجتماعی خود باقی بماند. ما دیگر قادر نیستیم با علوم و مهارت‌هایی که در دوران کودکی و نوجوانی یادگرفته بودیم، به اهداف خود برسیم بلکه باید همواره بر تعلیم و مهارت‌های خود افزوده و خود را برای شرایط جدید آماده نماییم.

### اهمیت و فواید تغییرات اجتماعی

بحث از تغییر اجتماعی چه فایده‌یی دارد؟ مهم ترین فایده شناخت تغییرات اجتماعی این است که ما به عنوان اعضای یک جامعه نسبت به جریان‌ات اجتماعی اطراف خود آگاه می‌شویم و همچنین از رول خود در ایجاد این تغییرات و نیز از تأثیرات این تغییرات بر زنده‌گی خویش آگاهی کسب می‌نماییم.

چه نوع تغییراتی تغییرات اجتماعی نامیده می‌شود؟ دانشمندان علوم اجتماعی می‌گویند تغییر را زمانی می‌توان اجتماعی تلقی کرد که به جامعه تعلق داشته باشد نه به فرد. گاهی اوقات تغییراتی در زنده‌گی یک یا چند فرد روی می‌دهد ولی عموم مردم جامعه از آن متأثر نمی‌شوند، در این صورت تغییر اجتماعی روی نداده است، ولی گاهی تغییر طوری است که اکثر مردم را متأثر می‌سازد؛ در این صورت این تغییر، اجتماعی محسوب می‌شود.

تغییرات اجتماعی می‌تواند در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی واقع شود؛ به طور مثال: انقلاب سیاسی و تبدیل نظام‌های سیاسی در کشور می‌تواند یک تغییر سیاسی محسوب شود. اما به یاد داشته باشیم، در صورتی که کودتایی صورت بگیرد و تنها فرد حاکم تعویض شود، بدون آن‌که نظام سیاسی تغییر کند، تغییر سیاسی صورت نگرفته است.

زمانی می‌توان از تغییر سیاسی یک کشور سخن گفت که در نظام سیاسی تغییراتی پیش آمده باشد. تغییرات سیاسی می‌تواند بدون انقلاب و توسط رفورم و اصلاح نیز به وجود آید. در عرصه اقتصاد اگر پروگرام توسعه در کشور طرح و عملی شود و در ظرف چند سال بخش اقتصاد رشد و پیشرفت چشم‌گیری نماید، می‌توان از تغییر در بخش اقتصاد سخن گفت؛ مثلاً: وضعیت زنده‌گی اقتصادی قشر بزرگی



از مردم دگرگون شود و مردم از حال فقر بیرون شده بهبودی‌های روشنی در این عرصه رونما گردد.

نکته دیگری که لازم است درباره تغییر مطرح شود این است که تغییرات می‌تواند مثبت باشد و می‌تواند منفی باشد.

بعضی از تغییرات چنان‌که در مورد توسعه اقتصادی مثال دادیم می‌تواند تغییر مثبت تلقی شود، چرا که پیامدهای آن برای عموم مردم مفید است. اما بعضی از تغییرات می‌تواند نتایج و پیامدهای زیان‌باری برای مردم داشته باشد. به طور مثال: جنگ‌های بعد از جهاد علیه متجاوزین، در کشور ما باعث تغییرات وسیعی در زندگی مردم گردید و به طور عموم زیان‌آور و غیر مفید بود.

#### مظاهر و پدیده‌های تغییر اجتماعی:

تغییرات اجتماعی عرصه‌های مختلف زندگی را در برمی‌گیرد. امروز در جهانی که زندگی می‌کنیم تقالید اجتماعی تغییر کرده است. خیلی از زبان‌های بین‌المللی به زبان‌های محلی مبدل گردیده و زبان‌های محلی به زبان‌های بین‌المللی مبدل گردیده است. تأثیرگذاری و تأثیرپذیری سرعت سرسام‌آوری یافته است. نقش مردم در تعیین سرنوشت شان توسعه یافته، وسایل علم آموزی بیشتر گردیده تقریباً همه اقشار مردم به آن دسترسی پیدا کرده‌اند.

به هر صورت، تغییرات اجتماعی اگر کنترل و رهبری شود می‌تواند ماشین حرکت اجتماع را به سوی ترقی و تکامل رهبری کند، چون عدم وجود تغییر به معنی سکون جامعه و باقی‌ماندن در یک نقطه است. امیدواریم که با شناخت عوامل تغییرات اجتماعی که در درس‌های بعدی مطرح می‌کنیم، بتوانیم آگاهانه

تغییرات اجتماعی را کنترل و هدایت نماییم و به جای آن که اسیر و گرفتار آنها شویم، از آن به نفع جامعه و کشور استفاده نماییم.

### مروری بر درس

---

---

---

---

---

### سؤالات درس

- ۱- تغییرات اجتماعی چه وقت سرعت پیدا کرد؟
- ۲- تغییر را تعریف نمایید.
- ۳- تغییر اجتماعی چیست؟ با مثال واضح سازید.
- ۴- انواع تغییر را نام بگیرید.
- ۵- تغییرات مثبت و تغییرات منفی را واضح سازید.
- ۶- موضوع تغییر اجتماعی را در چند سطر تحریر دارید.
- ۷- تغییر در عرصه سیاسی چگونه رخ می‌دهد؟
- ۸- مظاهر و پدیده‌های اجتماعی را بیان نمایید.

### کارخانه‌گی

درباره نتایج تغییرات مثبت در اقتصاد چند سطر بنویسید.

## عوامل تغییرات اجتماعی (۱)



### مباحثه کنید

با توجه به مطالب درس گذشته، دربارهٔ سؤالات زیر بحث کنید:

۱- ارزش‌های اجتماعی چه رولی در تغییرات دارد؟

۲- آیا عامل دیگری را برای تغییرات اجتماعی می‌شناسید؟ توضیح دهید.

اصطلاح تغییر اجتماعی به طور عموم در مورد همهٔ تغییرات تاریخی جوامع انسانی به‌کار می‌رود و عبارت است از تغییراتی که در طول تاریخ در اصول زنده‌گی جامعه و ملت روی می‌دهد. این تغییرات از هزاران عامل داخلی و خارجی و نیروهایی که زایندهٔ شرایط داخلی و یا خارجی است به وجود می‌آید.

تغییر و تبدیل از خصوصیات همه فرهنگ‌های جهان است. بنابراین باید گفت که نحوهٔ تغییر، در جوامع پیشرفته و ابتدایی، زراعتی و صنعتی تفاوت دارد. به این معنا که در جوامع ابتدایی تغییرات به آرامی‌بیشتری صورت می‌گیرد. در حالی که در جوامع پیشرفته میزان تغییر و تبدیل تاحدزیادی بسته به

نیروهای تغییر دهنده‌یی است که در یک زمان خاص از آن کار گرفته می‌شود. خلاصه می‌توان گفت تغییر اجتماعی، تغییری است در ساخت اجتماعی که شامل تغییرات در حجم جامعه یا در نهادهای خاص اجتماعی و روابط بین نهادها به وجود می‌آید.

تغییرات اجتماعی تحت تأثیر عوامل متعددی صورت می‌گیرد. شناخت این عوامل و نحوه ایجاد تغییر توسط آن‌ها می‌تواند برای ما به عنوان اعضای جامعه بسیار مفید باشد. در این درس بعضی از عوامل مهم تغییرات اجتماعی را می‌خوانیم.

### ارزش‌ها و اعتقادات

یکی از عوامل مهم تغییر اجتماعی، ارزش‌ها، قواعد و عقاید دینی و فرهنگی است. جامعه‌شناسان معتقدند که نیرومندترین عقاید، آن‌هایی هستند که به دین مربوط می‌شوند. چنان‌که می‌دانیم ظهور دین مبین اسلام تغییرات بسیار مهمی را در زنده‌گی مردمی که به این دین مشرف شدند، وارد ساخت. اسلام بخش وسیعی از کره زمین را دچار تحول و دگرگونی نمود. مردمی که به دین اسلام مشرف گردیدند، نظام‌های ظالمانه سنتی خود را رها نموده و به دین رهایی‌بخش اسلام درآمدند. به مدت کمتر از یک قرن، تمدن درخشان اسلامی در جهان پدید آمد. همه تغییراتی که در ملل اسلامی پدید آمد، از عقاید رهایی‌بخش اسلام متأثر بود. مثال دیگر، ظهور پروتستانتیسم، به عنوان مذهب جدیدی در مسیحیت، است. یکی از جامعه‌شناسان، در نتیجه یک تحقیق مفصل نشان می‌دهد که پروتستانتیسم که یکی از مذاهب مسیحیت است، مردم را به کار سخت و پس‌انداز وادار کرد و در نتیجه به ظهور سرمایه‌داری و صنعتی‌شدن، منجر گردید. بنابراین، در این‌جا نیز دیده می‌شود که عقاید موجب تغییرات وسیعی در زنده‌گی بشر گردیده است. شماری از محققین به این باوراند که در واقعیت امر احیای مجدد غرب در اثر تعلیمات اسلامی به وجود آمده است که از طریق جنگ‌های صلیبی و حکومت‌های اسلامی در اندلس به آنجا انتقال گردید، حتا یک‌تن از اندیشمندان هسپانیوی اظهار داشته است: اگر جنگ میدان شهیدان به فرماندهی عبدالرحمن غافقی که در جنوب

فرانسه رخ داد، کامیاب می‌شد، جوامع غربی به تمدنی که دست یافته‌اند شش قرن پیشتر به آن می‌رسیدند.

### تکنالوژی

یکی از مهم‌ترین منابع تغییر اجتماعی، تکنالوژی است. تکنالوژی عبارت است از شناخت یا تعلیم نحوه کنترل و اداره محیط. زمانی که انسان‌ها به علم جدید درباره نحوه جمع‌آوری منابع، طریقه تولید کالاها و خدمات، و طریقه توزیع آن‌ها دست پیدا کردند، کلیه روابط اجتماعی تغییر کرد. به یک مثال ساده در این زمینه توجه کنید: زمانی که مردم یک ده از گاو و قلبه برای تولید محصولات زراعتی استفاده می‌کنند، محصول آن‌ها اندک و زحمت و کار آن‌ها بسیار زیاد است. از این‌رو، افراد زیادی باید کار کنند تا محصول مختصری به دست بیاورند. ولی زمانی که تراکتور و سایر ماشین‌آلات زراعتی در این ده وارد می‌شود، کارگران کمی‌کافی است که با این ماشین‌آلات محصولات بسیار زیادی تولید کنند. در این صورت، در همه ابعاد زنده‌گی ساکنین این ده تغییر پدید خواهد آمد. در این صورت، افراد زیادی فرصت پیدا می‌کنند تا به کارهای دیگر و از جمله به فراگیری علم و دانش بپردازند. بنابراین، نوآوری و توسعه تکنالوژی جدید، باعث تغییرات بنیادی در جوامع انسانی می‌گردد.

### نابرابری اجتماعی

یکی از منابع اصلی تغییر اجتماعی، نابرابری و پیدایش گروه‌های طبقاتی، جنسیتی است. نابرابری در توزیع پول، قدرت، حیثیت، صحت، تحصیلات و دیگر منابع با ارزش و مؤثر، بین کسانی که دارای این منابع‌اند و کسانی که فاقد این منابع هستند، اختلاف و تنش عمیق ایجاد می‌کند. این تنش ضرورتاً به کشمکش خشونت‌آمیز منجر نمی‌شود، ولی فشارهایی را بر روابط اجتماعی وارد می‌کند که بالاخره به تغییرات اجتماعی منجر می‌شود.

کسانی که منابع را در اختیار دارند تلاش می‌کنند تا از طریق تحکیم قدرت و همچنین با توسل به زور و اجبار، این منابع را حفظ کنند. غالباً کسانی که منابع مذکور را در اختیار ندارند، در مقابل صاحبان ثروت و قدرت کاری کرده نمی‌توانند ولی به شکایت می‌پردازند و بعضی اوقات شورش می‌کنند. با



این حال، هنگامی که محرومیت‌ها افزایش یابد و مردم بتوانند به سازماندهی خود بپردازند، تغییرات وسیعی در جامعه روی خواهد داد. هنگامی که نابرابری‌ها، فرهنگ‌های مجزایی را به وجود بیاورند که دارای نشانه‌های فرهنگی متحدکننده، تشکیلات اجتماعی بادوام و دارای منابع مالی باشند، با وارد ساختن فشارهای سیاسی تغییراتی را ایجاد خواهد کرد. بنابراین، نابرابری مانند یک دیگ بخار فرهنگی و اجتماعی است که سرپوش آن را برای مدتی می‌توان محکم بست، اما با فشار اندک اندک متراکم گردیده و موجب تغییر خواهد گشت. تغییر در این موارد عمدتاً خشونت‌بار و سریع است.

### مروری بر درس

- .....
- .....
- .....
- .....
- .....

### سؤالات درس

- ۱- عوامل تغییر را نام بگیرید.
- ۲- ارزش‌های اجتماعی چه رولی در تغییر اجتماعی دارد؟
- ۳- عقاید اجتماعی چه رولی در تغییر اجتماعی دارد؟
- ۴- تغییرات اجتماعی و تکنالوژیکی در غرب چگونه از فرهنگ اسلامی متأثر شده است؟
- ۴- تغییرات جزیی و بنیادی را چه طور تفکیک کرده می‌توانید؟
- ۵- تکنالوژی در تغییر اجتماعی چه رول دارد؟

### کار خانه‌گی

درباره نابرابری و رول آن در تغییرات اجتماعی چند سطر بنویسید و در صنف بخوانید.

## عوامل تغییرات اجتماعی (۲)



## فکر کنید و جواب دهید

خانواده‌ی بی را در نظر بگیرید که در آن چهار نفر زنده‌گی می‌کنند. بعد از چند سال تعداد آن‌ها به ده نفر می‌رسد. حالا بگویید که:

- ۱- در روابط آن‌ها چه تغییراتی پیش آمده است؟
  - ۲- از لحاظ اقتصادی چه تغییراتی ممکن است در آن‌ها به وجود آمده باشد؟
- بعضی از عوامل مهم تغییرات اجتماعی را در درس گذشته خواندیم و تعدادی دیگر را در این درس، از نظر خواهیم گذراند:

## حجم نفوس

جریان‌ات و تحول نفوس می‌تواند فشارهای زیادی را برای ایجاد تغییر وارد سازد. هنگامی که حجم نفوس افزایش می‌یابد، اشکال جدیدی از تولیدات اقتصادی برای خوراک، مسکن، پوشاک و شهرنشینی وسیع‌تر، ضرورت پیدا می‌کند. غالباً نمونه جدید سازمان حقوقی و سیاسی، برای قانونی ساختن و کنترل توده‌های ناآرام، ضرورت پیدا می‌کند. ایجاد مکاتب جدید و مثال‌های جدید تعلیم و تربیه، برای اجتماعی‌کردن نسل جوان، ضرورت می‌یابد و این ضرورت تغییر، همچنان به پیش می‌رود. بنابراین، رشد نفوس خواهان جواب‌های اساسی و تغییر می‌باشد. متقابلاً، یک جمعیت رو به کاهش نیز می‌تواند فشارهایی برای تغییر به وجود آورد ولی با سرعت کمتری. هنگامی که تعداد نفوس کاهش می‌یابد کارگران کمتری در بخش اقتصاد و اطفال

کمتری در مدارس وجود خواهد داشت. ساختار، سنّ و نفوس نیز، فشارهایی برای تغییر وارد می‌کند: جمعیتی که نسل جوان نسبت به نسل مسن آن رو به کاهش است، مشکلاتی را به وجود خواهد آورد. چنان‌که در ایالات متحده و بیشتر کشورهای اروپایی چنین می‌باشد، که این مشکلات ناشی از یافتن عواید کافی مالیاتی برای حمایت از افراد مسنّ می‌باشد. متقابلاً، جامعه‌ای که از نفوس فراوان جوان برخوردار است، چنان‌که در مورد اغلب جوامع آمریکای لاتین، آسیا و آفریقا چنین است، با مشکلاتی در جهت ایجاد وظایف، مکاتب، مدارس و ارائه خدمات اجتماعی به نسل جوانی که در حال رشد اند، مواجه خواهد شد وضعیتی که اکثراً مشروعیت رهبران سیاسی را تضعیف کرده و در نتیجه، تغییراتی را در نهادهای سیاسی ایجاد می‌کند.

### مهاجرت و جابه جایی نفوس

مهاجرت به درون و به بیرون یک جامعه و به مناطق کلیدی آن (مانند پایتخت) نیز تأثیرات زیادی بر ساختار اجتماعی دارد. مهاجرت به بیرون نیز بر جامعه اثر می‌کند، خصوصاً اگر طبقه معینی از اتباع جامعه را ترک کنند. اگر نیروی کار تحصیل کرده و حرفه‌ای مهاجرت کند که به آن «فرار مغزها» گفته می‌شود اقتصاد، حکومت و مکاتب، به صورت زیان‌آوری، تحت تأثیر قرار خواهند گرفت. همچنین، اگر کارگران دست مزد کار، مهاجرت کنند و کمبود نیروی کار را پدید آورند، مشکلات دیگری را به دنبال خواهند داشت، گرچه وقتی فقرا کوچ می‌کنند، اغلب مهاجرت آن‌ها موجب کاسته شدن فشار بر حکومت، مدارس و سایر نهادها می‌شود.

### در مورد اثرات مهاجرت چه می‌دانید؟

مهاجرت از نقطه‌یی به نقطه دیگر هم بالای مهاجران و هم بالای گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی که این مهاجران در داخل آن، جا به جامی شوند اثرات مثبت و منفی را به بار می‌آورد. از لحاظ تاریخی پر معناترین نتیجه مهاجرت اشاعه فرهنگ بوده است. انتشار وحدت فرهنگی وقتی صورت می‌گیرد که مهاجران با باشندگان اصلی وصلت می‌کنند و نسل‌های جدید از آمیزش آن‌ها به وجود می‌آید. اختلاط

بیولوژیکی همیشه، یکی از اثرات مهاجرت بوده است. خواه به صورت غلبه اقوام مهاجر، خواه به صورت مهاجرت صلح آمیز یا در پوشش عملیات استعمار گرانه اثرات مهاجرت در داخل جامعه‌های بزرگ، توسعه شهرها، توسعه فرهنگ شهر نشینی بوده است. خلاصه جامعه‌ی نیست که عاری از تغییر و عوامل تغییر دهنده باشد. حتا غیرفعال‌ترین اجتماعات در معرض تغییر قرار دارند. از یک حالتی به حالت دیگر تغییر می‌کنند. مهمترین تغییر، عبارتند از: عوامل نفوس، ساختار تکنالوژی، زیربنای اقتصادی، ارزشها، ایدیولوژیها، تضادها، عاملان تغییر، ممکن است افرادی چون: رهبران و روشنفکران باشد. تغییر، همواره با بعضی مقاومت‌ها مواجه است که معمولاً شدیدترین این مقاومت‌ها ممکن از نهادهای مهم ناشی گردد سنتی بودن رفتار سبب استمرار و دوام آن می‌شود و در نتیجه کندتر تغییر می‌کند.

### مروری بر درس

.....

.....

.....

.....

.....

### سوالات درس

- ۱- نفوس چیست و در مسائل اجتماعی چه رولی دارد؟
- ۲- چند نوع از مهاجرت را نام بگیرید.
- ۳- مهاجرت چیست و عوامل آن چه می‌باشد؟
- ۴- درباره اثرات مهاجرت بالای تغییرات در جامعه توضیح بدهید.
- ۵- عقاید مذهبی در تغییر اجتماعی چه رول دارد؟

### کار خانگی

چند عامل تغییر اجتماعی را لیست نموده در صنف بخوانید.

## خلاصه فصل سوم

- اصطلاح تغییر اجتماعی به طور کلی در مورد همه دگرگونی‌های تاریخی جوامع انسانی به کار می‌رود و عبارت است از تبدیلات و دگرگونی‌هایی که در طول تاریخ در اصول زنده‌گی جامعه و ملتی روی می‌دهد.
- تغییر عمومی دگرگونی است که در همه نظام‌های اجتماعی صورت می‌گیرد، یا به عبارت دیگر در صورتی که در نظام اجتماعی همه چیز تغییر کند و هویت آن تغییر یابد، در این صورت تغییر عمومی صورت می‌گیرد.
- تغییر اجتماعی از تأثیر چندین عامل به هم پیوسته یا مجموعه از عوامل است که هم زمان به صورت متعادل عمل می‌کند و هر کدام متقابلاً به روی هم اثر می‌گذارند.
- هر جایی که عناصر جدید و عناصر نو در فرهنگ ظاهر شود و همین طور محتوا و ساخت فرهنگ را تغییر دهد، تغییر فرهنگی رخ می‌دهد.
- عقاید، مفاهیم عمومی و مهم درباره جهان و ماهیت جامعه هستند که مردم درستی آن‌ها را به عنوان واقعیت قبول دارد.
- اصطلاح مهاجرت به حرکت اشخاص از دولت موطن خود به دولت دیگر گفته می‌شود و به عبارت دیگر مهاجرت به حرکت مردم از یک نقطه جغرافیایی به نقطه دیگر اطلاق می‌شود.



# فصل چهارم

## نابرابری‌های اجتماعی و نشانه‌های آن

در این فصل درس‌های ذیل را می‌آموزیم:

- نابرابری اجتماعی چیست؟
- نابرابری طبقاتی؛
- نابرابری جنسیتی.

# اهداف فصل

توقع می‌رود که شاگردان عزیز بعد از خواندن این فصل:

- مفهوم و مصادیق نابرابری اجتماعی را بشناسند؛
- با انواع نابرابری‌های اجتماعی و عوامل آن‌ها آشنا شوند؛
- عواقب و پیامدهای نابرابری اجتماعی را بشناسند؛
- با راه‌های کاهش نابرابری اجتماعی آشنا شوند؛
- با مفهوم عدالت اجتماعی آشنا شوند؛
- به عدالت اجتماعی علاقمند شوند.

## نابرابری اجتماعی چیست؟



### فکر کنید و جواب دهید

مردمی که در یک جامعه زنده‌گی می‌کنند، به طور مساوی از منابع با ارزش اجتماعی، مانند ثروت، قدرت و منزلت، بهره‌مند نیستند. به نظر شما:

- ۱- چرا همهٔ مردم به طور مساوی از ثروت و قدرت برخوردار نیستند؟
- ۲- آیا این تفاوت و نابرابری عادلانه است، یا خیر؟ دلایل خود را بیان کنید.

در جوامع بشری افراد و گروه‌ها عموماً به طور مساوی از مال و ثروت، قدرت سیاسی و مقام و احترام اجتماعی برخوردار نبوده و نیستند. بعضی از گروه‌ها به خاطر تعلقات اقتصادی، سیاسی، قومی، مذهبی و غیره از امتیازات بیشتری برخوردارند و بعضی دیگر از ابتدایی‌ترین امتیازات نیز محروم‌اند. منشأ توزیع نابرابر منابع اساسی بعضی اوقات تفاوت طبیعی افراد است و بعضاً ساختار غیرعادلانه اجتماعی و اقتصادی. به طور مثال: توزیع غیر عادلانه منابع اساسی بعضاً به خاطر آن است که افرادی از توانمندی‌های فکری و فیزیکی بیشتری نسبت به دیگران برخوردارند. مثلاً: دو نفر بر روی دو قطعه زمین مشابه کار می‌کنند ولی یکی از آن‌ها به دلیل کار و تلاش بیشتر و پروگرام بهتر، سالانه دو یا چند برابر نسبت به نفر دیگر محصول می‌گیرد. اما بعضاً به خاطر تفاوت در توانمندی‌های افراد نیست بلکه به خاطر آن است

که عده‌یی به گروه خاصی تعلق دارند که به طور غیرعادلانه از امتیازات زیاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی برخوردارند و عده‌یی دیگر به گروهی تعلق دارند که از این امتیازات محروم هستند.

این تفاوت‌ها و نابرابری‌ها زمانی "اجتماعی" نامیده می‌شود که منشأ آن نه تفاوت‌های فردی، بلکه تفاوت‌های اجتماعی باشد.

گرچه همه جوامع از نوعی نابرابری برخوردار است ولی اگر این نابرابری به خاطر تفاوت‌های اجتماعی باشد، دین مبین اسلام و عقل سلیم انسانی آن را نمی‌پذیرد. برخی از مهم‌ترین نشانه‌ها و آثار تفاوت‌های اجتماعی قرار ذیل است:

### **میزان فاصله اجتماعی**

شکاف یا فاصله اجتماعی میان طبقات، گروه‌های نژادی یا جنسی در جوامع مختلف متفاوت است. بعضاً فاصله میان آن‌ها خیلی زیاد نیست و در نتیجه تفاوت میان آن‌ها نیز اندک می‌باشد ولی بعضاً بسیار زیاد است. منظور ما از فاصله اجتماعی میزان برخورداری گروه‌های مختلف از ثروت، قدرت و منزلت اجتماعی است. در بعضی از جوامع، تعداد اندکی از مردم زیادترین منابع ثروت و قدرت را در اختیار دارند و توده‌های وسیعی از مردم از کمترین اندازه منابع که ضرورت‌های اولیه زنده‌گی آن‌ها را هم تأمین نمی‌کند، برخوردارند. نظر به وضعیت، فرهنگ و سبک زنده‌گی گروه ممتاز و سایر مردم نیز بسیار زیاد تفاوت می‌کند. در این صورت فاصله اجتماعی وسیع است. اما اگر تفاوت زیادی میان مردم وجود نداشته باشد، در آن صورت فاصله اجتماعی اندک است.

### **تحرك اجتماعی**

تحرك اجتماعی به جابه‌جا شدن افراد در مقام‌ها و موقعیت‌های اجتماعی گفته می‌شود. به طور مثال: کسی که در یک خانواده دهقان متولد شده، اگر بتواند با

تلاش شخصی و تحصیلات مناسب به پست‌های عالی‌رتبه نظام اداری برسد، آن جامعه از تحرک اجتماعی برخوردار است ولی اگر جامعه به کسانی که در خانواده‌های پایین متولد می‌شوند اجازه بالارفتن از سلسله‌مراتب اجتماعی را ندهد، تحرک اجتماعی در آن جامعه وجود ندارد. میزان تحرک اجتماعی نیز می‌تواند کم یا زیاد باشد.

جوامعی که تحرک اجتماعی در آن زیاد است، از نابرابری کمتری برخوردار است و یا به سوی کم‌کردن نابرابری پیش می‌رود، چون به افراد اجازه می‌دهد که در سلسله‌مراتب اجتماعی جابجا شده و خود را ارتقا دهند ولی جوامع بسته که به افراد اجازه جابجاشدن نمی‌دهد، دارای نابرابری بسیار شدید می‌باشد. بنابراین، عدم تحرک اجتماعی یکی از نشانه‌های مهم نابرابری اجتماعی است. نابرابری‌ها در اکثر اوقات انقلاب‌های وسیع را در عموم جامعه پدید می‌آورند؛ ولی اکثراً نزاع‌های جدی را میان کسانی که از منابع خاصی برخوردار اند و کسانی که از آن منابع محروم‌اند، ایجاد می‌کنند.

همان‌طور که نظریه‌های کشمکش تأکید می‌ورزند اکثریت جالب‌ترین حوادث اطراف ما از قبیل تظاهرات کارگری، مطالبه حقوق مساوی برای زنان، تضادهای نژادی و قومی از نابرابری‌ها به وجود می‌آید. جنبش‌های اجتماعی که خواهان تغییرات اند از قبیل جنبش کارگری، جنبش حق رأی برای زنان، جنبش حقوق مدنی همه در جواب به نابرابری‌ها به وجود آمده و گسترش یافته‌اند. اکثراً جنگ‌ها و خشونت، بخشی از این جنبش‌ها همچون عواملی برای تغییر و نیز عواملی برای کنترل اجتماعی، قلمداد می‌شوند. اسلام از چهار صد سال به این سو به عنوان دینی برتر عمل کرده و عوامل نابرابری‌های اجتماعی را ریشه کن نموده است. در اسلام تمام افراد جامعه از حقوق مساوی و عادلانه برخوردار



اند به طور مثال: در اسلام آزاد نمودن غلام جزیی از شعایر دین پنداشته شده و کفارهٔ بعضی از گناهان از جمله روزه خوردن عمدی قلمداد گردیده است. هم‌چنان در اسلام میان عرب و عجم هیچ تفاوتی موجود نیست حتا آنانی که از نگاه سیاسی در قلمرو اسلام قرار داشتند ولی خود مسلمان نبودند، از تمام حقوق شهروندی برخوردار بودند.

### مروری بر درس

.....

.....

.....

.....

.....

### جواب به سؤالات

- ۱- نابرابری را تعریف نمایید.
- ۲- آیا انسان‌ها قادراند جامعه‌یی که در آن هیچ نوع نابرابری وجود نداشته باشد بسازند؟
- ۳- چطور می‌توانیم نابرابری را کاهش بدهیم.
- ۴- اگر در جامعه نابرابری‌ها تشدید یابد چه پیامدهایی خواهد داشت.
- ۵- اسلام با نابرابری‌ها چگونه مبارزه می‌کند؟

### کارخانه‌گی

در محیط پیرامون خود ببینید که کدام نابرابری‌ها وجود دارد و آن را  
لست نمایید.

## نابرابری طبقاتی



### مباحثه نمایید

با توجه به درس قبلی:

- ۱- چه نوع نابرابری‌هایی را در محیط خود می‌شناسید؟
  - ۲- به نظر شما این نابرابری‌ها قابل قبول است یا نه؟ دلیل خود را بیان کنید.
- یکی از انواع مهم نابرابری، به‌خصوص در جوامع پیشرفته، نابرابری ناشی از طبقات اجتماعی است. گرچه تعاریف متفاوتی از طبقه اجتماعی ارائه شده ولی می‌توان گفت که طبقه اجتماعی عبارت است از دسته‌هایی از مردم که در اثر تفاوت در دسترسی به منابع مادی جامعه تشکیل می‌یابد و به‌همین خاطر تفاوت‌هایی در سبک زندگی و فرهنگ آن‌ها نیز پدید می‌آید. این تعریف ضرورت به توضیح بیشتری دارد: زمانی که مردم از ثروت، قدرت و مقام متفاوتی برخوردار هستند، کسانی که از یک نوع امتیازات برخوردارند با هم روابط اجتماعی برقرار می‌کنند و با کسانی که از امتیازات خیلی متفاوتی برخوردار شده‌اند کمترین روابط را برقرار می‌کنند. این روابط از معاشرت‌ها و مهمانی‌ها گرفته تا ازدواج‌ها و روابط خونی و خویشاوندی را در برمی‌گیرد بدین ترتیب، هر دسته‌یی از مردم که سطح خاصی از امتیازات را در اختیار دارند دارای نوعی سبک و طریقهٔ زندگی و فرهنگ می‌باشند که با کسانی

در سطوح بالا یا پایین قرار دارند، متفاوت اند. بنابراین، هر گروه از مردم که از امتیازات نسبتاً مساوی و فرهنگ و سبک زنده‌گی مشابهی برخوردارند، یک طبقه نامیده می‌شود. و همان طوری که توضیح داده شد، وجود طبقات به معنی نوعی نابرابری اجتماعی میان مردم یک جامعه است.

طبقات در جوامع مدرن دارای خصوصیتی است که به خاطر اهمیتی که دارد، بعضی از آن‌ها را اندکی توضیح می‌دهیم:

### فاصله طبقاتی

در جوامع پیشرفته امروزی با وجود آن که فاصله طبقاتی وجود دارد ولی مرز طبقات خیلی آشکار و واضح نیست. به عبارت دیگر، میان طبقات مختلف یک جامعه مرز خیلی واضح و آشکار کشیده نشده است بسیاری از افراد هستند که دقیقاً معلوم نیست که به طبقه بالا تعلق دارند یا به طبقه پایین، در حالی که در جوامع عنعنوی این مرز خیلی واضح و روشن است.

### تمرکز ثروت

گرچه در جوامع پیشرفته تقریباً همه مردم از کمترین امکانات ضروری برخوردار اند، ولی سرمایه بسیار غیرعادلانه توزیع شده است. به عنوان مثال، بنا به مطالعه‌یی که در سال ۲۰۰۷ میلادی در آمریکا انجام شد، نشان می‌دهد که در حدود ۳۹ فیصد سرمایه این کشور در دست تنها یک درصد جمعیت قرار داشته و بقیه جمعیت این کشور مالک بقیه سرمایه بوده است. چنان که می‌دانیم، وقتی که ثروت چنین غیرعادلانه توزیع شده باشد، قدرت و منزلت اجتماعی، که با ثروت رابطه بسیار نزدیک دارد نیز به همین صورت توزیع خواهد شد. طوری که ملاحظه گردید، در جوامع طبقاتی با وجود آن که حداقل امکانات زنده‌گی برای اکثریت قاطع مردم تأمین می‌گردد ولی ثروت، قدرت و منزلت به صورت کاملاً غیرعادلانه توزیع می‌گردد.

## تحرک اجتماعی

در جوامع طبقاتی مدرن، برخلاف اکثر جوامع سنتی، تحرک اجتماعی و جابه‌جا شدن افراد در مقام‌ها و طبقات اجتماعی مختلف هم امکان‌پذیر است و هم نسبتاً آسان. به طور مثال، فردی که به طبقه پایین تعلق دارد، می‌تواند با تلاش و زحمات خود از طریق تحصیل علم یا ثروت خود را به طبقه متوسط و یا حتی بالای جامعه برساند. گرچه اکثراً موانع نامرئی و اعلام نشده فراوانی بر سر راه تحرک افراد وجود دارد، ولی قانوناً و عملاً امکان‌پذیر است. افراد زیادی دیده می‌شود که از این شرایط استفاده نموده و خود را به طبقات بالاتر منتقل می‌کنند. تحرک معکوس نیز کاملاً ممکن است، یعنی افرادی به دلایل مختلف ممکن است از طبقات بالا سقوط نموده و به طبقات پایین تنزل کنند.

## استثمار همه جانبه

به دلیل خصوصیتی که برای جوامع طبقاتی مدرن برشمردیم، در این جوامع نوعی استثمار آرام، ملایم ولی بسیار عمیق و وسیع وجود دارد. یک اقلیت محدود که امکانات و منابع با ارزش جامعه را در دست دارد، اکثریت جامعه را هم از لحاظ اقتصادی، هم از لحاظ سیاسی و هم از جهت فرهنگی تحت استثمار خویش قرار می‌دهد. ایجاد نظام دایمی نابرابری از چند لحاظ به سود گروه مسلط است. نخست، امتیازاتی را که گروه قبلاً داشته حفظ می‌کند. بدین ترتیب نظام حکومت و قانون، چنانچه زیر نفوذ شدید ثروتمندان و قدرتمندان باشد، به حفظ دارایی و امتیازات آن‌ها در برابر دیگران در جامعه کمک خواهد کرد. دوم، گروه مسلط را در موقعیت مساعدی برای وظایف، تعلیم و تربیه، و مسکن قرار می‌دهد. سوم، به نخبه‌گان امکان می‌دهد تا از کسانی که در موقعیت‌های پایین قرار دارند به عنوان کارگر، اجیر و مصرف‌کننده استفاده کنند، بدین ترتیب زنده‌گی را آسان‌تر کرده و ثروت خود را افزایش دهند. بعضی از علما، معتقد اند که نظام نابرابری موقعیت ممتاز قدرتمندان را حفظ می‌کند، نفوذ رقابت‌آمیز آن‌ها

را افزایش می‌دهد و به آن‌ها امکان می‌دهد که کسانی را که در موقعیت‌های پایین هستند، استثمار کنند. اسلام از اولین ایامی که در شبه جزیره عربستان ظهور نمود بر نظام طبقاتی خط بطلان کشید. بادر و برده را در یک صف قرار داد، میان ابوبکر و عمر و علی و ابوعبیده و مصعب بن عمیره (رضی الله عنهم) که از جمله عرب‌های ثروتمند و شریف جامعه بودند و میان بلال و یاسر و سمیه و عمار و صهیب (رضی الله عنهم) که از طبقه فقیر و برده گان بودند، برابری آورد. اسلام از همان آغاز معیار برتری را تقوی، علم و فضایل اخلاقی اعلان نمود. و به این شکل تمام مظاهر نابرابری را جاهلی و غیر انسانی دانست.

#### مروری بر درس

- .....
- .....
- .....
- .....
- .....

#### سؤالات درس

- ۱- طبقه را تعریف نمایید.
- ۲- فاصله طبقاتی چیست؟ توضیح دهید. فردی که به طبقه پایین، تعلق دارد چگونه می‌تواند خود را به بالاترین طبقه برساند؟
- ۳- استثمار چیست؟ کدام طبقه تحت استثمار قرار می‌گیرد؟ توضیح دهید.
- ۴- اسلام با نابرابری‌های اجتماعی و نظام طبقاتی چگونه مبارزه کرده است؟
- ۵- معیار فضیلت و برتری در اسلام چیست؟

#### کار خانه‌گی

چند موردی که علت نابرابری‌ها در جامعه می‌شود لست نموده و در صنف بخوانید.



## نابرابری جنسیتی



### فکر کنید و جواب دهید

طوری که می‌دانیم، نیمی از جامعه بشری مرد و نیمی دیگر زن است. به نظر شما:

۱- زنان و مردان به صورت مساوی از امتیازات برخوردارند؟

۲- اگر نوعی از نابرابری جنسیتی موجود باشد، آن را توضیح دهید.

### جنسیت چیست؟

جنسیت یعنی دفاع و جانبداری از حقوق زنان و عقیده به

برابری زن و مرد در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و مبارزه برای رفع تبعیض، تحقیر، توهین و ستم به زنان.

هدف از مسأله جنسیتی برآورده نمودن و سپردن حقوق مساویانه زن و مرد در حیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است، تا نابرابری جنسیتی از بین برود. جنسیت در همه سطوح جهان اجتماعی دیده می‌شود. جنسیت تشکل اندیشیدن درباره خود و برقرار کردن ارتباط با دیگران است و تأثیر زیادی در تعیین نوع کار و زنده‌گی خانواده و جامعه دارد.

جنسیت تعیین کننده سلسله مراتب اجتماعی است؛ زیرا در اکثر جوامع، بخش عمده منابع اجتماعی را تحت کنترل خود دارد، جنسیت اشاره به معنای اجتماعی مرد بودن و زن بودن دارد.

خداوند جَلَّ جَلَّاهُ انسان را از دو جنس مرد و زن آفریده است. یکی از نشانه‌های حکمت خداوند جَلَّ جَلَّاهُ این است که در همه جوامع تعداد زن و مرد تقریباً مساوی است. زنان و مردان در طول تاریخ یک نوع تقسیم کار داشته‌اند: زنان عمدتاً به کارهای داخل خانه و تربیت اطفال مصروف بودند و مردان به کارهای بیرون از خانه و تهیه و تدارک مواد خوراکی می‌پرداختند. به دلیل آنکه کار خانه در عین سخت بودن، درآمد ملموسی نداشت، مقام اجتماعی

زنان روز به روز تنزل یافت و توانایی و شایسته‌گی آن‌ها کمتر از مردان در نظر گرفته شد و به همین خاطر در همه جوامع کارهای مهم و با صلاحیت در دست مردان قرار دارد. امروز در همه فرهنگ‌های جهان زنان مقام متناسب با مردان ندارند و زنان معمولاً به کارهایی وادار می‌شوند که درآمد و اعتبار کمتری دارد. بعضی‌ها فکر می‌کنند که محرومیت زنان از فرصت‌های شغلی بالا به دلیل آن است که زنان از توانایی فکری و فیزیکی کمتری برخوردارند و همین کارهایی که به‌طور عنعنوی به زنان واگذار شده مناسب‌ترین کارها برای آن‌هاست. واقعیت این است که زنان و مردان از نظر حیاتی تفاوت اندکی دارند و تفاوت‌های یادشده باعث نمی‌شود که زنان را از همه فرصت‌های ترقی و پیشرفت محروم سازیم. دین مبین اسلام نیز زنان را مانند مردان انسان می‌داند.

اسلام تفاوت میان زن و مرد را به رسمیت می‌شناسد ولی بی‌عدالتی در حق زن یا مرد را به هیچ وجه نمی‌پذیرد. تاریخ اسلام شاهد حضور قوی زنان در عرصه‌های مختلف زنده‌گی بوده است. زنان در فتوحات اسلامی و غزوات پیامبر صلی اله علیه وسلم اشتراک داشته اند. در روایات آمده است که حضرت فاطمه الزهرا و شماری دیگر از زنان مسلمان در جنگ‌های احد و حنین و غیره شرکت جسته اند. هم چنان در عرصه کار فرهنگی و ملی حضور قوی داشتند از میان زنان کسانی بروز نمودند که در مسائل علمی دانشمند گردیدند. مثلاً: حضرت عایشه (رضی الله عنها) یکی از راویان بزرگ حدیث محسوب می‌شود و خود در مسائل فقهی دیدگاه و نظریه به خصوصی دارد. هم‌چنان زنان مسلمان در طول تاریخ در امور سیاسی نقش برانده‌یی داشته اند. ولی آن چه از تبعیضی که در جوامع اسلامی میان زن و مرد به چشم می‌خورد علتش به جهل مردم نسبت به تعالیم اسلامی و عدم تربیت سالم دینی بر می‌گردد.

در این جا به عواقب و پیامدهای منفی نابرابری جنسیتی می‌پردازیم. گرچه نابرابری جنسیتی پیامدهای منفی بسیار زیادی برای افراد و جوامع در پی دارد، ما در این جا

به طرح بعضی از مهم‌ترین آن‌ها اکتفا می‌کنیم:

**عقب‌مانده‌گی جامعه:** زنان کلید انکشاف خانواده، جامعه و جهان اند. انکشاف آن متضمن انکشاف عمومی است. طوری که دیده می‌شود اکثر زنان در افغانستان بی‌سواد اند و از پروسه‌های انکشافی دور می‌باشند واضح است که حرکت بطنی این اکثریت بی‌سواد از سرعت حرکت کاروان ملی در راه توسعه و انکشاف ملی می‌کاهد.

### کشمکش اجتماعی

در گذشته زنان و مردان تابع عرف و سنت‌های اجتماعی بودند، و هر کس کاری را انجام می‌داد که عرف و فرهنگ جامعه برایش تعیین کرده بود، ولی امروز در اثر گسترش تعلیم و تربیت و توسعه ارتباطات و رسانه‌ها وضعیت خیلی فرق کرده است. امروز همه می‌دانند که زنان می‌توانند مانند مردان تحصیلات عالی و مشاغل پرعاید داشته باشند و برای ارتقای ظرفیت و کسب مقام‌های اجتماعی از توان و نیروی عقلی خوبی برخوردار هستند. از این‌رو، آن‌ها می‌خواهند از وضعیت تبعیض‌آمیز برآمده و به ارتقای ظرفیت و کسب مشاغل پردرآمد بپردازند و تمام تلاش خود را برای دسترسی به این هدف به کار می‌برند. بنابراین قبل از همه باید به انکشاف زنان که تهداب گذاران نسل‌ها و زمینه سازان انکشاف اند توجه جدی مبذول گردد

### مروری بر درس

- .....
- .....
- .....
- .....

## سؤالات درس



۱. نابرابری چیست؟
۲. جنسیت چیست؟
۳. آیا در جهان در تعداد زنان و مردان تفاوت وجود است؟
۴. چرا زنان نسبت به مردان در اکثریت نقاط جهان از منافع اساسی اجتماعی محروم اند؟
۵. زنان در اسلام از چه موقعیتی برخوردارند؟
۶. علت نابرابری و تبعیض میان زن و مرد در جوامع اسلامی چیست؟
۷. نابرابری جنسیتی چه پیامدهای در قبال دارد؟ بیا ن دارید

## کار خانه‌گی



چند سطر درمورد وضعیت اجتماعی زنان افغانستان بنویسید.

## خلاصه فصل چهارم

- نابرابری‌های اجتماعی به معنای عام به تفاوت‌های میان افراد یا مقام‌ها که به صورت اجتماعی تعریف شده و افراد آن را اشغال کرده اند، اشاره می‌کند.
- طبقه اجتماعی عبارت است از گروه‌هایی از مردم که در اثر تفاوت در دسترسی به منافع مادی جامعه تشکیل می‌یابد و به همین خاطر تفاوت‌هایی در سبک زنده‌گی و فرهنگ آن‌ها پدید می‌آید.
- دین مبین اسلام تفاوت‌های قومی و نژادی را مایه هیچ نوع امتیازی نمی‌داند و امتیاز انسان‌ها را تنها بر اساس تقوی و پرهیز گاری می‌داند.
- هدف از مسائلی جنسیتی برآوده نمودن و سپردن حقوق مساویانه زن و مرد در حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است، تا نابرابری جنسیتی از بین برود.
- باید در انکشاف زنان که تهداب‌گذاران نسل‌ها و زمینه‌سازان توسعه و انکشاف‌اند توجه جدی مبذول گردد..

# فصل پنجم

## مشکلات اجتماعی ما

در این فصل مطالب زیر را می‌آموزیم:

بی‌سوادی؛

فقر و بی‌کاری؛

مسکن؛

صحت و تداوی؛

مواد مخدر؛

ناامنی و دهشت‌افگنی؛

مواد منفجرناشده.



## اهداف فصل

توقع می‌رود که شاگردان عزیز بعد از خواندن این فصل:  
اهمیت سواد را بدانند و به زدودن بی‌سوادی از جامعه علاقمند شوند؛  
فقر و بی‌کاری و نتایج منفی آن‌ها را بشناسند و به تلاش و کوشش وادار شوند؛  
با مشکل کمبود مسکن آشنا گردیده و راه‌های بیرون رفت از آن را بشناسند؛  
مشکلات ناشی از مواد مخدر، مواد انفجاری منفجرناشده، ناامنی و کمبود خدمات صحتی را بدانند و با راه‌های مقابله با آن‌ها آشنا شوند.

## مشکلات اجتماعی ما: بی سوادی

## فکر کنید و جواب دهید

زنده‌گی در دنیای جدید ضرورت به تعلیم و تربیه دارد. چنان‌چه خداوند<sup>(ع)</sup>

در قرآن کریم می‌فرماید:

(اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ \* خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ \* اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ \* عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ \* )

ترجمه: بخوان به برکت نام پروردگار

خود که آفریده \* آفریده آدمی را از  
خون بسته \* بخوان و پروردگارتو  
کریم است \* آن‌که علم آموخت به  
وسیله قلم \*

کسانی که تعلیم نکرده باشند  
بی سواد نامیده می‌شوند. با توجه به  
این واقعیت:



۱- اگر کسی سواد نداشته باشد، با چه

مشکلاتی مواجه می‌شود؟

۲- جامعه‌یی که تعداد زیادی از اعضایش بی سواد باشد با چه مشکلاتی

مواجه می‌گردد؟

انسان‌ها مدت‌های زیادی بر روی زمین زنده‌گی کردند ولی خواندن و نوشتن را نمی‌دانستند. در آن زمان زنده‌گی انسان‌ها بسیار ساده و ابتدایی بود. در آن زمان تجارب نسل‌های گذشته به صورت عملی و شفاهی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌گردید و اعضای جدید جامعه مهارت‌ها و فنون مورد ضرورت خود را در جریان زنده‌گی روزمره یاد گرفتند. در آن زمان هیچ‌گونه پروگرام خاصی برای آموزش وجود نداشت. بی سوادى همیشه مانع بزرگی در جریان تکامل جوامع

بشری است. بنابراین گفته می‌توانیم که بی‌سوادی یک مرض مهلک و دشمن درجه یک بشریت، مشکل عمده در مسیر تکامل ترقی، پیشرفت، انکشاف و توسعه جوامع بشری به خصوص کشورهای جهان سوم و عقب مانده محسوب می‌شود. محو کامل آن امر ساده و عادی نبوده بلکه یک جریان مغلق و پیچیده بوده و به همکاری وسیع ملی و بین‌المللی ضرورت دارد. اگر چه مبارزه با این مرض مهلک مستلزم کار و پیکار اساسی و وسیع می‌باشد. در این استقامت از طرف کشورها و سازمان‌های ملی و بین‌المللی به‌خاطر محو بی‌سوادی در سطح جهان اقداماتی صورت گرفته است.

امروزه در کشورهای پیشرفته، همه مردم با سواداند حتا افرادی که نابینا و ناشنوا اند نیز با سواد هستند. در کشور ما حدود ده میلیون هموطن ما از نعمت سواد محروم بوده و هم‌اکنون پنج میلیون طفل کشور از رفتن به مکتب دور مانده اند. بعضی از مهم‌ترین مشکلاتی که از این ناحیه برای کشور ما پیش می‌آید. عبارت اند از: فقر، جهل، عقب مانده‌گی اجتماعی، اقتصادی، اعتیاد، روی آوردن به جرم و جنایت.

ملتی که از نعمت سواد و تعلیم محروم است همیشه محتاج به کشورهای قدرتمند است. پس بر کشورهای فقیر لازم است تا توجه خود را به علم و سواد معطوف و در توسعه مکاتب توجه نمایند، زیرا مکتب محرک اصلی توسعه و جلوگیری از فقر و عقب مانده‌گی تلقی می‌گردد. در عصر حاضر با پیشرفت علم و تکنالوژی و با صنعتی و زراعتی شدن کشورهای جهان این کشورها به نیروی انسانی و کارگر ماهر و با سواد در مزارع، فابریکه‌ها و صنایع ثقیله و خفیفه بیشتر ضرورت دارند. بنابراین کشورها سعی و تلاش می‌نمایند تا افراد جامعه با سواد شوند؛ زیرا افراد بی‌سواد نمی‌توانند به وجه احسن در مزارع و در فابریکه‌ها در امر توسعه و پیشرفت صنعتی و زراعتی به صورت درست و مفید کار و فعالیت کنند.

سواد وسیله مهم و اساسی برای هر نوع آموزش است. سواد یک عنصر ضروری، برای مشارکت در فعالیتهای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است. واضح

است که شخص بی‌سواد نمی‌تواند پرابلم‌های اجتماعی خود را به صورت بهتر حل نماید. به خود، فامیل و جامعه خود مصدر خدمات شایسته گردد. افرادی که دارای سواد کامل هستند جامعه و محیط ماحول خود را درک می‌کنند و مشکلات خود و جامعه را می‌یابند. گر چه عموماً سواد را به معنای توانایی خواندن و نوشتن می‌دانند، ولی واقعیت این است که سواد به معنای توانایی خواندن، نوشتن و درک متن‌های نوشته‌شده است. درک متن به این معنی است که فرد باید توانایی‌های زبانی خوب و دانش عمومی کافی داشته باشد. این توانایی تنها از طریق درس خواندن در مکتب به‌دست می‌آید.

**فقر و عقب‌مانده‌گی:** یکی از ابتدایی‌ترین پیامدهای بی‌سوادی، فقر است. در جوامع معاصر اکثر کارها و مشاغل ضرورت به سواد و مهارت مسلکی دارد. به این دلیل، اگر کسی سواد نداشته باشد، نمی‌تواند کار مناسب و درآمد کافی داشته باشد. وقتی که اکثر اعضای جامعه بی‌سواد یا کم‌سواد باشد، علاوه بر فقر این افراد، عموم جامعه نیز دچار فقر خواهد شد، چون بخش مهمی از عاید دولت را مالیات، عشر و زکات، خمس و صدقات واجبه و نافله تشکیل می‌دهد.

وقتی که مردم فقیر باشند، دولت نیز دچار کاهش عواید بیت‌المال و مالیات خواهد شد، در نتیجه امکانات عمومی جامعه از قبیل راه، شفاخانه، مکتب، نفقهٔ بیوه‌ها، یتیمان، نابینایان، ناشنوایان، معلولین، علما و کسانی که در خدمت مردم مصروف کار اند مانند: مأمورین دولت، قضات، معلمین، داکتران و غیره که شریعت اسلام مصارف شان را در بیت‌المال مقرر کرده کاسته خواهد شد. پارک‌های تفریحی و مانند اینها کم و فاقد امکانات خواهد گردید. همچنین، کارخانه‌ها و تولیدات در چنین کشوری نمی‌تواند رشد کند. در نهایت، کشور دچار فقر و عقب‌مانده‌گی شدید خواهد شد.

**اعتیاد:** جامعه بی‌سواد به خاطر فقر و جهل بیشتر به دام هیولای اعتیاد گرفتار می‌شود. بی‌سوادی و جهل با فقر و در نهایت اعتیاد رابطه بسیار نزدیکی دارند. لذا سرمایه‌گذاری در بخش تعلیم و تربیت و توجه به کیفیت آموزش بسیار مفید و نتیجه‌بخش است. لازم به یادآوری است که نتایج سوء بی‌سوادی بسیار وسیع و گسترده است و مواردی که ما در این جا بحث کردیم تنها نمونه‌هایی از آنهاست.

#### مروری بر درس

-----

-----

-----

-----

-----

#### سؤالات درس

- ۱- بی‌سوادی چیست؟
- ۲- سواد را تعریف نمایید، در کشور ما چند فیصد زنان و مردان خواندن و نوشتن را یاد ندارند؟
- ۳- بی‌سوادی در کشور ما چه مشکلاتی را به بار می‌آورد؟ توضیح دهید.

#### کار خانه‌گی

یک شخص بی‌سواد را با یک شخص باسواد مقایسه کنید و در این باره چند سطر در کتابچه‌های خود نوشته کرده و در صنف بخوانید.



## مشکلات اجتماعی ما: فقر



### مباحثه نمایید

سؤالات ذیل را با دقت خوانده و جواب بگویید:

- ۱- چرا انسان فقیر می‌شود؟
  - ۲- فقر چه تأثیراتی بر زنده گی انسان می‌گذارد؟
  - ۳- چطور از فقر جلوگیری کنیم؟
- انسان ضرورت به خوراک، پوشاک، مسکن و بسیاری از مواد و وسایل دیگر دارد تا بتواند زنده گی کند. خداوند مهربان همهٔ مواد مورد

ضرورت بشر را در طبیعت قرار داده و به انسان فکر و توان کافی داده که آن‌ها را استخراج و مطابق با احتیاجات خود از آن‌ها استفاده نماید. اگر شرایط به‌طوری فراهم گردد که انسان بتواند از فکر و استعداد خود کارگرفته و منابع طبیعی را برای رفع احتیاجات خویش استخراج و بهره‌برداری نماید، دچار فقر و تنگدستی نمی‌شود ولی اگر انسان تن به تنبلی دهد و یا موانع طبیعی یا اجتماعی دیگری پیش بیاید که نتواند از این نعمت‌های الهی استفاده نماید، فقیر و تنگدست می‌شود.

**فقر چیست؟** فقر عبارت است از نداشتن ضرورت‌های اولیه که انسان به آن‌ها ضرورت دارد. فقر یکی از مصیبت‌هایی است که در طول تاریخ، بشر را رنج داده و می‌دهد. طوری که رسول الله ﷺ می‌فرمایند قریب است که فقر به کفر منتهی شود، بنابراین، جواب به این سؤال که **چرا انسان فقیر می‌شود؟** بسیار مهم است، چون که با پیدا کردن جواب این سؤال می‌توان فهمید که ما چرا فقیر هستیم. گرچه عوامل بسیار زیادی برای فقر وجود دارد که بررسی همه آن‌ها در این جا ممکن نیست، ولی به طور کلی می‌توان آن‌ها را به سه بخش عمومی تقسیم کرد:

## عوامل فردی

عوامل فردی که خود انواع مختلفی دارد، به آن بخش از عوامل گفته می‌شود که ریشه آن در خود فرد است؛ به طور مثال: بعضی از مهم‌ترین عوامل فردی فقر عبارتند از:

- (۱) تنبلی و تن‌دادن به کار و کوشش
- (۲) بی‌سوادی و نادانی که باعث ناتوانی انسان در زنده‌گی می‌گردد.
- (۳) نداشتن مهارت لازم برای انجام دادن کارهای مهم و پرعايد
- (۴) معیوب و ناقص بودن عضو یا اعضای بدن که مانع از کار و تلاش می‌گردد در صورتی که انسان به یک یا چندتا از عوامل فوق مبتلا گردد در تأمین زنده‌گی شخصی خویش دچار مشکل گردیده و فقیر خواهد شد.

## عوامل طبیعی

گرچه خداوند مهربان ضرورت‌های ما را در طبیعت قرار داده است ولی این نعمات به طور مساوی در طبیعت توزیع نشده است؛ به طور مثال:

- (۱) بعضی از زمین‌ها خیلی حاصل‌خیز است و بعضی دیگر حاصل‌چندانی نمی‌دهد؛
- (۲) بعضی از مناطق معادن و منابع گران‌بها دارد؛ مانند: طلا، آهن، نفت و گاز، ولی مناطقی از زمین عاری از این گونه معادن گران‌بهاست. علاوه بر این، بعضی از حوادث طبیعی مانند: سیل، خشک‌سالی و توفان نیز می‌تواند باعث ویرانی‌ها و نابودی اموال و ثروت مردم گردد. با توجه به تفاوت‌های یادشده، کسانی که در مناطق حاصل‌خیز سکونت دارند می‌توانند با زحمت اندک حاصل فراوانی به دست‌آورند. ولی مردمی که در مناطق غیرحاصل‌خیز ساکن هستند باید زحمات زیادی بکشند تا حاصل کمی به دست آورند. همچنین، کشورهایی که معادن طلا، آهن، نفت و گاز در اختیار دارند می‌توانند با فروش آن‌ها تعلیم و تربیت خود را ارتقا دهند، امکانات عمومی را افزایش دهند و صنایع و زراعت خود را توسعه دهند. در حالی که کشورهای دیگر از این گونه نعمات طبیعی محروم‌اند. پس برخورداری از زمین حاصل‌خیز، آب و هوای مناسب و معادن گران‌قیمت باعث ثروت و نداشتن آن‌ها باعث فقر و تنگدستی می‌گردد.

## عوامل اجتماعی

در کنار عوامل یادشده، عوامل اجتماعی نیز در دسترسی و عدم دسترسی انسان به نعمات طبیعی مؤثر است. ثروت و امکانات طبیعی از طریق مکانیزم اقتصادی خاص هر جامعه توزیع می‌شود.

اگر این سیستم عادلانه و عاری از تعصب و تبعیض باشد، افراد بر اساس سهمی که دارند از امکانات و منابع موجود مستفید می‌شوند، ولی اگر نظام اقتصادی و اجتماعی عادلانه نباشد افراد خاصی بیشترین استفاده جویی را از امکانات موجود خواهند کرد و دیگران به دلایل ناموجهی از آن‌ها محروم خواهند شد. جامعه‌یی به رفاه و ثروت دست پیدا می‌کند که هر فردی بر اساس شایسته‌گی‌ها و توانایی‌های خود از امکانات و منابع جامعه مستفید شود. در جامعه عادلانه حتا برای کسانی که به دلایلی چون نقص عضو یا پیری نمی‌توانند کار کنند، نیز سهمی در نظر می‌گیرند و به آن‌ها نیز رسیده‌گی می‌شود.

یکی از عوامل عمده فقر در جامعه استقرار سیاسی و اجتماعی و امنیتی است. جامعه‌یی که از استقرار و آرامش سیاسی برخوردار نبود مردم با مشکلات فراوان امنیتی مواجه گردیده، تمام استعدادهای قوی صرف زد و بندها گردیده تمام برنامه ریزی‌ها در راستای تقویت پایه‌های سیاسی خود و مخالفین منحصر می‌ماند، در نتیجه آحاد جامعه مبتلا به فقر می‌شوند. همان‌سان در صورتی که در جامعه استقرار اجتماعی نبود مردم همواره از شهری به شهر دیگر در فرار و کوچ می‌باشند. این حالت قدرت ابتکارات امور معیشتی را از ایشان می‌گیرد. و اگر از جامعه امنیت رخت بر بست هیچ تصور تقویت بنیه اقتصادی در اذهان شکوفه نمی‌کند.

کشور ما که دارای تاریخ درخشان و طبیعت مملو از منابع طبیعی قیمتی می‌باشد، متأسفانه اکنون یکی از فقیرترین کشورهای جهان به حساب می‌رود. مهم‌ترین عوامل فقر کشور ما در این مرحله تاریخ عبارتند از:

۱) جنگ‌های طولانی: مردم ما برای دفاع از دین و سرزمین خود تقریباً سه دهه به جهاد و جنگ‌های داخلی گرفتار گردید. در این مدت نه تنها هیچ کاری برای رشد، و توسعه کشور صورت نگرفت بلکه سرمایه‌های موجود ملت نیز نابود گردید. زیربنای اقتصادی کشور، از قبیل کارخانه‌ها و تأسیسات اقتصادی در بخش‌های صنعت، زراعت و سایر بخش‌ها به طور عمومی نابود شد.

۲) از بین رفتن نظم و انضباط اداری، اجتماعی و فرهنگی در طی سال‌های بحران: از بین رفتن این نظم و انضباط باعث هرج و مرج در رفتار مردم گردیده و مانع فعالیت‌های اقتصادی باثبات گردید.

۳) بی‌سوادی و نادانی: در طی سال‌های نا امنی مکاتب کشور عمدتاً تعطیل بود و این امر باعث گردید که یک نسل تقریباً به طور کامل بی‌سواد و یا کم‌سواد باقی بماند. فائق آمدن بر این مشکل ضرورت به یک عزم ملی دارد که در رأس آن باید دولت جمهوری اسلامی افغانستان به عنوان نهادی که از قدرت و اراده ملت، نماینده‌گی می‌کند، طرح‌های واقع‌بینانه را آماده نموده و با کمک همه‌جانبه ملت آن را اجرا نماید. تا این ملت که مستحق یک زنده‌گی مرفه و آبرومندانه است، از فقر و تنگدستی که باعث خفت و خواری است، نجات یابد.

### مروری بر درس

- .....
- .....
- .....
- .....
- .....

### سؤالات درس

- ۱- عوامل فردی فقر را نام ببرید.
- ۲- عوامل طبیعی فقر کدام اند؟
- ۳- عوامل اجتماعی فقر را توضیح دهید.
- ۴- چرا کشور ما گرفتار فقر شده است؟
- ۵- چگونه باید فقر را از کشور خود ریشه‌کن نماییم؟

### کارخانه‌گی

اگر بخواهید سطح عاید خانواده خود را بالا ببرید:

- ۱- آیا منابع دیگری در اختیار دارید که بتوانید از آن‌ها استفاده نمایید؟
  - ۲- آیا شغل دیگری را برای بعضی از اعضای خانواده پیشنهاد می‌کنید؟
  - ۳- آیا بعضی از اعضای خانواده ضرورت دارند که مهارت‌های جدیدی را یاد بگیرند؟
- درباره سؤالات فوق با اعضای بزرگ خانواده مشورت نموده و جواب‌ها را در کتابچه خود نوشته و به مکتب بیاورید.

## مشکلات اجتماعی ما: خانه و مسکن

### مقایسه کنید

همه ما ضرورت به مسکن داریم. اکثر ما در خانه و بعضی نیز در خیمه یا غزدی زنده‌گی می‌کنیم. به نظر شما:

۱- چرا انسان به مسکن ضرورت دارد؟

۲- اگر مسکن نداشته باشیم، چه

می‌شود؟

۳- باید چه کنیم که همه ما مسکن

مناسب داشته باشیم؟

انسان حتا در دوره‌های بسیار قدیم

برای خود مسکن انتخاب می‌کرد. او

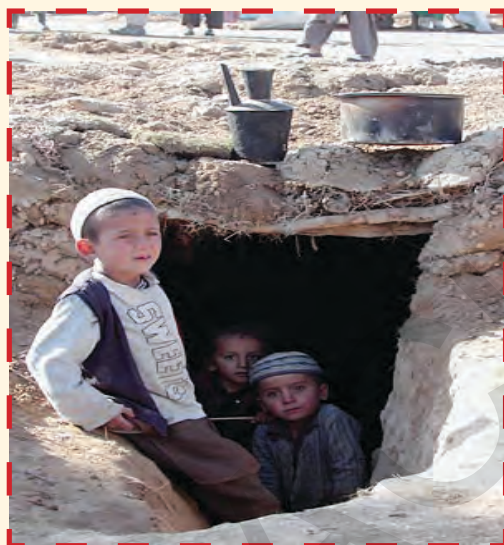
برای حفاظت از سرما و گرما در آن

زنده‌گی می‌نمود. با پیشرفت علم و

تکنولوژی بشر، مسکن نیز تفاوت

کرد و علاوه بر تأمین احتیاجات

ضروری محافظت انسان، جنبه‌های



زینتی نیز مورد توجه قرار گرفت. همچنین، در جوامع مختلف خانه‌ها مطابق با

فرهنگ و ارزش‌های دینی و فرهنگی به طرق متفاوتی ساخته شد.

با وجود پیشرفت‌های زیادی که بشر در عرصه‌های مختلف زنده‌گی به دست

آورده و خانه‌های بسیار مجلل، مجهز و دارای وسایل رفاهی ساخته‌اند.

کمبود مسکن هنوز یکی از مهم‌ترین مشکلات بشر به شمار می‌رود. حتا

در پیشرفته‌ترین کشورهای جهان، تعداد زیادی از خانواده‌ها خانه شخصی

مناسب ندارند و مجبورند هر ماه مبلغ قابل توجهی از عاید خود را برای کرایه

ومصارف خانه بپردازند. ملت ما به دلایل مختلف جزو کشورهایی است که



کمبود مسکن از مشکلات جدی آن به شمار می‌رود. بعضی از مهم‌ترین دلایل کمبود مسکن در شهرهای مهم کشور عبارتند از:

**مهاجرت:** در طی سال‌های جهاد، جمعیت زیادی از دهات و شهرها به کشورهای دور و نزدیک مهاجرت کردند. بعد از سال ۱۳۸۱ هـ. ش. که محیط نسبتاً امنی در کشور به وجود آمد، عده زیادی از هموطنان مهاجر به کشور خود بازگشتند و به جای اقامت در دهات و شهرهای کوچک خود، عمدتاً در پایتخت و سایر شهرهای کلان کشور سکونت گزیدند. اکنون در این شهرها، به خصوص کابل، جمعیت چند برابر بیشتر از ظرفیت آن زنده‌گی می‌کند.

**پروگرام‌های مشخص دولتی:** دولت می‌تواند با تطبیق ماسترپلان دست داشته و نقشه‌هایی که برای شهرها تهیه نموده اند اقدام نماید. دولت باید نخست برای هر شهر نقشه مناسب تهیه نماید و زمین‌ها را به متقاضیان توزیع نماید تا مردم مجبور نشوند به طور خودسرانه و بدون هیچگونه نقشه به ساختن خانه اقدام نمایند. چون در چند دهه گذشته در کشور ما جنگ ادامه داشت و ویرانی‌های زیادی را به بار آورد. باتوجه و کوشش دولت در طی سال‌های اخیر و تلاش‌ها و طرح‌هایی که داشت بازهم نظر به مشکلاتی که موجود بود این مشکل بزرگ اجتماعی تا هنوز حل نگردیده است. مشکل مسکن یک مشکل جدی کشور بوده که با طرح و تطبیق پروگرام‌هایی برای حل این مشکل از جانب دولت و با همکاری مردم صورت گرفته می‌تواند.

**قیمت بودن مواد تعمیراتی:** اکثر مواد تعمیراتی ما از کشورهای همسایه وارد می‌گردد. تولیدات داخلی ما در سال‌های گذشته به شدت آسیب دیده و هنوز بازسازی صورت نگرفته است. مواد تعمیراتی وارداتی نیز به دلیل ناامنی، خرابی راه‌های مواصلاتی و بی توجهی، به شدت گران است. این در حالی است که مردم ما به دلیل بی‌کاری و نابسامانی اقتصادی کشور توانایی خرید مواد قیمتی و ساختن خانه

مناسب را ندارند. علاوه بر شهرها در دهات کشور نیز تعداد زیادی از مردم خانه و سرپناه ندارند.

کسانی که زمین ندارند به طور طبیعی از داشتن خانه نیز محروم‌اند. خانه‌های دهاتی غالباً از امکانات صحتی و رفاهی لازم برخوردار نیستند و تنها مانع حرارت و برودت می‌گردند. بنابراین، مشکل کمبود خانه اختصاص به شهرها ندارد و شامل دهات نیز می‌گردد.

### اکنون چه باید کرد؟

برای حل این مشکل و دسترسی همه هم‌وطنان به مسکن مناسب، هم دولت و هم مردم باید تلاش کنند. کارهایی که دولت باید انجام دهد عبارتند از:

۱- تهیه ماسترپلان برای شهرهای کشور: دولت باید نقشه‌های شهرها را آماده نماید تا مردم بتوانند با قیمت مناسب یا رایگان زمین به‌دست‌آورند و اقدام به اعمار نمایند.

۲- ارائه خدمات عمومی: دولت باید برای همه کشور به خصوص مناطق مسکونی خدمات عمومی، از قبیل آب، سیستم دفع فاضلاب، برق، تلفون، سرک و کوچه پخته فراهم سازد.

۳- ایجاد بلاک‌های مسکونی: یکی از کارهای مهم که باید توسط دولت انجام شود، این است که خانه‌های ارزان ولی مجهز بسازد و به مردم واگذار نماید. یکی از بهترین راه‌های تهیه خانه ارزان تأسیس بلاک‌های مسکونی است. بلاک اگر با طرح و نقشه خوب ساخته شود، امکان زنده‌گی آرام نفوس زیادی را در فضای اندک میسر می‌سازد.

### مرور بر درس



.....

.....

.....

.....

.....

### سؤالات درس



- ۱- مهم ترین دلایل کمبود مسکن را در کشور توضیح دهید.
- ۲- دلایل مهاجرت مردم کشور ما را ذکر کنید؟
- ۳- برای این که مردم خانه‌های خود سر آباد نکنند، دولت کدام کارها را برای مردم باید انجام دهد.
- ۴- دولت و کمپنی‌های خانه‌سازی برای رفع مشکل کمبود خانه مردم کدام کارهای را انجام دهند تا مردم بی‌بضاعت ما صاحب‌خانه (اپارتمان) شوند؟
- ۵- پیشنهاد شما برای رفع کمبود مسکن چیست؟ بنویسید.

### کار خانه‌گی



با همکاری والدین مشکلات اجتماعی در زمینه اسکان را در چند سطر تحریر دارید.

## مشکلات اجتماعی ما: صحت و تندرستی

### مباحثه نمایید

صحت یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی است. سؤالات زیر را به دقت بخوانید و درباره آن‌ها باهم گفتگو کنید :

۱- چرا صحت و سلامتی برای ما اهمیت دارد؟

۲- اگر سلامتی خود را از دست بدهیم،

دچار چه مشکلاتی می‌شویم؟

۳- باید چه کرد که سالم مانده و مریض نشویم؟

مرض همیشه یکی از مهم‌ترین مشکلات بشر بوده است. هر کدام از ما در طول عمر خود بارها به امراض ساده و یا دشوار مبتلا



می‌شویم و سرانجام اکثر ما توسط بیماری‌ها جان خود را از دست می‌دهیم. علاوه بر این، گاهی امراض ساری بر انسان‌ها حمله می‌کند و تعداد زیادی از مردم به سبب آن نابود می‌شوند. انسان‌ها در گذشته بارها گرفتار امراض ساری خطرناک گردیده و به طور گسترده نابود گردیده‌اند. بعضی از مردم توسط وبا و طاعون کاملاً نابود شده‌اند.

ضررهایی که مرض به انسان می‌رساند عبارت اند از:

(۱) ایجاد درد و رنج؛

(۲) مانع شدن از فعالیت روزمره؛

(۳) مصرف پولی که انسان برای معالجه می‌پردازد؛

(۴) مرگ و نابودی انسان؛

۵) کاهش نفوس: در صورتی که مرض ساری باشد و انسان نتواند از آن جلوگیری نماید، مرض می‌تواند نفوس انسانی را در یک منطقه به شدت کاهش داده و یا به کلی نابود کند.

با وجود آن‌که مرض به طور کامل اجتناب‌پذیر نیست ولی امروز بسیاری از مرض‌ها قابل جلوگیری و درمان می‌باشد. طوری‌که رسول الله ﷺ فرموده است: خداوند جَلَّ جَلَّالَهُ هیچ مرضی را پیدا نکرده مگر آنکه برای آن دوائی را نیز آفریده است. پس، از دوا استفاده کنید. بسیاری از امراض که روزانه هزاران نفر را در طی مدت کوتاهی نابود می‌کرد، امروز به آسانی قابل درمان و تداوی می‌باشد.

بنابراین، امروز مسأله مهم‌تر برای ما این است که باید اولاً، شرایط زنده‌گی خود را طوری بسازیم که به مرض مبتلا نشویم و ثانیاً، اگر احیاناً گرفتار مریضی شدیم، باید بتوانیم خود را تداوی کنیم و در اثر امراض قابل علاج نابود نشویم. مردم ما متأسفانه یکی از آسیب‌پذیرترین مردم دنیا در برابر امراض و بیماری‌ها می‌باشند. مهم‌ترین مشکلاتی که مردم ما در این زمینه دارند عبارتند از:

### سوء تغذیه

نخستین شرط صحت انسان این است که خوراک و غذای کامل و صحی داشته باشد. در صورتی که انسان به صورت کامل تغذیه نشود، بدن رشد و فعالیت طبیعی خود را نداشته و در مقابل امراض مقاومت خود را از دست خواهد داد. سوء تغذیه در کشور ما به خاطر فقر شدید، بسیار زیاد است. تا وقتی که مردم از سوء تغذیه رنج ببرند، نمی‌توان امید داشت که آن‌ها صحت کامل داشته باشند.



**استفاده از مواد خوراکی غیرصحنی:** خوراک انسان باید صحنی باشد. اگر انسان از غذای غیرصحنی استفاده نماید دچار انواع امراض می‌شود. در کشور ما به خاطر کمبود وسایل حفظ و نگهداری مواد غذایی، بسیاری از مواد غذایی قبل از آن‌که به دست مردم برسد فاسد و غیرقابل خوردن می‌گردد. این مواد فاسد موجب امراض مختلف در میان مردم می‌گردد. علاوه براین، رستوران‌ها و دست‌فروشان مواد غذایی نیز از سوی وزارت صحت عامه کمتر تحت نظارت قرار می‌گیرند و اغلب آن‌ها اصول صحت و سلامت را مراعات نمی‌کنند.

**محیط و هوای آلوده:** محیط و هوای پاک یکی دیگر از شرایط زنده‌گی سالم است. شهرهای ما به دلیل خاکی و خراب بودن سرک‌ها و کوچه‌ها، از کثیف‌ترین و آلوده‌ترین شهرهای جهان محسوب می‌شود. موجودیت شمار زیاد وسایط نقلیه در شهرها و فعالیت وسایط دود زا، استفاده از تیل‌های بی‌کیفیت و ده‌ها عوامل دیگر باعث آلوده‌گی هوا گردیده که تنفس هوای آلوده بالای صحت و سلامتی کهنسالان، جوانان و اطفال تأثیر منفی گذاشته و ساکنین شهرها را به امراض مختلف مصاب می‌گرداند. طوری‌که اجتماع در انکشاف شهر و فامیل در رشد طفل رول دارد، محیط زیست هم در انکشاف طفل رول دارد. در افغانستان زیاده‌ترین وفیات را اطفال تا سن پنج ساله‌گی دیده است، بیشترین این اطفال از سبب امراض ساری و همچنان در اثر امراض تنفسی، سوء تغذیه، ملاریا و سرخکان از بین می‌رود. اسهال از آب آلوده و مواد آلوده‌یی که در محیط زیست وجود دارد و امراض تنفسی از آلوده‌گی هوا به وجود می‌آید که سبب مرگ و میر اطفال می‌گردد. منبع شیوع ملاریا، آب‌های گندیده استاده بوده که توسط پشه ملاریا به انسان انتقال می‌گردد. به همین قسم منبع سایر امراض ساری محیط زیست ناپاک می‌باشد. دولت و مردم دربارهٔ حفاظت محیط زیست سالم توجه جدی نمایند و مسائل صحت و محیطی و جلوگیری از آلوده‌گی هوا را در اولویت کاری خویش قرار دهند.

**کمبود امکانات صحتی و تداوی:** با وجود همه مشکلاتی که در زمینه صحت داریم، کلینیک‌ها و شفاخانه‌های معیاری نیز در کشور بسیار کم است. اگر سایر امکانات موجود باشد، داکتر متخصص بسیار کم داریم. به همین خاطر است که سالانه هزاران نفر برای تداوی به کشورهای همسایه و منطقه می‌روند. مطابق ماده ۵۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان: دولت وسایل وقایه و علاج امراض و تسهیلات صحتی رایگان را برای همه اتباع مطابق به احکام قانون تأمین می‌نماید.

#### مرور بر درس

- .....
- .....
- .....
- .....
- .....

#### سوالات درس

- ۱- بعضی از امراض ساری را تحریر دارید.
- ۲- کدام ضررها از مرض به انسان می‌رسد؟ فهرست نمایید.
- ۳- چطور می‌توانیم خود را از امراض وقایه کنیم؟
- ۴- سوء تغذیه چیست؟
- ۵- استفاده از مواد خوراکی غیر صحتی چه تأثیری بر بدن دارد؟

#### کارخانه‌گی

هوای آلوده چه تأثیر بر ارگانیزم بدن دارد؟

## مشکلات اجتماعی ما: تولید، قاچاق و اعتیاد به مواد مخدر

### مباحثه نمایید

بعضی از افراد صحت و سلامتی خود و دیگران را با تولید و قاچاق مواد مخدر به خطر می‌اندازند. به نظر شما:

۱- استعمال مواد مخدر چه ضررهایی برای ما دارد؟

۲- آیا مواد مخدر یک مشکل

بزرگ کشور ماست؟ چگونه؟

۳- تولید، قاچاق و استعمال مواد

مخدر چه عواقب فردی و اجتماعی

بی را در پی دارد؟

۴- چگونه می‌توان این مشکل

را از بین برد؟

مواد مخدر امروزیکی از مهم‌ترین

مشکلات کشور ما، منطقه و جهان

به شمار می‌رود.

در سال‌های جنگ و بحران گروه‌های مختلف زمینه فعالیت خود را در افغانستان مساعد دیده و از فقدان کنترل دولت بر مناطق دور دست استفاده نموده و به فعالیت پرداختند. بعضی از جریان‌ها با پشتیبانی و حمایت مافیای قاچاق مواد مخدر، تولید و کشت تریاک را تشویق و ترویج کردند. به این دلیل، امروز کشور ما به بزرگ‌ترین تولیدکننده مواد مخدر در جهان تبدیل شده است.

تولید مواد مخدر در افغانستان توسط مافیای بین‌المللی پشتیبانی می‌شود و آن‌ها محصولاتی را که در افغانستان به دست می‌آورند، به کشورهای اروپایی



و امریکایی قاچاق می‌کنند. مواد مخدر به موادی گفته می‌شود که مصرف آن شعور انسان را دچار اختلال می‌سازد. تریاک یکی از خطرناک‌ترین مواد مخدر است که از آن مواد خطرناک‌تر دیگری چون هرویین ساخته می‌شود. کشت و قاچاق مواد مخدر مشکلات فراوانی را برای دولت و ملت ما به وجود آورده که بعضی از آن‌ها قرار ذیل است:

### **مانع‌شدن از کشت محصولات مفید**

اولین ضرر کشت تریاک این است که دهقانان ما با کشت تریاک، از کشت محصولات مفید و مورد ضرورت جامعه باز می‌مانند. محصولات مفید زیادی وجود دارد که دهقانان می‌توانند با کشت آن‌ها هم مفاد خوبی به دست آورند و هم به جامعه و مردم خود خدمت نمایند. چرا به جای گندم، جو، لوبیا، پنبه و امثال آن‌ها، زمین، سرمایه و نیروی کار خود را به کشت محصولی اختصاص دهیم که زنده‌گی انسان‌های دیگر را با خطر مواجه می‌سازد؟

**اعتیاد:** وقتی تریاک و سایر مواد مخدر در کشور کشت و تولید شود و با قیمت ارزان و به‌آسانی در اختیار مردم قرار گیرد، نوجوانان و جوانان به مصرف آن روی آورده و معتاد خواهند شد. اعتیاد به این مواد انسان را مریض نموده و او را از کار و فعالیت مفید باز می‌دارد و به انحرافات می‌کشاند. زمانی که تعداد معتادان در کشور افزایش یابد، مشکلات زیادی برای خانواده‌ها، دولت و مردم پدید خواهد آمد.

### **تشدید فساد اداری**

از آن جایی که قاچاق مواد مخدر ممنوع است، قاچاقچیان سعی می‌کنند که با خریدن بعضی از مسئولین دولتی (به خصوص اداره پولیس و محاکم)

فعالیت‌های خود را آسان و ممکن سازند. آن‌ها گاهی موفق می‌شوند که بعضی از مسئولین بلندپایه دولتی را با خود هم نوا ساخته و از نفوذ آن‌ها استفاده نمایند.

در این صورت است که فساد اداری گسترده و عمیق می‌شود و تلاش‌ها برای کاهش و از بین بردن آن همواره با شکست مواجه می‌شود، زیرا از داخل دولت افراد پرنفوذی از رشد و گسترش فساد حمایت می‌کنند.

### ناامنی و خشونت

زمانی که دولت سعی می‌کند که از قاچاق مواد مخدر جلوگیری به عمل آورد، قاچاقچیان با استفاده از همه امکانات تلاش می‌کنند در مقابل تدابیر دولت ایستاده‌گی نموده و به فعالیت خود ادامه دهند.

یکی از راه‌های ایجاد موانع در راه توسعه و پیشرفت کشور، تشدید فساد اداری است که پیش از این توضیح داده شد. راه دیگر، ایجاد ناامنی و استفاده از خشونت است. با توجه به درآمد زیادی که آن‌ها دارند، با پیشرفته‌ترین سلاح‌های روز مجهزند و در صورتی که شرایط ایجاب نماید، از آن‌ها علیه نیروهای دولتی و مردم استفاده می‌نمایند. بدین ترتیب، مواد مخدر ارتباط بسیار نزدیکی با ناامنی و دهشت افکنی دارد.



## مرور بر درس



.....

.....

.....

.....

.....

## سؤالات درس



- ۱- مواد مخدر چیست؟
- ۲- ضررهای مواد مخدر را بیان دارید.
- ۳- با کشت تریاک دهقانان ما از زرع کشت کدام محصولات زراعتی محروم می‌گردند؟
- ۴- درمورد ناامنی و خشونت چند سطر تحریر دارید؟
- ۵- اعتیاد چیست؟ در زمینه معلومات دهید؟

## کارخانه‌گی



پیشنهادهای خود را برای از بین بردن مواد مخدر در چند سطر بنویسید.

## مشکلات اجتماعی ما: نا امنی، اختلافات سیاسی و اجتماعی

### مباحثه کنید

سؤالات ذیل را با دقت بخوانید و جواب دهید:

- ۱- مشکلاتی را که مردم ما به خاطر ناامنی تحمل می‌کنند، نام بگیرید؛
- ۲- چه عواملی باعث ناامنی می‌شوند؟
- ۳- برای آن‌که جامعه‌یی با امن داشته باشیم باید چه کارهایی را انجام دهیم؟



ما در جامعه به فعالیت‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ضرورت داریم. این فعالیت‌ها در صورتی امکان‌پذیر است که امنیت کافی وجود داشته باشد، و اگر امنیت کافی برای کار و فعالیت وجود نداشته باشد، افراد، سازمان‌ها و نهادها از کار و فعالیت عادی باز می‌مانند.

قبل از هر چیز لازم است که مفهوم امنیت را توضیح دهیم. امنیت به وضعیتی در جامعه گفته می‌شود که مردم احساس آرامش و اطمینان خاطر کنند و از هیچ کس یا سازمانی تهدید نشوند. به طور مثال: اگر کسی شغلی دارد و هیچ چیزی کار او را تهدید نمی‌کند، او امنیت کاری دارد؛ یا اگر مردم بدون احساس ترس و تهدید به کار و زنده‌گی خود می‌پردازند و دربارهٔ جان و مال خود از کسی نمی‌ترسند، آن‌ها امنیت جانی و مالی دارند. پس معلوم می‌شود که امنیت انواعی دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: امنیت جانی، روانی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی.

در یک تقسیمات عمومی می‌توان گفت که امنیت به دو نوع روانی و فیزیکی

تقسیم می‌شود. امنیت روانی زمانی حاصل می‌شود که امنیت کامل وجود داشته باشد و امنیت فیزیکی کم‌ترین حد امنیت است. اگر امنیت فیزیکی تهدید شود جان مردم به خطر می‌افتد و در این صورت امنیت روانی نیز وجود نخواهد داشت.

### عوامل ناامنی

ناامنی زمانی رخ می‌دهد که قواعد اجتماعی و قوانین رسمی به دلایلی پشتوانه اخلاقی و مردمی خود را از دست داده باشد و عده‌یی از این فرصت سوء استفاده نموده و مال و جان مردم را هدف قرار دهند. ناامنی می‌تواند عوامل متعدد و گوناگونی داشته باشد.

از مهم‌ترین عوامل ناامنی می‌توان عوامل ذیل را نام برد: جنگ (داخلی یا خارجی)، دهشت افکنی، قاچاق مواد مخدر، سرقت‌های مسلحانه و پلان شده، اختلافات سیاسی، قومی و ایدئولوژیکی و فرکسیون بازی. فعلاً مهم‌ترین عامل ناامنی در کشور ما دهشت افکنی است. در این درس اندکی درباره دهشت افکنی بحث می‌کنیم.

### دهشت افکنی

هر گونه عمل سازمان یافته‌یی که باعث وحشت، ترس و ناآرامی مردم گردد و اهداف سیاسی را دنبال کند، دهشت افکنی نامیده می‌شود.

بنابراین تعریف، تمام فعالیت‌های نظامی و تبلیغات گروه‌هایی که می‌خواهند از این طریق بر دولت فشار وارد نموده و به اهداف سیاسی خود برسند، دهشت افکنی نامیده می‌شود.

دهشت افکنی و ناامنی پیامدهای بسیار بدی برای کشور و ملت ما دارد که بعضی از آن‌ها از این قرار است:

• **کشتار مردم:** دهشت افکنان برای رسیدن به اهداف سیاسی خود حاضراند که مردم بی‌گناه را به قتل برسانند.

• **تخریب و ویرانی کشور:** ناامنی باعث می‌شود که مردم و مؤسسات مختلف دولتی و خصوصی به سقوط مواجه شوند. علاوه براین، عملیات دهشت افکنی همان‌گونه که جان مردم را تهدید می‌کند به اموال و ساختمان‌های خصوصی و

دولتی نیز ضرر وارد می‌کند و هر روز به جای آنکه کشور آباد شود، ویران می‌شود.

• **تضییع وقت:** وقت برای انسان بسیار مهم است و نباید آن را ضایع کرد. امروزه کشورها در زمان کوتاه به پیشرفت‌های بزرگی دست می‌یابند، در حالی که مردم ما به دلیل ناامنی و فعالیت‌های خراب کارانه دهشت افکنان علاوه بر نابودی ثروت‌های موجود خود، سال‌ها وقت خود را بدون هیچ‌گونه پیشرفتی از دست می‌دهند. اکنون وظیفه دولت و ملت است که با تمام توان تلاش کنند. امنیت کافی را به خاطر کار و فعالیت تأمین نمایند.

#### مرور بر درس

.....•

.....•

.....•

.....•

.....•

#### سؤالات درس

- ۱- امنیت در کار کدام معنا را افاده می‌کند؟
- ۲- دهشت افکنی چیست؟
- ۳- عوامل ناامنی‌ها در کشور ما چیست؟ بیان دارید.
- ۴- دهشت افکنی چه نتایج برای کشور ما دارد؟

#### کارخانه‌گی

مشکلاتی را که مردم ما به خاطر ناامنی تحمل می‌کنند، نام ببرید. در این باره چند سطر بنویسید و در صنف بخوانید.

## مشکلات اجتماعی ما: ماین‌ها و مواد منفجر ناشده

### فکر کنید و جواب دهید

در کشور ما سال‌ها جهاد و بعد جنگ وجود داشت. هر گروهی برای محافظت از نیروهای خود اطراف پایگاه‌های خود را ماین کاشتند. اکنون بعد از چندین سال هنوز تعداد زیادی از این مواد به صورت منفجر ناشده باقی مانده و جان مردم را تهدید می‌کند. به سؤالات زیر جواب دهید:



۱- آیا شما تا حال ماین یا سایر مواد منفجره را دیده‌اید؟

۲- اگر احیاناً با ماین مواجه شوید چه کار می‌کنید؟

۳- برای جلوگیری از خطر ماین‌ها باید چه کنیم؟

کشورهایی که جنگ را پشت سر می‌گذارند، تا سال‌ها پس از جنگ نیز مشکلات ناشی از جنگ را تحمل می‌کنند. یکی از مهم‌ترین مشکلات جنگ‌های امروزی ماین‌ها و مواد منفجره باقیمانده از جنگ است که هر روز ممکن است جان ده‌ها و صدها انسان را بگیرد. در کشور ما میلیون‌ها ماین منفجرناشده از دوران جهاد و بعد از جنگ باقی‌مانده و سالانه تعداد زیادی از هموطنان ما جان خود را در اثر برخورد با ماین‌ها از دست می‌دهند. در طی این سال‌ها فعالیت‌های زیادی جهت جمع‌آوری ماین‌ها و سایر مواد انفجاری منفجرناشده انجام شده است. متأسفانه تعداد زیادی از هموطنان ما در این راه جان خود را از دست داده‌اند. اما علیرغم



همه این تلاش‌ها، هنوز تعداد زیادی از این مواد جمع‌آوری نشده و جان مردم را به‌خصوص در مناطق دوردست کشور، تهدید می‌کند. اکنون باید چه کنیم که از خطرات ماین‌ها محفوظ بمانیم؟ کارهای زیادی باید در این راه صورت گیرد که مهم‌ترین آن‌ها قرار زیر است:

- یکی از کارهای اساسی این است که دولت باید تلاش کند تا هر چه زودتر ماین‌ها و سایر مواد انفجاری باقی‌مانده از دوران جنگ را جمع‌آوری نمایند و مردم را از تهدیدهای احتمالی آن حفظ کند. خوشبختانه، مؤسسات ماین‌پاکی چندین سال است که با جدیت تلاش می‌کنند تا ماین‌ها را پاک کنند و در این کار تاحد زیادی هم موفق بوده‌اند. ولی با وجود این هنوز ماین‌های زیادی باقی مانده که ضرورت به پاک‌کردن دارد.

- کار مهم دیگر، آگاهی مردم از انواع ماین‌ها و آشنایی با چگونگی برخورد با آن‌ها است. کسانی که در مناطق آلوده با مواد منفجرناشده سکونت دارند، باید انواع ماین‌ها را بشناسند، خطرات ناشی از آن‌ها را بدانند و طرق برخورد با آن‌ها را یادگیرند تا بتوانند از خود در برابر آن‌ها محافظت نمایند.

مؤسسه ماین‌پاکی سازمان ملل که برای جمع‌آوری ماین‌های باقیمانده از دوران جنگ کار می‌کند، در این زمینه توصیه‌هایی را ارائه کرده است که توجه به آن‌ها برای همه ارزشمند است:

### بحث نمایید

#### مهمات منفجرناشده چیست؟

به پارچه ناشناخته فلزی پلاستیکی یا چوبی دست نزنید، ممکن است مهمات منفجرناشده یا نوعی از ماین باشد. مواد منفجره که انفجار نکرده باشند، به نام مهمات منفجرناشده یاد می‌شود. مهمات منفجرناشده شامل راکت، نارنجک، بمب‌ها و غیره می‌باشد. مهمات منفجرناشده از فلزات، چوب، پلاستیک ساخته شده است؛ و مطابق آب و هوا رنگ آن‌ها تغییر می‌کند. مهماتی که از فلزات ساخته اند، به اثر تغییرات اقلیمی زنگ می‌زنند و شناخت آن‌ها بسیار مشکل می‌شود. بنابراین در ساحاتی که

آنها را نمی‌شناسیم به بزرگان محل و یا دفتر ماین پاکی احوال بدهیم تا آنها را از بین ببرند. مهمات منفجر نشده اکثراً در روی زمین قرار دارند. و جلوگیری از خطرات آنها آسانتر است. در حالی‌که ماین‌ها اکثراً در زیر زمین قرار دارند جلوگیری از آنها مشکلتر است. اما مهمات منفجر نشده می‌توانند بیشتر از ماین‌ها باعث تلفات یا زخمی‌شدن انسانها و حیوانات شوند. به اساس مقوله **حب الوطن من الایمان** وطن بر هر فرد کشور ما حق دارد. وطن به منزله مادر است طوری که اولاد، مادر و پدر خود را دوست دارند باید افراد جامعه نیز وطن خود را دوست داشته باشند.

خطر ماین و مواد منفجر نشده کشور را تهدید می‌کند. بنابراین بر همه اتباع کشور لازم است که ماین را کشت نکنند و همچنان هرگاه مواد منفجر نشده را دیدند به آن دست نزنند بلکه: به مقام ذیصلاح اطلاع دهند به این ترتیب وظیفه ایمانی و وطنی را ادا نمایند.

### مروری بر درس

.....

.....

.....

.....

.....

### سؤالات درس

- ۱- مهمات منفجر نشده چیست؟
- ۲- چرا ماین‌های کشت شده و مهمات منفجر نشده روی زمین باقی مانده است؟
- ۳- ماین‌ها و مهمات منفجر نشده چه خطراتی را در قبال دارد؟
- ۴- وقتی با ماین برخورد می‌نمایم چه کاری باید انجام دهیم؟
- ۵- چگونه می‌توانیم از خطرات مهمات منفجر نشده در امان باشیم؟

### کارخانه گی

درباره این‌که چگونه می‌توانیم از خطرات مهمات منفجر نشده و ماین‌ها در امان باشیم چند سطر تحریر نموده و آن را در صنف بخوانید.

## خلاصه فصل پنجم

- انسان‌ها مدت‌ها بر روی زمین زنده‌گی کردند ولی خواندن و نوشتن را نمی‌دانستند. در آن زمان تجارب نسل‌های گذشته به صورت عملی و شفاهی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌گردید.
- فقر عبارت است از نداشتن ضرورت‌های اولیه که انسان به آن‌ها نیاز دارد. فقر یکی از مصیبت‌هایی است که در طول تاریخ، بشر را رنج داده و می‌دهد.
- جامعه‌یی به رفاه و ثروت دست پیدا می‌کند که هر فردی بر اساس شایسته‌گی و توانایی‌های خود از امکانات و منابع جامعه مستفید شوند.
- با وجود پیشرفت‌های زیادی که بشر به دست آورده، کمبود مسکن هنوز یکی از مهمترین مشکلات بشر به شمار می‌رود.
- مرض همیشه یکی از مهم‌ترین دشمنان بشر بوده است، هر کدام از ما در طول عمر خود بارها به امراض ساده و دشوار مبتلا می‌شویم و سرانجام توسط مرض جان خود را از دست می‌دهیم.
- نخستین شرط صحت انسان این است که خوراک و غذای کامل متوازن و صحی داشته باشد، خوراک انسان باید صحی باشد.
- ما در جامعه به فعالیت‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی اشتغال داریم. این فعالیت‌ها در صورتی امکان پذیر است که امنیت کافی وجود داشته باشد.





وزارت معارف

معینیت انکشاف نصاب تعلیمی  
و تربیہ معلم  
ریاست عمومی انکشاف نصاب  
تعلیمی و تألیف کتب درسی

# تعلیمات مدنی

## صنف ۱۱

کتاب های درسی متعلق به وزارت معارف بوده خرید و فروش آن جداً ممنوع  
است. با متخلفین برخورد قانونی صورت می گیرد.



تعلیمات مدنی - صنف یازدهم





## سرود ملی

دا وطن افغانستان دی  
کور د سولې کور د تورې  
دا وطن د ټولو کور دی  
د پښتون او هزاره وو  
ورسره عرب، گوجر دي  
براهوي دي، قزلباش دي  
دا هیواد به تل خلیري  
په سینه کې د آسیا به  
نوم د حق مودی رهبر

دا عزت د هر افغان دی  
هر بچی یې قهرمان دی  
د بلوڅو د ازبکو  
د ترکمنو د تاجکو  
پامیریان، نورستانیان  
هم ایماق، هم پشه پان  
لکه لمر پر شنه آسمان  
لکه زړه وي جاویدان  
وایو الله اکبر وایو الله اکبر



# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت معارف

معینیت انکشاف نصاب تعلیمی و تربیه معلم  
ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی  
و تألیف کتب درسی

## تعلیمات مدنی

### صنف یازدهم

۱۳۹۶

ه.ش



## مؤلفان:

- محمد عزیزبختیاری
- پوهنبار محمد فاروق عمر خیل
- مؤلف محمد انور مشفق

## ایدیت مسلکی:

سر مؤلف میر عبیدالله فاضل عضو علمی دیپارتمنت تعلیمات مدنی ریاست انکشاف نصاب تعلیمی.

## ایدیت زبان

عبدالرازق اسمیر و عین الدین اسدی

## کمیته دینی، سیاسی و فرهنگی:

دکتور عبدالصبور فخری

حبیب الله راحل مشاور وزارت معارف در ریاست انکشاف نصاب تعلیمی.

## کمیته نظارت:

دکتور اسدالله محقق معین انکشاف نصاب تعلیمی و تربیه معلم.

دکتور شیر علی ظریفی رئیس پروژه انکشاف نصاب تعلیمی.

دکتور محمد یوسف نیازی سرپرست ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی و تألیف کتب درسی

## طرح و دیزاین: رحمت الله غفاری

تنظیم امور چاپ: محمد کبیر حقمل رئیس نشرات و اطلاعات وزارت معارف.

## بسم الله الرحمن الرحيم

### پیام وزیر معارف

سپاس بیکران آفریدگاری را که انسان را در احسن تقویم آفرید و او را قدرت بیان بخشید و به زیور علم و اندیشه آراست و درود بی‌پایان بر پیامبر مکرم اسلام حضرت محمد مصطفی - صلی الله علیه وسلم - که معلم بزرگ انسانیت است و پیام آور رحمت و هدایت و روشنایی.

تعلیم و تربیت نقطه آغاز هر تحول و سنگ بنای توسعه در هر جامعه است. هدف اصلی تعلیم و تربیت به فعلیت رساندن نیروهای بالقوه انسان و شکوفا کردن استعدادهای درونی وی است.

کتاب درسی یکی از ارکان مهم در فرایند تعلیم و تربیت محسوب می‌شود که همگام با تحولات و پیشرفت‌های علمی نوین و مطابق با نیازمندی‌های جامعه تهیه و تألیف می‌گردد و باید دارای ظرفیت و ظرفیتی باشد که بتواند آموزه‌های دینی و اخلاقی را توأم با فرآورده‌های علوم جدید با میتودهای نوین به شاگردان منتقل کند.

کتابی که اکنون در اختیار شما قرار دارد، بر اساس همین ویژه‌گی‌ها تهیه و تألیف شده است. سعی وزارت معارف همواره براین بوده که نصاب تعلیمی و کتب درسی معارف کشور، متکی بر مبانی تعلیم و تربیت اسلامی و حفظ هویت ملی، مطابق با معیارهای علمی و روش‌های تربیتی نوین بوده، استعدادهای دانش آموزان را در همه زمینه‌های اخلاقی و علمی شکوفا گرداند و قدرت تفکر، ابتکار و حس جستجوگری را در آنها تقویت بخشد. ترویج فرهنگ گفتگو و رواداری، تقویت حس وطن‌دوستی، مهربانی، گذشت و همبستگی از خواست‌های دیگر وزارت معارف است که باید در کتب درسی متبلور باشد.

کتاب‌های درسی بدون داشتن معلم خوب و مسلکی نمی‌تواند اهداف مورد نظر را بر آورده سازد. معلم یکی از ارکان مهم تعلیم و تربیت و مجری برنامه‌های آموزشی و تربیتی است. از معلمان و آموزگاران خوب، متعهد و دلسوز کشورم که ستیزه با سیاهی و نادانی را پیشه خود ساخته‌اند، صمیمانه آرزو مندم که با تطبیق دقیق و مخلصانه نصاب تعلیمی، کودکان و جوانان میهن را بسوی فتح قله‌های رفیع دانش، اخلاق و معنویت رهنمون گردند.

کامیابی نظام آموزشی کشور بدون همکاری جدی مردم غیر ممکن است. ازین رو از همه اقشار و افراد ملت شریف افغانستان، بخصوص از خانواده‌ها و اولیای محترم شاگردان خواشمندم که از هیچگونه همکاری در جهت تحقق اهداف معارف دریغ نوزند. همچنان از همه نویسندگان، دانشمندان، متخصصان تعلیم و تربیت و اولیای محترم شاگردان تقاضا می‌شود که با ارائه نظریات و پیشنهادات سالم و نقدهای سازنده خود وزارت معارف را در بهبود هر چه بیشتر کتاب‌های درسی همکاری نمایند.

لازم می‌دانم از تمام مؤلفان دانشمند و کارمندان اداری و فنی وزارت معارف که در تهیه، تألیف، طبع و توزیع این کتاب زحمت کشیده‌اند و از همه نهادهای ملی و بین‌المللی که در زمینه چاپ و توزیع کتب درسی همکاری نموده‌اند، قدردانی و تشکر نمایم.

در اخیر از خداوند منان استدعا دارم که به لطف بی‌پایان خود، ما را در تحقق آرمان‌های مقدس معارف یاری رساند. إنه سمیع قریب مجیب.

دکتور اسدالله حنیف بلخی

وزیر معارف



|    |                            |
|----|----------------------------|
| ۱  | فصل اول: اجتماعی شدن چیست؟ |
| ۲  | اهداف فصل                  |
| ۳  | اجتماعی شدن چیست؟          |
| ۷  | عوامل اجتماعی شدن (۱)      |
| ۱۱ | عوامل اجتماعی شدن (۲)      |
| ۱۵ | مراحل زنده گی              |
| ۲۱ | فصل دوم: نظم اجتماعی       |
| ۲۲ | اهداف فصل                  |
| ۲۳ | نظم اجتماعی چیست؟          |
| ۲۷ | عوامل نظم اجتماعی (۱)      |
| ۳۱ | عوامل نظم اجتماعی (۲)      |
| ۳۵ | انحرافات اجتماعی (۱)       |
| ۳۹ | انحرافات اجتماعی (۲)       |
| ۴۳ | فصل سوم: تغییرات اجتماعی   |
| ۴۴ | اهداف فصل                  |
| ۴۵ | تغییرات اجتماعی چیست؟      |
| ۴۹ | عوامل تغییرات اجتماعی (۱)  |



|    |                                                            |
|----|------------------------------------------------------------|
| ۵۳ | عوامل تغییرات اجتماعی (۲).....                             |
| ۵۷ | فصل چهارم: نابرابری اجتماعی و نشانه‌های آن.....            |
| ۵۸ | اهداف فصل.....                                             |
| ۵۹ | نابرابری اجتماعی چیست؟.....                                |
| ۶۳ | نابرابری طبقاتی.....                                       |
| ۶۷ | نابرابری جنسیتی.....                                       |
| ۷۱ | فصل پنجم: مشکلات اجتماعی ما.....                           |
| ۷۲ | اهداف فصل.....                                             |
| ۷۳ | مشکلات اجتماعی ما: بی‌سوادی.....                           |
| ۷۷ | مشکلات اجتماعی ما: فقر.....                                |
| ۸۱ | مشکلات اجتماعی ما: خانه و مسکن.....                        |
| ۸۵ | مشکلات اجتماعی ما: صحت و تندرستی.....                      |
| ۸۹ | مشکلات اجتماعی ما: تولید، قاچاق و اعتیاد به مواد مخدر..... |
| ۹۳ | مشکلات اجتماعی ما: ناامنی، اختلافات سیاسی و اجتماعی.....   |
| ۹۶ | مشکلات اجتماعی ما: ماین‌ها و مواد منفجرناشده.....          |
| ۹۹ | خلاصه فصل.....                                             |